

آموزش فا در کنفرانس هیوستون

لی هنگجی، ۱۲ اکتبر ۱۹۹۶

از دولت و مردم هیوستون بخاطر لطفی که به من داشته‌اند بسیار سپاسگزارم. همچنین امیدوارم این تعداد زیاد مریدان فالون گونگ نیز بتوانند در تشکر از آنان برای حمایت و محبت‌شان به دافا، به من ملحق شوند. بگذارید قدرانی‌مان را با تشویق و کفزدن به آنان ابراز کنیم، شروع کنیم؟ (تشویق) من حسن نیت دولت هیوستون و لطفی که دولت هیوستون به من داشته است را به تمامی مریدان فالون گونگ و مردم چین خواهم رساند.

همیشه به مریدان فالون گونگ در آمریکا، شامل سفیدپوستان، مردم سیاه‌پوست، مردم نژاد زرد، و همچنین مریدان نژادهای دیگر فکر می‌کرده‌ام. اینکه بتوانید فا را کسب کنید به این معنی است که رابطه تقدیری‌تان فرارسیده است، پس تمام مدت خواسته‌ام که بیایم و ببینم هر شخص در تزکیه‌اش چگونه عمل کرده است.

بسیاری از افراد هرگز مرا ملاقات نکرده‌اند، اما بسیاری از افراد کتاب‌ها را خوانده و برای یاد گرفتن این فا آمده‌اند. آن‌ها همیشه احساس می‌کنند تا شخصاً استاد را نبینند، به نظر نمی‌رسد احساس راحتی کنند، اما بعد از دیدن من ظاهراً بیشتر احساس راحتی می‌کنند. در واقع، در آن مقالات کوتاه - که شما آنان را دست‌نوشته می‌نامید - به شما گفته‌ام حتی اگر مرا ندیده باشید می‌توانید دقیقاً به همان شکل تزکیه کنید؛ و دقیقاً به همان صورت می‌توانید آن‌چه را که قرار است، بدست آورید. هیچ چیز از قلم نمی‌افتد، زیرا تزکیه واقعی نه به شکل بستگی دارد نه به اینکه آیا استاد را دیده‌اید یا خیر. می‌دانید، بودا شاکيامونی بیش از دوهزار سال پیش از دنیا رفت، اما نسل‌های بعدی همیشه در حال تزکیه بوده‌اند. آن‌ها هیچ راهی برای دیدن بودا شاکيامونی ندارند، اما می‌توانند دقیقاً به همان شکل در تزکیه موفق شوند؛ آن به این دلیل است که او متونی در جهان بشری دارد و بدن‌های قانونی دارد که مردم را نجات می‌دهد.

از آنجاکه که در حال اشاعه چنین فای بزرگی هستیم، ممکن است از کتاب به این درک رسیده باشید که هیچ‌کسی تا به حال در تاریخ چنین تعهد بزرگی را آغاز نکرده است - یعنی، توضیح مجموعه‌ای از اصولی که راستین، کامل و نظام‌مند است، و می‌تواند [تزکیه‌کنندگان] را قادر کند که به آسمان صعود کنند. در گذشته این مجاز نبود. در اجتماع بشری گذشته، شخص مطلقاً نمی‌توانست این چیزها را برای نوع بشر به‌جای بگذارد.

البته، بسیاری از مردم متون بودا شاکيامونی را خوانده‌اند، اما در واقع، آن‌ها توسط نسل‌های بعدی گردآوری شده‌اند. آن‌ها ناکامل بوده و فقط اصول کمی را مطرح کرده‌اند. هنگام گردآوری آن‌ها، نسل‌های بعدی بر افسانه‌ها و خاطرات تکیه کردند، و بنابراین آن‌ها تکه‌تکه هستند. پس، چرا به آن صورت اتفاق افتاد؟ زیرا آن تنها چیزی بود که خدایان اجازه دادند در طول آن دوره تاریخی برای بشریت باقی بماند. در آن زمان، بودا شاکيامونی واقعاً درباره [چیزهای] بسیاری سخن گفت، اما چون هندوستان در آن زمان یک زبان نوشتاری نداشت، آن‌چه درباره‌اش سخن گفت، نمی‌توانست فوراً ثبت شود، و آن [موجود] نبود تا پانصد سال بعد از درگذشت بودا شاکيامونی که نسل‌های بعدی آن‌چه او درباره‌اش سخن گفته بود را به نگارش درآوردند. البته، زمان، مکان، موقعیت و محیطی که مردم در آن زمان داشتند و او توجه خود را بر آن معطوف می‌داشت - کل آن تغییر کرده بود، و راهی برای بازبایی تمام آن وجود نداشت. ولی با آن وجود، متون بودیستی هنوز می‌توانست افرادی که به‌طور واقعی می‌خواستند تزکیه کنند را موفق به درک حقایق بودا کند، هر چند از دیدگاه حقایق بودای بیکران، آنها ناکامل هستند، چه رسد به اینکه نظام‌مند و قانون بنیادین جهان باشند. اما شاکيامونی یک بودا است، و کلماتش در واقع سرشت بودا و تجسم آن سطح از حقایق بودا را حمل

می‌کند. عیسی و لائوژی در همان موقعیت شاکيامونی بودند: هیچ‌کدام از آنان مکتوباتی از فایبی که در زمان خودشان آموزش دادند را باقی نگذاشتند. همان برای راهبان سطح بالایی که در طول تاریخ تزکیه کرده‌اند صدق می‌کند.

اغلب چیزی شبیه این می‌گوییم: می‌گوییم کاری را انجام داده‌ام که هیچ‌کسی قبلاً انجام نداده است. عبارتی شبیه این در میان شاگردان انتشار یافته است: آن‌ها می‌گویند که معلم برای موجودات بشری نردبانی برای صعود به آسمان باقی گذاشته است. خدایان در حال گفتن همان هستند. خدایان می‌گویند، «تو برای موجودات بشری نردبانی برای صعود به آسمان باقی گذاشته‌ای.» چیزهایی که شاکيامونی، عیسی و لائوژی از خود به‌جای گذاشتند بسیار کم و ناکامل هستند؛ آن‌ها به این دلیل است که در گذشته انجام کارها به این روش ممنوع بود.

این فایبی که آموزش می‌دهم بی‌نهایت بزرگ است. تا زمانی که مطابق این فا تزکیه می‌کنید، می‌توانید به کمال دست پیدا کنید. این برای موجودات ذی‌شعور گذشته چیزی غیرقابل تصور است. اسرار آسمانی که درون [این فا] به آنها اشاره شده، بی‌نهایت بزرگ و فراوان هستند. اما اگر تزکیه نکنید، هنگامی که این کتاب را می‌کشایید و نگاهی می‌اندازید، درخواهید یافت این کتابی است که به شخص می‌آموزد چگونه فرد خوبی باشد، و آن‌چه مطرح می‌کند اصول هستند؛ آن چنین کتابی است. اگر بخواهید تزکیه کنید، وقتی آن را برای بار دوم بخوانید، با قصد نروید و در معنای هر حرف کندوکاو نکنید. تا زمانی که یک دور کامل خالصانه آن را بخوانید، بعد از اینکه بار دوم آن را کامل بخوانید، متوجه خواهید شد که این یک کتاب معمولی نیست، و هر دوی احساساتی که داشتید و معانی درونی داخل آن که هنگام مطالعه در دور اول [دیدید] تغییر خواهند کرد. وقتی خواندن آن را برای بار سوم تمام کنید، متوجه خواهید شد که معانی درونی مجدداً تغییر کرده است، و آن دوباره متفاوت از دو بار قبلی است. فقط خواندن آن را به این شکل ادامه دهید، و زمانی که سه بار آن را به‌طور کامل خواندید، شاید دیگر قادر نباشید از این کتاب جدا شوید، و برای باقی عمرتان هم قادر نخواهید بود. چرا این‌گونه است؟ زیرا از دیدگاه سطحی انسان‌ها، دو دلیل وجود دارد: یکی اینکه انسان‌ها همگی تشنه دانش و حقایق هستند. دیگری آن است که انسان‌ها همگی سرشت بودایی دارند. آن‌چه محتوای کتاب مطرح می‌کند حقایق بودا هستند، که به سرشت بودایی شما متصل هستند. به محض این‌که آن را می‌بینید به آن احساس نزدیکی می‌کنید، حقایق فای راستین، شما را هیجان زده کرده، و احساس خواهید کرد این چیزی است که می‌خواهید.

همچنین، تزکیه باید روندی داشته باشد. وقتی مطالعه فا را آغاز می‌کنید فقط قادر هستید که اصول مربوط به شخصی خوب بودن را درک کنید. درواقع، محتوای این کتاب حقایق قلمروهای مختلف و سطوح مختلف را شامل می‌شود. همان‌طور که بودیسم آن را آموزش می‌دهد، سه قلمرو سی و سه سطح آسمان را در درون خود دارد - سطوح مختلف درون سه قلمرو هستند. اگر بخواهید به سطحی از آسمان‌ها تزکیه کنید، فقط زمانی که اصول آن سطح از آسمان‌ها را بدانید می‌توانید به بالا تزکیه کنید. تنها زمانی که آن استاندارد را رعایت کنید می‌توانید بالا بروید. اگر بخواهید فراتر از سه قلمرو تزکیه کنید، فقط زمانی می‌توانید به بالا تزکیه کنید که حقایق خارج از سه قلمرو برای شما آشکار شده باشد. این قانون عناصری دارد که می‌تواند تزکیه‌تان را به سطوح مختلف در بالا هدایت کند. وگرنه، صرفاً به صورتی که شرح دادم خواهد بود؛ شما با کتاب‌های مدرسه ابتدایی به دانشگاه می‌روید، اما هنوز یک شاگرد مدرسه ابتدایی هستید، زیرا دانش سطح دانشگاه را درک نکرده‌اید، و [دانش سطح ابتدایی] نمی‌تواند تحصیلات شما در دانشگاه را هدایت کند؛ آن این اصل است. اما با این کتاب، با این‌که اسرار آسمانی را آشکار می‌کند، افرادی که تزکیه نمی‌کنند با نگاه به آن در سطح ظاهر چیزی نخواهند دید. فقط زمانی که بخواهید تزکیه کنید و بخواهید خالصانه این کتاب را بخوانید، کشف خواهید کرد که معانی درونی داخل آن بی‌نهایت عظیم هستند. چقدر عظیم؟ تا هر چقدر بالا که بتوانید تزکیه کنید، آن می‌تواند شما را راهنمایی کند تا به آن‌جا تزکیه کنید.

به همه می‌گوییم که تمام کسانی که می‌توانند فالون‌دافا را کسب کنند پیش‌زمینه‌های بخصوص و روابط از پیش مقدرشده دارند، و برخی ممکن است موجوداتی باشند که از سطوح بسیار بالا آمده‌اند. در میان مردم جهان که می‌بینید، همه یکسان به نظر می‌رسند، زیرا از روی ظاهر نمی‌توانید بگویید که آن مرد یا زن چه کسی است. اما اغلب این را می‌گوییم: در اشاعه چنین فای بزرگی [ما] به‌طور تصادفی آن را به انسان‌ها نمی‌دهیم که مطالعه کنند، پس اگر آن را شنیده‌اید ممکن است رابطه‌ای تقدیری داشته باشید و این توسط آن رابطه تقدیری اتفاق افتاده است. حتی یک کلمه از آن‌چه می‌گوییم بی‌اساس نیست؛ این در

آینده اثبات خواهد شد. البته، چون چنین فای بزرگی را عمومی ساخته‌ام، باید در قبال آن مسئول باشم. اگر شخص نتواند مردم را نجات دهد، آن زن یا مرد با بی‌دقتی در حال آشکار کردن اسرار آسمانی و آسیب رساندن به قوانین آسمانی است. آن مطلقاً مجاز نیست، و هیچ کسی جرأت نمی‌کند کارها را به آن شیوه انجام دهد.

همان‌طور که می‌دانید، در گذشته هر کسی اسرار آسمانی را بطور سرسری هویدا می‌کرد با مجازاتی از سوی آسمان مواجه می‌شد. چرا تزکیه‌کنندگان می‌بایست دهانشان را می‌بستند و سخن نمی‌گفتند؟ اول اینکه، انسان‌ها بسیار به توهمات وابسته‌اند؛ و دوم، آن‌هایی که تزکیه نمی‌کنند مجاز به دانستن حقیقت چیزها نیستند. تزکیه‌کنندگان درباره حقایق آسمانی روشن هستند و آن‌چه می‌گویند همگی اسرار آسمانی است، پس گفتن سرسری این چیزها به یک شخص عادی، آشکار کردن اسرار آسمانی خواهد بود، و [تزکیه‌کننده] خودش به پایین سقوط خواهد کرد. پس چرا من هم اکنون قادر به انجام دادن این هستم؟ و افراد تزکیه‌کننده بسیاری داریم که به سوی بالا تزکیه می‌کنند و به‌طور موفقیت‌آمیزی تزکیه می‌کنند تا در آینده به کمال برسند؟ به این خاطر است که من می‌توانم در تمام این‌ها مسئول باشم. همچنین، در انجام این امر، ابتدا مسئول بودن در قبال مردم، جامعه بشری، موجودات قلمروهای مختلف، و جهان را مورد توجه قرار دادم؛ فقط با داشتن این نقطه شروع توانستم آن را به خوبی انجام دهم. این فا دربرگیرنده معنای درونی سطوح مختلف است، و آن‌هایی که تزکیه می‌کنند از سطوح نسبتاً بالایی آمده‌اند. پس هم‌اکنون برخی مریدان به سطوح بسیار بالایی تزکیه کرده‌اند، و این فا را به‌عنوان راهنما به کار گرفته‌اند.

پس این فا چقدر سطح بالا است؟ در گذشته، آن‌هایی که فا را در میان مردم عادی اشاعه می‌دادند، مجاز نبودند در مورد قوانینی سخن بگویند که از سطح بودا فراتر می‌رفت. هدف این بود که مانع آگاهی مردم از این شوند که آیا بوداهایی وجود داشتند یا نه و آیا خدایانی در سطوح بالاتر وجود داشتند یا نه. دلیلی برای آن وجود دارد: مردم همیشه از درک بشری برای تصور خدایان و بوداها استفاده می‌کنند، و این بی‌احترامی به آنان است. پس اگر بوداهای بالاتر می‌خواستند مردم آنها را بشناسند، آن‌طور ذکر نام بودا به‌طور سرسری، تهمت زدن به بوداها می‌بود؛ بعلاوه، مردم مدرن ندانسته نسبت به بوداها کفرگویی می‌کنند. در گذشته مردم باستان واقعاً به خدایان و بوداها احترام می‌گذاشتند، اما درخصوص مردم امروزه، حتی اگر اعتقاد داشته باشند، پرهیزکار نیستند. مردم زیادی هستند که احساس می‌کنند کاملاً به بوداها احترام می‌گذارند. نام بودا درست روی لب‌هایشان است، و آن را مستقیماً می‌خوانند؛ درواقع، آن به نوبه خود بی‌احترامی و تهمت به بودا است. در گذشته وقتی مردم کلمه «بودا» را می‌گفتند، مردم حسی از ارزش و احترام احساس می‌کردند که از درونشان فوران می‌کرد، و احساس می‌کردند که خیلی مقدس است. مردم امروزه [آن احساس] را ندارند. در کتاب‌های آشپزی حتی غذایی به نام «بودا از روی دیوار می‌پرد» وجود دارد. این بسیار غیرمسئولانه است.

همه درباره آن فکر کنید: بوداها برخلاف انسان‌ها به‌طور غیرقابل قیاسی مقدس هستند. منطق افکار مردم عادی، ساختار افکار مردم عادی، و شکل‌های بیان آن‌ها در قلمروی بوداها وجود ندارند، پس وقتی بوداها را با یک ذهنیت بشری در نظر می‌گیرید، هر آنچه انجام می‌دهید غیرمحترمانه خواهد بود. اما چون بوداها با مردم نیک‌خواه هستند و می‌دانند انسان‌ها در توهم هستند که اصول معکوس دارند، اشتباهات بشری را مورد توجه قرار نمی‌دهند؛ به‌علاوه، برای نجات مردم، آنها به انسان‌ها اجازه می‌دهند که در مورد وجود بوداها بدانند. پس اگر بوداها و خدایان حتی سطوح بالاتر می‌خواستند بگذارند مردم در مورد آن‌ها بدانند، آنگاه انسان‌ها به‌سادگی در رابطه با آن‌ها کارما تولید می‌کردند و به سادگی به آن‌ها بی‌اعتنا می‌شدند؛ دقیقاً به همین علت آن‌ها به انسان‌ها اجازه نمی‌دهند در مورد خودشان یا در مورد بوداهای حتی سطوح بالاتر بدانند. یک بودا تاناگاتا انسان‌ها را به‌عنوان مردم عادی و به صورت رقت‌انگیزی کوچک می‌بیند، دقیقاً همچون ذراتی بسیار کوچک. پس وقتی یک خدای بسیار بسیار سطح بالا به یک بودا تاناگاتا می‌نگرد، آن بودا نیز درست مثل یک شخص عادی است، زیرا او [خدا] بسیار والا مقام است. آنگاه در نظر آنها انسان‌ها چطور هستند؟ آن‌ها هیچ نیستند. همه درباره‌اش فکر کنید، بشریت همیشه احساس کرده‌است که انسان‌ها در جامعه بشری عادی بسیار خوب زندگی می‌کنند، و این که انسان‌ها شگفت‌انگیزترین موجودات در جهان هستند. به‌عنوان یک جنبه از حقیقت، این محیط جامعه بشری عادی پایین‌ترین سطح در جهان است. می‌تواند گفته شود در میان موجودات جهان، آن کثیف‌ترین مکان است. در چشم خدایان بسیار بالا، این مکان بشری محل انباشت زباله جهان است؛ محل

زباله برای پس‌ماندهٔ موجودات سطح بالا. پس اگر صدایی در میان پس‌مانده‌های کثیف، در حال خواندن نام یک بودا می‌بود، آن به نوبه خود بی‌احترامی می‌بود، پس خدایان بالاتر به انسان‌ها اجازه نمی‌دهند در مورد آن‌ها بدانند.

شاید همه به کلماتی که هم‌اکنون گفتم توجه نکرده باشند. می‌گویم فایه‌ای که در حال اشاعه آن هستم چیزی نیست که انسان‌ها قادر باشند به‌سادگی آمده و گوش دهند، و با آن مانند دانش برخورد کنند. اگر بتوانید ببینید، شاید یک رابطه تقدیری دارید. اگر آن را باور نمی‌کنید، پس هر کسی باید کلمات مرا در خاطر داشته باشد. البته، صرف‌نظر از میزان رابطه تقدیری‌تان، اگر آن را به دست آورده‌اید، فکر می‌کنم باید آن را گرامی بدارید. البته، هر کسی که این‌جا نشسته است آن را گرامی خواهد داشت. افرادی از مکان‌های بسیار دور، حتی از خارج از کشور هستند، که به این‌جا آمده‌اند؛ افرادی از هنگ‌کنگ و حتی از اروپا هستند که به این‌جا آمده‌اند. هدف آن‌ها تزکیه است؛ اولاً، آرزوی دیدار استاد را دارند، و دوماً، می‌خواهند ببینند و به فا گوش فرا دهند. دقیقاً بخاطر این‌که می‌خواهید به‌سوی خوب بودن حرکت کنید و می‌خواهید تزکیه کنید. بسیاری از افراد چیزهایی که استاد می‌گوید را به‌عنوان حقایق در نظر می‌گیرند. درواقع حقایق بشری نمی‌توانند برای قضاوت دافا به کار گرفته شوند، چون آن اساس جهان است. بنابراین فکر می‌کنم برای هرکسی که این‌جا نشسته است، همه شما باید این رابطه تقدیری را گرامی بدارید. اگر این فا را به دست آورده‌اید، پس تزکیه را ادامه دهید. این فرصت را از دست ندهید.

روشی که این فا اشاعه می‌یابد متفاوت از هر [روش] نجات مردم در تاریخ است. چرا؟ هر کسی تفاوت را دیده است، زیرا وقتی هر نوع فای بودایی در حال اشاعه باشد آن‌ها به مردم می‌گویند که برای تزکیه به یک صومعه بروند. اما اینجا من به آن نیازی ندارم. چرا نیازی به آن نیست؟ زیرا بودیسم داخل محدوده بودیسم آموزش می‌دهد؛ «قانون» «راه» را داخل محدوده داتوئیسم آموزش می‌دهد؛ و همچنین مذاهب غربی، آن‌ها نیز نمی‌توانند خارج از تعالیم‌شان قدم بگذارند. این بار من از ویژگی‌های مذهب بطور کامل قدم فراتر گذاشته‌ام و در حال توضیح قانون بزرگ بنیادین جهان هستم.

در گذشته، افرادی بودند که گفتند اگر شخص بخواهد تزکیه کند باید تمام علایق مادی بشری را کنار بگذارد یا وارد کوه‌های عمیق و جنگل‌های دست‌نخورده شود یا برای آن‌که کاملاً ارتباط خود را با جهان و مادیات قطع کند وارد معبدی شود. فقط در آن صورت می‌تواند به تزکیه در سکون دست پیدا کند. هدف این بود که افراد را مجبور کنند خودشان را از وابستگی‌های علایق مادی بیرون بکشند. من شما را به آن نوع مسیر هدایت نمی‌کنم. چرا؟ موقعیتی را دیدم؛ اگر کسی بخواهد مردم در اولین فرصت ممکن به کمال دست یابند و تعداد بسیار زیادی از انسان‌های دنیوی قادر به تزکیه شوند، فقط تزکیه در جامعه عادی امکان‌پذیر است. و درواقع، فقط در یک محیط پیچیده، شخص می‌تواند واقعاً خودش را تزکیه کند، و زمان برای تزکیه‌هایی است که از این محیط پیچیده اجتناب می‌کنند. مسئله حیاتی دیگر این است که در بسیاری از روش‌های تزکیه شخص خودش را تزکیه نمی‌کند؛ آن‌ها روح کمکی را تزکیه می‌کنند. در گذشته این یک راز بزرگ بود؛ شاید به‌هنگام خواندن کتاب، همه این را دیده‌اند. امروز دقیقاً از خود شما می‌خواهم که خود را تزکیه کنید؛ من می‌خواهم این قانون بزرگ را دقیقاً به خود واقعی شما بدهم. بنابراین، انتخاب کردم که همگی شما در میان محیط پیچیده مردم عادی تزکیه کنید. تزکیه به این روش فوایدی برای نوع بشر دارد. در حال تمرین تزکیه، شخص از تأثیرگذاری بر جامعه عادی پرهیز می‌کند و همچنین فوایدی برای جامعه بشری می‌آورد. یک تزکیه‌کننده عضوی از جامعه است، با یک شغل و زندگی طبیعی، و می‌تواند فا را مطالعه و تمام مسیر را تا کمال تزکیه کند.

من این مسیر تزکیه را برای همگی شما انتخاب کردم، پس کاملاً متفاوت از تزکیه در دیگر روش‌ها است. از آنجاکه همگی شما کاملاً قدم از مرزهای مذهب بیرون گذاشته‌اید، اغلب می‌گویم ما یک مذهب نیستیم؛ من واقعاً این فا را به مردم اشاعه می‌دهم و خواهان کسب فا توسط مردم هستم. آن‌هایی که بتوانند تا پایان تزکیه کنند می‌توانند به کمال برسند. اگر برخی مردم در این زندگی قادر به تزکیه نباشند، پس وقتی اصول سطحی این فا را می‌فهمند، مردم خوبی خواهند بود، که به جامعه سود خواهند رساند و می‌تواند قلب مردم را به سمت خوبی حرکت دهد.

این روزها، مشکلات اجتماعی یکی پس از دیگری نمایان می‌شوند. می‌دانید، بدون توجه به اینکه چه تعداد قوانین تنظیم شده‌اند، هنوز مردمی خواهند بود که جراثمی را مرتکب می‌شوند. به محض اینکه مشکلی پدیدار می‌شود قوانین جدیدی تنظیم می‌شوند، و آنگاه جراثم بیشتری رخ می‌دهند و قوانین بیشتری تنظیم می‌شوند. بشریت محدودیت‌های زیادی برای خودش وضع کرده است. بعلاوه، بشریت اکنون جز تحمل آنچه به سر خودش آورده است انتخاب [دیگری] ندارد. [بشریت] هر چه سخت‌تر خودش را مهر و موم کند، در این جنبه از مسائل بیشتر به افراط می‌رود، و همزمان مردم را بیشتر در تشخیص حقیقت جهان ناتوان می‌کند. در واقع آنچه جامعه را بی‌ثبات می‌کند با اینکه چه تعداد تبصره و قانون وجود دارد تعیین نمی‌شود؛ تمام عوامل بی‌سامانی، از یک ملت تا یک شخص، می‌تواند در یک کلمه جمع شود: تقوا. این طور است که سرشت ذهن مردم دیگر خوب نیست. مردم امروز هنجارهای انسان بودن را گم کرده‌اند. این دلیل آن است که چرا جامعه بسیار پرهرج‌ومرج است. اگر تمام مردم در قلمروی فکری بسیار بالایی باشند و همه شین‌شینگ بسیار بالایی داشته باشند، درباره آن فکر کنید، این چه نوع جامعه‌ای خواهد بود؟ تمام جامعه بشری در چه وضعیتی خواهد بود؟ اگر تمام مردم بدانند که انجام کارهای اشتباه، بد است، که برای هر دوی انجام‌دهنده و سایرین، بد است، و کارهای اشتباه انجام ندهند، پس فکر می‌کنم حتی به پلیس نیازی نخواهد بود، درست است؟ همه آگاهانه از هنجارهای اخلاقی بشری حفاظت می‌کردند.

البته این مسائل بشریت، کارهای اصلی‌ای نیستند که من انجام می‌دهم. اشاعه این فاطوسا من برای این است که هر کسی را قادر سازم فاطوسا را بدست آورد و تزکیه کند و به کمال برسد. اما تمرین تزکیه در جامعه عادی به‌طور اجتناب‌ناپذیری چنین تأثیری دارد؛ این فایده‌ای جانبی است که این فاطوسا هنگام اشاعه در جامعه برای بشریت می‌آورد. [این فاطوسا] می‌تواند تزکیه‌کننده را قادر سازد که به‌طور حقیقی فاطوسا را بدست آورد. اگر در یک محیط پیچیده و میان سودهای عملی، بتوانید بالا و فراتر بروید، پس قابل توجه هستید، و باید به کمال برسید. پس، آیا شرطی هست که همراه این باشد؟ آیا این طور است که بعد از آنکه مردم در این فاطوسا شروع به تزکیه کنند تمام چیزهای مادی [شان] باید رها شود؟ آن طور نیست، زیرا هنگام اشاعه این فاطوسا، این را در نظر گرفتیم که این فاطوسا به‌طور بسیار گسترده اشاعه خواهد یافت، چراکه روش امروزی اشاعه فاطوسا در طول تاریخ در حال پایه‌گذاری بود. ظهور چی‌گونگ در حال هموار کردن مسیر برای من بود که امروز فاطوسا را اشاعه دهیم. در سرزمین اصلی چین برخی مردم ظهور چی‌گونگ را یک «حرکت خلق شده الهی» می‌خوانند. اگر در آغاز چنین محیطی وجود نداشت، امروز برای من آنقدر آسان نمی‌بود که فاطوسا را اشاعه دهیم. در واقع چی‌گونگ در حال هموارسازی مسیر برای من به منظور اشاعه فاطوسا بود. البته، در حال حاضر برخی استادان چی‌گونگ جعلی وجود دارند که برای ایجاد آشفستگی آمده‌اند. اگر به‌طور طبیعی ظاهر شده بودند، پس طبیعی می‌بود، چرا که بشریت آن گونه است. وقتی قانون راستین اشاعه می‌یابد مطمئناً آن عناصر غیرراستین را هدف می‌گیرد. جایی که راستی باشد، شیطان نیز وجود دارد، و آن برای این است که دیده شود مردم کدام مسیر را انتخاب می‌کنند. با مداخله عناصر بد در تزکیه، مردم می‌توانند در تزکیه صعود کنند. اگر هیچ چیز بدی در مداخله با شما وجود نمی‌داشت، فکر می‌کنم قادر نمی‌بودید تزکیه کنید. تزکیه شخصی این طور خواهد بود و بسیاری از عناصر را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

برخی مردم صرفاً احساس می‌کنند که باید به راحتی زندگی کنند. اگر مردم عادی این طور فکر کنند، در اشتباه نیستند. مردم فقط می‌خواهند بهتر، لذت‌بخش‌تر، و با رنج کمتر زندگی کنند. اما برای یک تزکیه‌کننده، کمی زجر کشیدن بد نیست، چون اصول جهان در مکان انسان‌ها سر و ته شده است؛ اصول این بُعد بشری برعکس شده‌اند. درباره آن فکر کنید، وقتی مردم در جامعه بشری همگی یک زندگی آسان می‌خواهند، با یکدیگر خواهند جنگید و این گونه مزایای مادی به دست می‌آورند، و موجودات دیگر با بدبختی مواجه خواهند شد. بنابراین، در زندگی، مردم در حال ایجاد کارما هستند و به سایر مردم و موجودات آسیب خواهند رساند. بنابراین، اگر فقط کارما ایجاد کنید و کارما را باز نپردازید، و رنج نبرده و کارما را از بین نبرید، آنگاه درباره‌اش فکر کنید: این کارما بیشتر و بیشتر جمع خواهد شد و بزرگتر و بزرگتر رشد خواهد کرد. در آخر، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ وقتی این شخص هم از درون و هم از بیرون کاملاً با ماده سیاه پر شده باشد، این موجود نابود خواهد شد - نابودی واقعی موجود بشری. یعنی، تا ابد از هستی بازمی‌ایستد. برعکس، اگر مردم وادار شوند مقداری زجر کشیده و با مقداری سختی روبرو شوند که به موجب آن قدری کارما را از طریق درد از بین ببرند، بسیار شادمان زندگی خواهند کرد. این اصل صحیح جهان و قانون چرخه

زندگی است. در گذشته، مردم سالمند می‌گفتند در دوران کودکی مردم بیماری‌هایی خواهند داشت، و در دوران جوانی با برخی سختی‌ها مواجه خواهند شد، و بعداً اندکی بهتر زندگی خواهند کرد. معمولاً به آن شکل است. این قانون از بین بردن کارمای انسان‌ها است، زیرا اگر شما کارما را از بین نبرید شادی نخواهید داشت. اگر کارمای بسیار زیادی داشته باشید، شادی‌تان از کجا خواهد آمد؟ و کارما خودش دلیل اساسی آن چیزی است که می‌تواند سبب شود اندوهگین و ناخشنود شوید، بیشتر رنج بکشید، یا موجب شود چیزهایی را از دست بدهید. این به انسان‌ها اشاره می‌کند.

و به‌عنوان یک تزکیه‌کننده، همه درباره آن فکر کنید، اگر کارمایتان را از بین نبرید، اگر کمی رنج نکشید، و اگر فقط بخواهید از راحتی لذت ببرید، پس چگونه می‌خواهید تزکیه کنید؟ شما اینجا می‌نشینید و فکر می‌کنید، «امروز می‌خواهم فراتر از سه‌قلمرو بروم. فردا می‌خواهم تا یک بودا تزکیه کنم.» اما اینها چیزهایی نیستند که انسان‌ها فقط با خواستن‌شان بتوانند به دست بیاورند. شما باید در دل تزکیه واقعی و در جامعه عملی از میان محنت‌ها و مشکلات بگذرید، از آن وابستگی‌های خود در میان مردم عادی خلاص شوید، و وابستگی‌هایی که انسان‌ها نمی‌توانند رها کنند را رها کنید. البته، برخی مردم تحصیل کرده یا مردم مسن کمی بهتر می‌توانند عمل کنند؛ آنها قادرند آرام بمانند و بر خلاف دیگران، هنگام بروز تضادها یا هنگام رویارویی با مشکلات، از بحث یا دعوا با مردم خودداری کنند. آنها از روی تجربه توانسته‌اند ارزش این دیدگاه را ببینند، اما [در این نگرش آنان،] ترس بشری و درماندگی نیز دخیل است. تزکیه‌کنندگان باید سریعاً این مسئله را بوضوح ببینند.

هنگام مواجهه با تضادها، تزکیه‌کنندگان باید آنها را تحمل کنند. بعلاوه، شما خودتان باید قادر به تحمل باشید، و فقط در آن صورت می‌توانید واقعاً صعود کنید. وقتی شخص دیگری از شما سوءاستفاده می‌کند او به شما تقوا می‌دهد. همزمان آن شخص در حال سوءاستفاده از شماست، شما واقعاً در حال تحمل سختی هستید، و کارمایتان از بین خواهد رفت، که در مقابل تقوا تولید خواهد کرد. شما یک تزکیه‌کننده هستید، و تقوای‌تان به‌گونگی تبدیل خواهد شد، پس آیا گونگی‌تان رشد نکرده است؟ همزمان که تحمل می‌کنید، می‌توانید به درستی چیزها را درک کنید و عصبانی و متنفر هم نباشید. پس آیا همچنان در حال بهبود شین‌شینگ خود نیستید؟ این اصل باید به شیوه‌ای عکس [آنچه مردم عادی دارند] دیده شود.

اغلب می‌گویم وقتی شخص دیگری از شما سوءاستفاده می‌کند یا برای‌تان سبب دردسر می‌شود، یا وقتی رنج می‌برید، نباید نسبت به آن شخص کینه به دل بگیرید، زیرا در حال تمرین تزکیه هستید. اگر او برای‌تان سبب دردسر نمی‌شد و فرصت‌هایی برای رشد خلق نمی‌کرد، چگونه به بالا تزکیه می‌کردید؟ پس نه تنها نمی‌توانید از او متنفر باشید، بلکه باید در قلب‌تان از او سپاسگزار باشید. آن‌گاه برخی افراد فکر می‌کنند: آیا آن بسیار بزدلانه نیست؟ آن‌طور نیست. اگر آن شرایط را نداشتید واقعاً نمی‌توانستید کارما را از بین ببرید، زیرا آن‌چه طلب می‌کنید آسایش نیست، و تزکیه‌تان نمی‌تواند از محیط تزکیه در جامعه عادی جدا باشد.

هم‌اکنون گفتم که از ابتدا می‌دانستم زمانی که این فا را اشاعه دهم جامعه را تکان خواهد داد و افراد زیادی برای مطالعه آن خواهند آمد. هم‌اکنون در چین، در میان آن‌هایی که با این فا تزکیه می‌کنند، بیش از ده میلیون نفر هر روز در حال تمرین آن هستند، و اگر آن‌هایی که درباره این فا می‌دانند و گاه و بی‌گاه تزکیه می‌کنند به حساب آورده شوند به بیش از صد میلیون نفر خواهد رسید. همچنین می‌دانم در آینده نزدیک واکنش‌های بسیار بزرگی در سطح جهان ایجاد خواهد کرد. در حال حاضر این فا هنوز توسط محافل علمی و فناوری درک نشده است، [اما] در آینده به خاطر آن، علم جامعه بشری دست‌خوش تحولات بزرگی خواهد شد؛ واقعاً بسیاری از اسرار آسمانی را برای بشریت هویدا کرده‌ام. بشریت کاملاً مهر و موم شده و خرد بشری نیز محدود است. بدون توجه به اینکه در جامعه عادی چه مقدار دانش دارید یا موقعیت‌تان در [جامعه] چقدر بالا است، هنوز یک شخص عادی هستید. بعلاوه، علم تجربی امروز، مردم را بیشتر در مسیر مهر و موم بشریت سوق داده، و مانع از آن شده که حقیقت جهان را واقعاً تشخیص دهد.

هم‌اکنون عمدتاً گفتم که وقتی مردم در حال تزکیه هستند، تحمل برخی سختی‌ها و رنج بردن از برخی دردها چیزهای خوبی هستند. برخی افراد می‌گویند: «من در فالون‌دافا تزکیه می‌کنم. باید در راحتی تزکیه کنم، باید قادر باشم گونگم را بدون

گذر از محنت‌ها و مصیبت‌ها رشد دهم، و نباید آن مقدار زحمت برای من وجود داشته باشد.» اگر تزکیه‌کنندگان کارما را بازنپردازند و قلمروی خود را ارتقاء ندهند، گونگ آنها هرگز رشد نخواهد کرد. برخی افراد می‌گویند: «همسر با ندادن شرایط یا زمان [برای تمرین] به من، اجازه نمی‌دهد تمرین‌ها را انجام دهم، و حتی تهدید به طلاق می‌کند.» درواقع ضرورتاً این‌گونه نیست. شاید برای آن است که دیده شود چقدر برای تزکیه خود اهمیت قائل می‌شوید. اما تجلی‌ها بسیار شدید هستند. تزکیه جدی است. یک آزمایش یا سختی همچون یک شوخی به نظر نخواهد آمد. وقتی مصیبت‌ها برای تزکیه‌کنندگان پدیدار می‌شوند، قطعاً دلایلی [پشت آنها] وجود دارد. درواقع، وقتی کسی برای تان دردسر درست می‌کند، او در حال کمک به شما است که رشد کنید. همان‌طور که قلمروی فکرتان را رشد می‌دهید، همچنین با تحمل درد در حال از بین بردن کارمایتان هستید. پس آن همچنین ثابت‌قدم شما را در این آزمایش می‌کند. اگر در این فایده ثابت‌قدم نباشید، آن‌گاه هر چیزی واقعاً بی‌فایده است.

در سخنرانی‌هایم درباره فقط درباره موضوعاتی سخن می‌گویم که می‌بینم تزکیه‌کنندگان در مورد آنها سردرگم هستند، بنابراین آن ممکن است نظام‌مند نباشد. نباید چیزهایی که امروز می‌گویم را به‌عنوان راهنمایی نظام‌مند برای تزکیه آینده‌تان در نظر بگیرید. تنها چیزی که تزکیه نظام‌مندان را راهنمایی می‌کند جوآن فالون است، از این به بعد هر چیزی که می‌گویم یا درباره آن صحبت می‌کنم حول جوآن فالون می‌چرخد، و تنها کتاب جوآن فالون تزکیه‌تان را هدایت می‌کند؛ آن نظام‌مندترین است. بسیاری از افرادی که این‌جا نشسته‌اند سطوح تحصیلی نسبتاً بالایی دارند. صرف‌نظر از این‌که از تایوان، سرزمین اصلی چین آمده‌اید، یا یک شخص چینی از کشور دیگری هستید، باستثناء چینی‌های سالمند خارج از کشور، هر کسی دارای تحصیلات نسبتاً بالایی است؛ می‌تواند گفته شود شما در میان چینی‌ها از نخبگان هستید. اغلب می‌گویم همان‌طور که این‌ها عرضه می‌شود، تفاوت میان آن و سایر تمرین‌های چی‌گونگ بسیار زیاد است. افرادی که سایر تمرین‌های چی‌گونگ را انجام می‌دهند اغلب افراد مسنی هستند که بازنشسته شده و کاری برای انجام دادن ندارند. اکثریت قریب به اتفاق آنان می‌خواهند بدن‌شان را تمرین دهند و همگی چیزهای چی را تمرین می‌کنند. اما آن‌هایی که فالون‌دافا را تمرین می‌کنند [آن‌طور] نیستند. مردم مسن قسمتی را تشکیل می‌دهند اما نسبت مردم جوان و میان‌سال تقریباً بالا است، و تحصیلات زیادی داشته‌اند.

وقتی من درباره فایده سخنرانی می‌کنم و تمرین را آموزش می‌دهم، آن را متفاوت از دیگر استادان چی‌گونگ انجام می‌دهم. یک استاد چی‌گونگ معمولی به‌طور خلاصه حول مجموعه‌ای از اصول سخنرانی می‌کند، سپس به مردم می‌آموزد چگونه حرکات را تمرین کنند و چگونه برخی پیام‌ها را بیرون بفرستند. من هرگز کارها را به آن شیوه انجام نمی‌دهم. چون می‌خواهم به‌طور حقیقی فایده را عرضه کنم و شما را بالاتر بیاورم، ابتدا باید در مورد فایده سخنرانی کنم. در هر جلسه برای یک ساعت در مورد فایده سخنرانی می‌کنم، سپس روش [رسیدن] به کمال - حرکات تمرین‌ها - را به شما آموزش می‌دهم. پس متفاوت از روش‌های چی‌گونگ دیگر است. و معانی درونی اصول فایده‌گسترده هستند. آن‌هایی که به خوبی مطالعه می‌کنند و دارای دانش بیشتر هستند قادر به درک بهتر آن خواهند بود و حتی بیشتر احساس می‌کنند که آن خوب است. افرادی با دانش بیشتر که برای یادگیری می‌آیند در درک عقلانی فایده راحت‌تر خواهند بود. البته، افرادی با سطح تحصیلات نسبتاً پایین‌تر نیز در نتیجه روابط تقدیری می‌آیند و سطح درک خاصی از خدایان و بوداها دارند. خصوصاً وقتی بتوانند چیزها را خیلی واضح از حقایق فایده بفهمند، رشد آنها به‌شدت سریع خواهد بود.

ازآنجا که در میان آن‌هایی که نشسته‌اند هنوز افرادی وجود دارند که فالون گونگ را کاملاً درک نمی‌کنند، به‌طور خلاصه و به‌طور کلی درمورد وضعیت فالون گونگ سخن خواهیم گفت. چون به اینجا آمده‌ام، می‌خواهم بیشتر به شما بگویم. این فایده که عرضه می‌کنم از منظر تاریخی، باستانی است؛ اگر در مورد این موضوع سخن آغاز کنم، باید در امتداد زمان بسیار به عقب بروم. جامعه بشری امروزی جامعه‌ای است که نمونه‌های مختلف انسان‌های به‌جای مانده از تمدن‌های قبلی را تجربه کرده و دوباره بازسازی شده است. این چه معنایی دارد؟ بگذارید از صفحات قاره‌ای آمریکا استفاده کنیم، یعنی، به‌عنوان یک مثال، قاره آمریکا. آن دفعات زیادی به اعماق اقیانوس فرو رفته و بالا آمده است. تمدن‌های متعددی روی این قاره وجود داشته‌اند، و هر تمدن برای انسان‌ها این‌گونه به نظر رسیده که بسیار طولانی دوام داشته است. البته، برخی موارد کوتاه‌تر نیز وجود داشته است؛ دلیل [دوره کوتاه آن‌ها] این بود که اخلاقیات بشری بسیار به سرعت فاسد شد. از منظری فراتر از مردم عادی، مفهوم تاریخ نمی‌تواند

به همان شیوه‌ای که مردم عادی می‌بینند دیده شود. مردم عادی فقط از درون تمدن حال حاضر بشری به تاریخ بشر نگاه می‌کنند. تزکیه‌کنندگان و درک‌هایی که فراتر از مردم عادی هستند و رای این دوره تمدن بشری قدم می‌گذارند. بنابراین من به تاریخی بسیار طولانی نگاه می‌کنم.

تاریخ این فالون دافا کاملاً دور از دسترس است - کاملاً دور از دسترس. اگر بخواهید تمام مسیر به عقب بروید و تاریخ آن را مشخص کنید توضیح آن به طور واضح با استفاده از مفاهیم امروزی زمان، سخت خواهد بود. اما بگذارید به شما بگویم که حقایق فای فالون دافا بی‌نهایت گسترده و سطح‌شان به طور غیرقابل‌سنجشی بالا هستند. پس از اینکه شاگردان تزکیه‌کننده در این روش من به کمال برسند، می‌توانند به بهشت فالون و بسیاری بهشت‌ها و پادشاهی‌های آسمانی دیگر بروند. با صحبت درباره بهشت‌ها و پادشاهی‌های آسمانی، بگذارید به شما بگویم، بهشت‌های بیشماری برای خدایان در جهان وجود دارند. داخل محدوده متناظر با کهکشان راه شیری ما، پادشاهی‌های آسمانی بیشماری وجود دارند. بشریت درباره بوداها سطح خاصی از درک را دارد. به‌عنوان مثال، [آن‌ها می‌دانند که] بودا آمی‌تابا بهشت سعادت غایی را سرپرستی می‌کند و همچنین لاپیس لازولی، و بهشت لوتوس - بهشت‌هایی فوق‌العاده، بهشت‌های خدایان که خدایان آن‌ها را سرپرستی می‌کنند - وجود دارند. در مورد عیسی از مذهب غربی و نیز مریم مقدس و برخی مذاهب راستین دیگر، آن‌ها نیز پادشاهی‌های آسمانی خودشان را دارند. البته، برخی پادشاهی‌های آسمانی از آن محدوده کیهانی که بشریت می‌شناسد و محدوده این جهان کوچک فراتر می‌روند. پس وقتی درباره مسائل تزکیه شروع به صحبت می‌کنم، زمان یا مکان مورد بحث بی‌نهایت گسترده است.

بعد در یک عصر ماقبل تاریخ و بسیار دور، زمانه‌ای ماقبل این مجموعه از تمدن‌های بشری، یکبار فای را به‌طور گسترده‌ای در میان مردم جهان اشاعه داده و مردم را نجات دادم. در آن زمان به روشی که بودیسم امروزه عمل می‌کند مردم را نجات می‌دادم. این بار من در حال استفاده از فای بنیادین دافا برای انجام کارهای بزرگتر هستم، پس فایی که در حال آموزش هستم معانی درونی گسترده‌ای دارد. از آنجاکه کاری که می‌خواهم انجام دهم بسیار بزرگ است، بودایان، خدایان و دأئوهای بسیاری هستند که برای انجام این در حال کمک به من هستند. آن به این خاطر است که این فای فقط اصول یک روش در بودیسم را توضیح نمی‌دهد؛ اصول جهان را توضیح می‌دهد.

تمام جهان متشکل از عناصر چن، شن، رن است. در میان قلمروهای بسیار بالا، این چن، شن، رن است. در میان چن، شن، رن [شخص] می‌تواند به نیکی و خوبی، حیات ببخشد، به زیبایی حیات ببخشد، به نیک‌خواهی حیات ببخشد، و می‌تواند به هر دوی عناصر مثبت و منفی حیات ببخشد. پس در مورد رن، آن می‌تواند به توانایی و عدم‌توانایی تحمل، حیات ببخشد، پس همان‌طور که فای بیشتر به پایین می‌رود حقایق فای عظیم‌تر و پیچیده‌تر می‌شوند. بین و یانگ و ایچاد متقابل و بازداری متقابل همگی از چن، شن، رن می‌آیند. در هر سطح و قلمرو، همان‌طور که آن تمام مسیر تا این محل انسان‌ها پایین‌تر می‌رود، به طرز فوق‌العاده‌ای پیچیده می‌شود. بشریت خوب و اهریمنی، درست و اشتباه، و احساسات دارد. علاوه بر این، اصول بشری نیز برعکس [اصول جهان] است. در میان اصول بشری، [اصول] پادشاه بر کشور حکومت می‌کند به وجود می‌آیند، [اصول] سربازان جهان را فتح می‌کنند، و [اصول] قدرتمندان قهرمانان می‌شوند. پس از آن که بشریت به فرهنگی نیمه‌الهی دست یافت، حتی تجلی‌های فرهنگی پیچیده‌تری به وجود آمد، شامل چیزهایی که جامعه بشری آنان را تأیید می‌کند، نظیر بردباری، راستی، شایستگی، خرد، امانت‌داری، و سایر چنین چیزهایی. بخاطر فقدان حقایق فای راستین نوع بشر، مردم نمی‌دانند فای حقیقی جهان چیست و نمی‌توانند آنچه واقعاً خوب است را از آنچه بد است تمایز دهند، یا درست را از خطا تشخیص دهند. انسان‌ها میان هردوی سرشت بودایی و سرشت اهریمنی شکل گرفته‌اند. وقتی مردم در حالت‌های غیرپایدار هستند، افکار شیطانی دارند، یا تند و غیرمنطقی می‌شوند، توسط سرشت اهریمنی‌شان در حال هدایت هستند. وقتی مردم در یک حالت بسیار منطقی هستند و کارها را در یک حالت ذهنی مهربان و دوستانه انجام می‌دهند، در حال هدایت شدن توسط سرشت بودایی‌شان هستند.

فالون دافا شامل حقایق و تجلی‌هایی از زندگی مادی در تمام سطوح است. آن شامل هر چیزی است و هیچ چیزی را از قلم نمی‌اندازد؛ هر چیزی داخل این فای است. این دافا از مرزهای مدرسه بودا فراتر می‌رود. آن تمام حقایق بوداها، دأئوها، و خدایان را پوشش می‌دهد، و همچنین حقایقی که و رای آن حقایق می‌روند را شامل می‌شود. همه داخل آن هستند. جهان بخاطر آن وجود

دارد. آن هنجارهایی را برای همه چیز در جهان مهیا می‌کند، و موجودات زنده بی‌شماری در هر سطح خلق کرده است. همان‌طور که دافا به‌طور گسترده اشاعه می‌یابد، بسیاری از خدایان، بوداها، و داتوها در سطوح مختلف هنگامی که کارها را انجام می‌دهند مرا یاری می‌کنند. هم‌اکنون، در میان موجودات زنده بی‌شماری که فا را به دست می‌آورند، افرادی که داخل مذاهب هستند سخت‌ترین زمان را برای به‌دست آوردن آن دارند، زیرا آنان در قلب‌شان خدایان، بوداها، و داتوهای خود را دارند که به آن‌ها باور دارند. آن‌ها باور ندارند که خدایان دیگر، بوداهای دیگر، و خدایان بالاتر وجود دارند. بدین ترتیب این مردم به دافا گوش نمی‌دهند یا به آن نگاه نمی‌کنند. این عنصری است که مانع آنان از کسب فا می‌شود. منظور این نیست که آن‌ها بد هستند، بلکه، صرفاً این‌طور است که آنچه بدان اعتقاد دارند، خدایان راستین حقیقی گذشته هستند، و این کسب فا را برای آنان سخت می‌کند و یک مانع می‌شود. آن‌ها نمی‌دانند که وقتی مذاهب به مرحله‌ای می‌رسند که قادر به نجات مردم نیستند، خود خدایان در حال کسب این فا هستند.

شما می‌دانید، شاکيامونی گفت: «در دوره پایان دارما، فای من قادر به نجات مردم نخواهد بود.» به‌نظر می‌رسد هیچ‌کسی به این کلمات توجه نکرده است، اما درواقع حالا دقیقاً دوره پایان دارما است، و دقیقاً دارمایی وجود ندارد. مردم امروزی نمی‌توانند به‌طور حقیقی معنای واقعی فایی که خدایان و بوداها در گذشته در مذاهب آموزش داده‌اند را درک کنند، همچنین راهبان یا راهبه‌ها حالا معنای اصلی متون مقدس را درک نمی‌کنند. بعلاوه، بسیاری از کتاب‌هایی که توسط راهبان نوشته شده‌اند در طول تاریخ به‌عنوان متون مقدس خوانده شده‌اند. [آن] قوانین اکنون در آشفتگی هستند، و مردم دنیا دیگر نمی‌دانند چگونه تزکیه کنند. من از مسیحیان پرسیده‌ام چرا عیسی آموزش داد وقتی کسی بر گونه‌چپ شما سیلی می‌زند باید به او پیشنهاد دهید به گونه راست‌تان نیز سیلی بزنند. آن‌ها نتوانستند این را به‌وضوح توضیح دهند. آن نشان می‌دهد که این‌روزها برای مردم سخت است که معنای درونی کلمات خدایان را بفهمند. مردم، خدایان و کلمات آنها و آنچه موجودات روشن‌بین بزرگ در گذشته گفته‌اند را با استفاده از مفاهیم و روش‌های تفکر مردم امروزی تفسیر می‌کنند. آنها واقعاً نمی‌توانند حالا فا را بفهمند. درواقع، معنای درونی آنچه عیسی گفت بسیار ساده است: وقتی شخص دیگری شما را می‌زند به شما تقوا می‌دهد؛ وقتی رنج می‌کشید، کارمایتان از بین خواهد رفت. وقتی آرام‌گونه دیگران را به شخص دیگر پیشنهاد می‌دهید که بزند، به قلمروی ذهنی بسیار بالایی رسیده‌اید. اعتقاد مذهبی درواقع تزکیه است. اساساً، تزکیه بستگی به خود شخص و گونگ به استاد بستگی دارد. تا وقتی شما در سمت بشری خوب عمل کنید، عیسی، خدایان، یا بوداها به شما کمک خواهند کرد گونگ را رشد دهید. آنان با این شیوه به موجوداتی که نجات می‌دهند کمک می‌کنند. بخاطر محدودیت‌های فرهنگی، زبانی، خطی و دیگر محدودیت‌های زمانی، عیسی فقط اصول را در سطح آموزش داد و نه جوهرشان را.

امروز در اشاعه فا، اصول فای جهان را به‌طور گسترده‌ای آموزش داده‌ام. اما بطور کاملاً مشابه، هنوز در دوره پایان دارما برای مردم سخت است فا را کسب کنند. این بار، در اشاعه این فا، لحظه‌ای را برای عرضه آن انتخاب کردم که کسب فا برای موجودات زنده آسان‌ترین خواهد بود. زمانی را برای عرضه آن انتخاب کردم که در آن، تمام مذاهب به مراحل پایانی خود رسیده‌اند و زمانی که بشریت در بدترین حالتش بود. مردم این زمان در قلب‌شان هنجارهای بشری ندارند، و تعداد بسیار اندکی از مردم خالصانه به خدایان اعتقاد دارند. من این زمان را برای اشاعه فا انتخاب کردم. هم‌اکنون گفتم که در اشاعه فا، نسبت به مردم مسئول هستم، نسبت به جامعه مسئول هستم، و درواقع نسبت به خدایان نیز مسئول هستم. من با هیچ مذهبی مداخله نکرده‌ام زیرا مذاهب این زمان دیگر توسط خدایان‌شان به رسمیت شناخته نمی‌شوند. زیرا همان‌طور که جامعه به این مرحله رسیده است، قلب بشری کلاً بد شده است. اما می‌دانم مردم بسیاری وجود دارند که هنوز سرشت بودایی و ریشه‌های خوبی و نیکی دارند؛ فقط این‌طور است که همراه با جریان سیل‌آسای فساد بشری به پایین کشیده شده‌اند. پس مردم این زمان هنوز می‌توانند نجات داده شوند. بعلاوه، فا بسیار وسیع است و توانایی آن در نجات مردم بسیار زیاد است.

این فا بخاطر شور و هیجان چند روزه به مردم عرضه نشده است. همان‌طور که مردم را نجات می‌دهیم در حال پایه‌گذاری آینده هستیم. این فا، به دلیل وسعتش، معانی درونی وسیعی را شامل می‌شود، و چیزهایی که از طریق انجام تمرین‌ها در دوره تزکیه شخصی تولید می‌شوند فوق‌العاده غنی هستند. می‌دانید، توانایی‌های بسیار بسیار زیادی وجود دارند؛ در هر سطح بیش از

ده هزار از آنان وجود دارند. زیرا دافا محدود به مدرسه بودا نیست. آن تمام ظرفیت‌ها را گردآوری کرده، و قانون جهان است. پس با چیزی به این بزرگی، درباره‌اش فکر کنید، وقتی کسی تا انتها و تا نقطه کمال تزکیه کرده است، چه تعداد چیزهایی را در این روند تزکیه کرده است؟ وقتی شخصی می‌تواند در تزکیه‌اش به کمال دست یابد، سطحش بالا خواهد بود، توانایی‌اش عظیم خواهد بود، و قدرت فای او نیز کاملاً عظیم خواهد بود.

هم‌اکنون درباره اصطلاحی سخن گفتم: «ایجاد متقابل و بازداری متقابل.» ایجاد متقابل و بازداری متقابل چیست؟ این اصل را به شما توضیح خواهم داد. چرا خدایان، افراد بد در جامعه بشری، اهریمنان در آسمان‌ها، و اشباح در جهان اسفل را پاک نمی‌کنند؟ آن عملی نیست. چرا عملی نیست؟ بدون در نظر گرفتن این که یک موجود از چه قلمرویی نشأت گرفته است، اگر موجوداتی نداشته باشد که نقشی منفی [در هستی خود] ایفاء می‌کنند، اگر بدون تلاش کردن، موفقیت نصیب آن موجود شود، اگر از میان سختی‌ها نگذشته باشد، و اگر یک موجود سطح پایین برای بدست آوردن آنچه می‌خواهد، لازم نبود از میان تلاش‌های سخت و پرزحمت بگذرد، آن‌گاه چنین موجوداتی نمی‌دانستند باید آنچه را که به‌دست آورده‌اند گرامی بدارند، و احساسی که از دست‌اروهای سخت‌به‌دست‌آمده می‌آید را نمی‌داشتند؛ حتی کمتر اینطور است که می‌دانستند موفقیت و شکست چیست. لذت حاصل از رضایت را نخواهند داشت؛ نمی‌دانند رنج کشیدن چیست، و همچنین شادی را نخواهند شناخت. دقیقاً بخاطر آن که جهان موجودات مثبت و منفی در سطوح بالا، و خوبی و شیطانی در سطوح پایین‌تر، و اهریمنان و بوداها، خدایان و دیوها، و مردم خوب و مردم پلید در سطوح حتی پایین‌تر دارد، موجودات جهان نیروی حیات دارند، و فقط از طریق چالش‌ها است که موجودات می‌توانند زندگی‌های جالب‌توجهی را پیش ببرند.

هم‌اکنون در مورد بُعدها صحبت کردم، پس کمی در مورد بُعدهای درون جهان و شکل‌های مادی سطح موجودات صحبت می‌کنم. در یک قلمروی بسیار بسیار بالا در جهان، دیگر هیچ موجود محسوسی وجود ندارد، اما ماده‌ای که بدون شکل است و جهان را در [سطح] بی‌نهایت ریزکیهان پر می‌کند، آن نیز یک موجود باهوش و زنده است. همچنین برخی هستند که حتی از آن ریزکیهانی‌تر هستند. هر چه به سطح نزدیک‌تر باشد، دانه‌های ذرات در جهان، بزرگ‌تر هستند. علم بشر امروزی هم‌اکنون در مورد برخی ذرات، هم‌چون مولکول‌ها، اتم‌ها، نوترون‌ها، الکترون‌ها، کوارک‌ها، و نوترینوها می‌داند، اما آن به‌طرز وحشتناکی از پایان ذرات مادی - ماده اصلی - دور است. تمام ماده در این سطح بُعد بشری ترکیبی از ذرات مولکولی است. هوا، این میز من اینجا، رومیزی، آهن، خاک، سنگ‌ها، آب - هر نوع چیزی توسط مولکول‌ها، [یعنی] این سطح از ذرات، شکل گرفته است. همیشه در مورد این اصل صحبت می‌کنم: می‌گویم ذهن مردم توسط خدایان کنترل می‌شود، و مغز دانشمندان توسط خدایان مهار می‌شود. انسان‌ها نمی‌توانند در مورد اینکه چگونه این سطح بُعدی را پشت‌سر بگذارند فکر کنند. چه مولکول‌ها یا اتم‌ها باشند، آن‌ها فقط بر مطالعه شکل‌های مجزای ذرات، یک ذره تنها، یا شکل وجودی مقداری از ذرات تمرکز می‌کنند. آن‌ها راهی برای نگاه به تمام صفحه مولکولی و ذرات اتمی ندارند. البته، این نوع روش فناوری هم‌اکنون وجود ندارد. وقتی مردم به‌طور واقعی بتوانند این صفحه را ببینند، بُعدهای دیگر را کشف خواهند کرد. صرفاً به آن آسانی است. آن بُعدها کاملاً وسیع و فوق‌العاده هستند. شخص نمی‌تواند از ایده‌ها و روش‌های تفکر مردم عادی برای درک زمان‌مکان و مفاهیم اندازه استفاده کند؛ انسان‌ها باید برای درک آنان از این حالت فکری قدم بیرون بگذارند. بسیاری از بُعدهای متشکل از ذرات ریزکیهانی حتی وسیع‌تر از این بُعد ما هستند.

ذرات انرژی دارند. بنابراین از این جنبه، آن معادل این است که جهان قدیمی از انرژی ساخته شده بود. بشریت به این درک رسیده است که اتم‌ها رادیواکتیویته دارند، که هسته اتم رادیواکتیویته دارد، و نوترون‌ها رادیواکتیویته دارند. اما آیا می‌دانستید، [یا پایین رفتن تا] کوارک‌ها و نوترینوها، هرچه ماده ریزکیهانی‌تر باشد، انرژی آن بزرگ‌تر و رادیواکتیویته آن قوی‌تر است؟ در مورد انسان‌ها، آن‌ها هنوز تشخیص نداده‌اند که این ماده سطحی ساخته‌شده از مولکول‌ها نیز رادیواکتیویته دارند. فقط این‌طور است که بدن نیز از مولکول‌ها ساخته شده و هر چیزی در دنیای مادی مرکب از مولکول‌ها است، و مردم نمی‌توانند انرژی و رادیواکتیویته مولکول‌ها را احساس کنند. روش‌های تحقیق در دنیای بشری، ابزار آزمایش آزمایشگاهی، و وسایل آزمایش خودشان همگی اشیاء سطحی شکل‌گرفته توسط مولکول‌ها هستند. دستگاه‌هایی که نوع بشر برای اندازه‌گیری انرژی استفاده

می‌کند از مولکول‌ها تشکیل شده است. چگونه از طریق آزمایشات می‌توانید تشخیص دهید که مولکول‌ها انرژی دارند؟ بنابراین، انسان‌ها نمی‌توانند انرژی مولکول‌ها را از طریق آزمایش آشکار کنند. در جهان، مولکول‌ها به هیچ وجه آخرین سطح ذرات نیستند، و آنها نیز وقتی موجودات ذرات یک سطح بزرگتر از مولکول‌ها به آنها نگاه می‌کنند همان‌طور هستند که انسان‌ها به اتم‌ها نگاه می‌کنند. در تزکیه، برخی تزکیه‌کنندگان نه تنها گویک را به سوی بالا رشد می‌دهند، بلکه رو به پایین نیز رشد می‌دهند. اگر فرد از منظر آن سطح به انسان‌ها نگاه کند، به‌طور منحصر به فردی احساس عجیب و غریبی دارد. منظور این است، [ذرات داخل] سطح مولکول‌ها خارجی‌ترین و بزرگترین ذرات نیستند.

می‌دانیم اتم‌ها شامل هسته اتم و الکترون‌ها هستند. آیا شکل چرخش الکترون‌ها به دور هسته اتم مشابه شکل چرخش زمین و چندین سیاره در حال گردش دور خورشید نیست؟ هرچقدر هم کوچک باشد، و با اینکه ذره، ریزکپهانی است، اما صفحه سطح آن ممکن است حتی بزرگتر [از این سطح اینجا] باشد؛ بدین معنی که، حجم کلی بسیار بزرگ است. به‌عنوان مثال، وقتی به یک شخص نگاه می‌کنید، اگر کسی فقط به یک ذره مولکولی شخص نگاه کند، قادر به دیدن آن شخص نخواهد بود؛ فقط با نگاه کردن به سطح ظاهر، که متشکل است از تمام ذرات این سطح که شخص را می‌سازد، قادر به دیدن او هستیم. اگر می‌توانستید از یک میکروسکوپ دارای بزرگنمایی بالا و دارای زاویه بسیار باز برای بزرگنمایی کردن یک اتم به اندازه زمین استفاده کنید و سپس می‌دیدید چه تعداد موجودات زنده در آن بودند- البته انسان‌ها هم‌اکنون نمی‌توانند آن را انجام دهند- وقتی آن‌را می‌دیدید درمی‌یافتید که آن صحنه دیگری است، و برای موجودات آنجا آن زمین و آسمان پهناوری است.

هم‌اکنون گفتم که مولکول‌ها بزرگترین ذرات در لایه سطحی نیستند. آنگاه بزرگترین لایه ذرات چیست؟ انسان‌ها هرگز بزرگ‌ترین لایه ذرات را نخواهند شناخت. اما مردم می‌توانند با چشمان‌شان ذرات یک لایه بزرگتر از مولکول‌ها را ببینند، با این حال جرأت نمی‌کنند درباره آنها فکر کنند. این سیارات در فضا، این سیارات در جهان، آیا لایه‌ای از ذرات نیستند؟ چون مفاهیم شما به مرزهای دانش امروزی محدود است، و فقط می‌توانید ببینید که سیارات در سراسر بدن آسمانی پراکنده شده‌اند، اما در میان خودشان ارتباطات داخلی دارند. از منظر ماکروسکوپی، مانند اینکه اگر بدن بشری بسیار بزرگتر از یک سیاره شود، و وقتی حجم‌تان، بدن‌تان، تفکرتان، و ظرفیت‌تان بسیار فراتر از آن برود- مثل وقتی که شخص به یک مولکول نگاه می‌کند- وقتی نگاه می‌کردید، آیا این سیارات کاملاً مشابه ساختار ذرات ریزکپهانی نمی‌بودند؟ مردم آنقدرها خرد و قدرت تصور ندارند. گفته‌ام بوداها واقعاً بزرگترین دانشمندان هستند. دانش نوع بشر، بشریت را مهروموم کرده است. دانش تجربی بشری بسیاری از مفاهیم اشتباه طولانی‌مدت را به‌وجود آورده است، و [مردم] توسط این محدود شده‌اند. اگر ورای آن بروید، آنگاه می‌گویید شما علمی نیستید. مردم از این نوع به اصطلاح علم برای مهروموم کردن محکم‌تر و محکم‌تر خودشان استفاده می‌کنند، و کمتر و کمتر قادر به درک حقیقت جهان هستند. علم تجربی مدرن می‌گوید پیشرفت انسان از تکامل می‌آید. درواقع، آنچه تئوری تکامل مطرح می‌کند اصلاً وجود ندارد؛ انسان‌ها حتی یک ذره هم از طریق تکامل شکل نگرفته‌اند. در طول تاریخ، بشریت از میان چندین تمدن گذر کرد، و هر دوره تمدن، محتوای مختلفی داشته است. وقتی این موضوع را مطرح کردم می‌خواستم بیشتر بدانید، از آنجا که سطح تحصیلات‌تان نسبتاً بالا است و توانایی درک‌تان نسبتاً قوی است (تشویق)، پس در این مورد کمی بیشتر صحبت خواهم کرد.

جهان آن‌طور که توسط دانشمندان امروزی گفته می‌شود اصلاً از طریق انفجار بزرگ شکل نگرفت. انسان‌ها اصلاً از خانواده میمون تکامل نیافته‌اند. در گذشته وقتی داروین تئوری تکامل را عمومی کرد، نظریه‌اش پر از حلقه مفقوده بود. خودش وقتی آن را مطرح کرد مضطرب، عصبی، و نامطمئن بود. بزرگ‌ترین ضعف در تئوری این است که در طول دوره‌ای که میمون‌ها به انسان‌ها تکامل یافتند، [اطلاعاتی از] روند تاریخی بسیار طولانی‌ای وجود ندارد. حتی امروز هیچ آثاری از این دوره نمایان نشده است؛ تا امروز هیچ کسی هیچ چیزی نیافته است. اما مردم [تئوری] را پذیرفته و به‌عنوان یک حقیقت به آن باور دارند. علم تجربی امروزی یک توهم است. بشریت در مسیر اشتباه حرکت می‌کند، و مردم نه می‌توانند حقایق جهان را ببینند، نه جرأت تأیید وجود بدهای دیگر را دارند. اما پدیده‌های مختلفی از بدهای دیگر، که نمی‌توانند به‌وضوح توضیح داده شوند، می‌توانند در این بُعد بشری متجلی شوند. اما مردم جرأت پذیرش و تأیید آنها را ندارند، فکر می‌کنند که آن علمی نخواهد بود. اگر کسی از

روش‌های علمی مدرن استفاده کند تا به درکی از چیزهایی برسد که درک نکرده، آنگاه آیا آن علمی نخواهد بود؟ از آنجا که علم تعاریف زیادی برای علم تنظیم کرده است، وقتی مردم تلاش می‌کنند چیزها را درک کنند، جرأت فراتر رفتن از آنان را ندارند.

وقتی در مورد جهان سخنرانی می‌کردم، مفهوم جهان کوچک را مطرح کردم. فقط انسان‌ها نیستند که جرأت ندارند تصور کنند این جهان کوچک چقدر بزرگ است - البته، تفکر بشری همیشه تلاش می‌کند در اینکه جهان چقدر بزرگ است کاوش کند - علم مدرن هنوز این مفهوم جهان کوچک که در موردش صحبت می‌کنم را ندارد. علم اعتقاد دارد که این جهان، جهانی است که چشم‌ها می‌توانند ببینند. اما این جهانی که در موردش صحبت می‌کنم چه اندازه بزرگ است؟ آن نمی‌تواند با استفاده از اعداد یا زبان بشری توصیف شود، اما فرد می‌تواند ساختار کلی آن را توصیف کند - می‌دانید، چه تعداد کهکشان مشابه راه شیری در یک جهان کوچک وجود دارد؟ در میان آنانی که اینجا نشستند ممکن است برخی افراد وجود داشته باشند که این نوع تخصص را از کتاب‌ها آموخته‌اند، اما آنچه من می‌گویم متفاوت است. و بیشتر از $2/7$ میلیارد کهکشان مشابه راه شیری در این جهان کوچک کنونی وجود دارد، کمتر از ۳ میلیارد. آن از روشی به دست آمده است که از چشم انسان‌ها برای دیدن اشیاء استفاده می‌کند و نوع ساختار بدن آسمانی که انسان می‌تواند درک کند را توصیف می‌کند. در جهان آینده این تعداد تغییر خواهد کرد. شاکامونی یک بار چیزی گفت، یعنی، اینکه تعداد بودا تاتاگاتاها به فراوانی دانه‌های شن و ماسه در رودخانه گنگ است. شاکامونی یک بودا تاتاگاتا بود؛ او گفت بودا تاتاگاتاها از نظر فراوانی همچون دانه‌های شن و ماسه در رودخانه گنگ هستند. آن با استفاده از چشمان بودا برای دیدن اشیاء گفته شده بود. در حقیقت، اگر بدون موانع به بدن‌های آسمانی در جهان کوچک نگاه کنید، آن‌ها به فراوانی دانه‌های شن و ماسه و به تراکم مولکول‌ها خواهند بود. مرز این جهان کوچک یک پوسته بیرونی دارد، پس آیا این جهان کوچک بزرگترین مرز این جهان است؟ البته که نه. اگر از منظر یک بُعد پهناور بزرگتر به این جهان کوچک نگاه کنید، چیزی بیش از ذره‌ای از یک بُعد عظیم نیست.

پس چه چیزی آنجا خارج از جهان وجود دارد؟ پس از رفتن از میان یک سفر زمان مکان بسیار طولانی و نگاه از یک مکان دور، شخص یک نقطه از نور خواهد دید. هرچه نزدیکتر می‌شود، شخص در خواهد یافت که این نور بزرگتر و بزرگتر و بزرگتر می‌شود. در این نقطه او کشف خواهد کرد که آن نیز یک جهان است، به اندازه تقریبی این جهان ما. آنگاه چه تعداد از چنین جهان‌هایی وجود دارد؟ هنوز با استفاده از روشی که انسان‌ها به اشیاء نگاه می‌کنند تقریباً سه هزار از چنین جهان‌هایی وجود دارد که دیده شده است. این‌ها همگی ارقام مفهومی مبتنی بر درک بشری و درک آنان نسبت به نوعی از عنصر مادی است. ساختار جهان بسیار پیچیده است. خارج از آن، لایه دیگری از پوسته بیرونی است؛ این یک جهان لایه دوم را شکل می‌دهد. آنگاه در یک محدوده حتی بزرگتری که ورای این جهان لایه دوم می‌رود، سه هزار جهان دیگر به همان اندازه وجود دارند که جهان لایه سوم را شکل می‌دهند. این صرفاً لایه بُعدها نیست. [با در نظر گرفتن] نه سطح از آسمان که مذاهب در جامعه عادی درباره آن صحبت می‌کنند، اگر از صفحه این لایه از ذرات برای دیدن آن‌ها استفاده کنم، این نه سطح از آسمان محدوده نه سیاره منظومه شمسی [است که] متناظر با یک بُعد در سه قلمرو [و] متشکل از یک لایه از ذرات هستند. منظومه شمسی ما در نوک جنوبی کوه سومرو است. اغلب می‌گویم که زندگی و جهان تا ابد برای نوع بشر معما می‌ماند. انسان‌ها هرگز حقیقت جهان را نخواهند دانست، و برای آنان امکان‌پذیر نخواهد بود که به‌طور واضح مکان اصلی‌ترین عوامل تشکیل حیات‌ها را شناسایی کنند، زیرا انسان‌ها هرگز قادر نخواهند شد علم و فناوری خود را به چنان حالتی ریزکیهانی پیشرفت دهند. برخی مردم فکر می‌کنند: اگر این‌طور ادامه پیدا کند آیا علم و فناوری بشری بیشتر و بیشتر پیشرفته نمی‌شوند؟ در واقع این‌طور نیست. حتی با اینکه علم و فناوری بشری مستقیماً توسط موجودات زنده فرازمینی کنترل و دستکاری شده بود، اما در عین حال، خود علم و فناوری بشری و این موجودات فرازمینی نیز توسط خدایان نظم و ترتیب داده شده‌اند. علم و فناوری صرفاً مطابق نظم و ترتیب‌های خدایان حرکت می‌کنند. جامعه بشری فقط مطابق تغییرات در پدیده‌های آسمانی عمل می‌کند. تاریخ گذشته پیوسته خودش را تکرار می‌کند، و تاریخ امروز یک تکرار و مرور تاریخ پیشین است.

این چیزهایی که هم‌اکنون گفتم برای این بود که ذهن‌تان اندکی توسعه یابد؛ این برای تزکیه‌تان سودمند خواهد بود. جهان آن‌طور که بشریت آن را درک می‌کند نیست. پس آنگاه در هر صورت این جهان دقیقاً چقدر بزرگ است؟ من مفهوم جهان را به

شما گفته‌ام. حتی اگر صدها میلیون سطح بیشتر به آن اضافه شده باشد، آن تنها ذره‌ای غبار در بدن آسمانی بی‌انتهاست. در مورد انسان‌ها می‌توانم برای توضیح آن به شما از اصول و مقداری اعداد استفاده کنم، اما انسان‌ها راهی برای تجربه آن در وهله اول ندارند، و نه حتی قادر به دیدن آن هستند، زیرا انسان‌ها آن نوع ساختار بدنی الهی که خدایان دارند را ندارند، و ظرفیت تفکر و خردشان به هیچ وجه قادر به تحمل آن نخواهد بود. انسان‌ها آن نوع روش تفکر را ندارند، و مغز بشر نمی‌تواند مفاهیمی به آن عظمت را تحمل کند. به این دلیل که تنها وقتی تزکیه‌کنندگان به آن سطح بالا می‌رسند، وقتی مغز، تفکر، و بدن‌شان همگی بدنی از ماده با انرژی بالا می‌شود، می‌توانند آن مقدار انرژی، آن مقدار حجم، و آن مقدار خرد داشته باشند. از این‌رو مغز بشری فاقد ظرفیت برای حس‌هایی است که ورای بشر یا تجلی سطح بالای واقعیت است. دانشی که انسان‌ها قادر هستند کسب کنند، محدود است.

از منظری دیگر، اگر انسان‌ها بخواهند چیزهای به آن والایی را بدانند، باید قلمروی اخلاقی به آن بالایی داشته باشند. خدایان به انسان‌هایی که احساسات بشری دارند اجازه نخواهند داد که به آن سطح بوداها دست یابند. این مطلقاً برای علم و فناوری نوع بشر غیرممکن است که به نقطه‌ای به بلندی بوداها توسعه یابند. چرا؟ می‌دانید، انسان‌ها احساسات بشری، همچنین وابستگی‌های مختلف دارند. تمایلات مختلف آنها بسیار زیاد است، و آن‌ها همچنین رقابت، حسادت و چیزهایی از آن نوع دارند. همه در مورد آن فکر کنید، اگر آن [شخص] قرار بود واقعاً به قلمروی بوداها برود، آیا قلمروی بودا را فاسد نمی‌کرد؟ شاید اگر شما آنجا با بودا می‌بودید، بخاطر چیزی حسادت می‌کردید و با بودا در تضاد می‌بودید. آن مطلقاً مجاز نیست. اگر از شر وابستگی شهوت رها نشده بودید، به محض دیدن اینکه چقدر یک بودی‌سات‌وای بزرگ، بسیار زیبا است، از آن پس نسبت به خدایان شهوت می‌داشتید. آن مطلقاً نمی‌تواند در آسمان‌ها وجود داشته باشد. به این ترتیب، علم و فناوری بشری هرگز به قلمروی خدایان و بوداها توسعه نخواهد یافت. به این معنی که، روش‌های علمی و فناورانه بشری، مطمئناً هرگز مجاز نخواهند بود که به قلمروی خدایان دست پیدا کنند.

هم‌اکنون در مورد اصل ایجاد متقابل و بازداری متقابل صحبت کردم. اکنون آن را بیشتر توضیح می‌دهم. در میان یک قلمروی بسیار بالا، حیات‌ها به حالتی بسیار ساده وجود دارند، و افکارشان بسیار ساده، پاک و خالص است. اما خردشان بسیار عظیم است. سپس پایین‌تر، آنجا وجود یک حیات تنها، با دو سرشت به وجود می‌آید، و پایین‌تر آن به دو نوع مختلف عناصر مادی تبدیل می‌شود. از آنجاکه بدن آسمانی جهان بسیار بزرگ است، همان‌طور که پایین‌تر می‌رود به تدریج تنش میان دو نوع مختلف ماده بیشتر می‌شود. پایین‌تر، خصوصیات مختلف دو نوع ماده مختلف و متضاد بیشتر و بیشتر مشهود می‌شود، و شکل‌های وجودی حیات‌های مثبت و منفی ظاهر می‌شوند. پایین‌تر، بوداها (پادشاهان فا) و اهریمنان (پادشاهان اهریمن) وجود دارند. هم‌زمان، انواع بسیار مختلفی از عناصر متقابل، همچون بین و یانگ، تای‌جی، و دیگران وجود دارند. پایین‌تر برویم به اصل ایجاد متقابل و بازداری متقابل منجر می‌شود، و سرشت متضاد دو نوع ماده بیشتر و بیشتر رشد می‌کند.

خصوصاً وقتی به جامعه بشری می‌رسد، این اصل ایجاد متقابل و بازداری متقابل کاملاً آشکار است. وقتی فردی بخواهد یک کار خوب یا یک کار بد را کامل کند، باید بر تضادهای متناظر غلبه کند؛ فقط پس از آن می‌توانید آن کار را کامل کنید. بدون توجه به اینکه آن، یک شخص باشد یا یک سازمان، یا یک شرکت در جامعه مدرن، یا یک دولت باشد، اگر بخواهید کاری را انجام دهید، پیش از آنکه بتوانید آن کار را انجام دهید باید بر چالش‌های بسیاری غلبه کنید. فقط وقتی یک نفر در راستای اراده آسمان پیش برود موفقیت به‌طور طبیعی به دست می‌آید. در غیر این صورت، این‌طور نخواهد بود که هر آنچه بی‌زحمت است انجام دهید و به محض اینکه انجام آن را شروع کنید، موفق شوید. با صحبت در مورد حقایق این سطح بشری، انسان‌ها به‌خاطر انجام کارهای بد، مقادیر بزرگی بدهی‌های کارمایی به‌جای گذاشته‌اند. بنابراین به محض اینکه یک فرد کاری انجام می‌دهد باید بدهی‌ها را بپردازد. چون اصل ایجاد متقابل و بازداری متقابل همیشه حاضر است، برای انسان‌ها سخت است که کاری انجام دهند. پس این چه مزایایی دارد؟ حقایق فاعادل هستند. با صحبت از زاویه‌ای دیگر، تنها پس از غلبه بر تضادهای مربوطه، یک موجود آنچه می‌خواهد را به دست می‌آورد، این‌طور احساس خواهد کرد که گویی به دست آوردن [آن چیز] سخت بوده، و فقط در آن صورت آن را گرامی خواهد داشت، و فقط پس از آن، رضایت خاطر بعد از بدست آوردن آن و لذت و شادمانی که با موفقیت همراه است

را خواهد شناخت. اگر این سرشت متقابل وجود نداشت، پس درباره‌اش فکر کنید: به محض این که می‌خواستید کاری انجام دهید، انجامش می‌دادید، به محض اینکه انجامش می‌دادید، آن را به اتمام می‌رساندید؛ به محض آنکه می‌خواستید کاری انجام دهید، انجامش داده بودید. نمی‌بایستی برای هیچ کاری تلاش می‌کردید، همه چیز بدون تلاش بود، و هیچ چیزی سخت در نظر گرفته نمی‌شد. احساس می‌کردید زندگی بی‌معنی بود. این که احساس شادی می‌کنید دقیقاً بخاطر آن است که برای بدست آوردن چیزی به سختی افتادید. آن چگونگی هستی بشر است. به این ترتیب انسان‌ها با تلاش و اشتیاق زندگی می‌کنند.

امیدوارم از طریق این چیزهایی که هم‌اکنون صحبت کردم، همه شما بتوانید تفکرتان را گسترش دهید. این به شما کمک خواهد کرد که در تزکیه به پیش رفته و تلاش کنید. وقتی شروع می‌کنم درباره این مسائل صحبت کنم، چیزهای بسیار زیادی برای گفتن دارم. گاهی می‌خواهم در مورد چیزهای مختلف هم‌زمان صحبت کنم. چون زمان بسیار کوتاه است، می‌خواهم آن را به این صورت انجام دهم؛ شما با پرسش‌های بسیاری به اینجا آمده‌اید، و بعد از دیدن من پرسش‌های زیادی دارید که می‌خواهید بپرسید، پس بهترین تلاشم را می‌کنم تا به تمام شما زمان بدهم و به پرسش‌هایتان پاسخ دهم. باید با توجه گوش کنید. این نیز سخنرانی درباره فا به شمار می‌رود، و بر موقعیت‌های خاصی تمرکز خواهد داشت. پس حالا پرسش‌ها را برایتان پاسخ خواهم داد. می‌توانید برای پرسیدن بایستید، اما بلند صحبت کنید تا همه بتوانند صدایتان را بشنوند. همچنین می‌توانید برگه‌های یادداشت را بالا بدهید.

در حالی که نشسته‌اید می‌توانید دست‌تان را بلند کنید و سپس سؤالتان را بپرسید. اگر زیاد بنویسید خواندن آن‌ها زمان می‌برد پس هنگام نوشتن روی برگه‌های یادداشت به نکته اصلی اشاره کنید: پرسش اول‌تان چیست، سپس پرسش دوم‌تان چیست. کمی مختصرتر باشید.

پرسش: چه اتفاقی برای یک شخص مسن‌تر می‌افتد اگر به کمال دست نیابد؟

استاد: این شاگرد پرسشی فراگیر را مطرح کرد. در میان افرادی که اینجا نشسته‌اند، تعداد بیشتری هستند که مسن‌ترند. پرسشی که او مطرح کرد این است که: برای آن افراد مسن‌تری که به کمال دست نمی‌یابند چه اتفاقی می‌افتد؟ تزکیه موضوعی بسیار جدی است. اکنون شبیه چیزها در سرزمین اصلی چین نیست، که هر کسی برای انجام کارها از در پشتی^۱ بگذرد. آن عملی نیست. پس آنها باید چه کار کنند؟ فقط وقتی به‌طور واقعی در حالتی پایدار تزکیه کنید، مؤثر است.

درحالی که به این پرسش پاسخ می‌دهم ابتدا مایلم لحظه‌ای در مورد رابطه میان تزکیه و کار صحبت کنم. تزکیه روی زندگی عادی‌تان [به‌طور منفی] تأثیر نمی‌گذارد. چه شرکتی را در جامعه بگردانید، یا مقام بالایی در دولت باشید، در هر شغلی در دنیای بشری می‌توانید تزکیه کنید. در گذشته، عیسی چیزی گفت: او گفت برای مردم ثروتمند دستیابی به پادشاهی آسمانی دشوارتر از این است که یک شتر از میان سوراخ سوزن عبور کند. چرا او آن را گفت؟ به این دلیل که بسیاری از مردم نمی‌توانند وابستگی به پول را رها کنند. در واقع، به شما می‌گویم نمی‌بایست نگران این که چه مقدار پول دارید باشید. حتی اگر خانه‌تان با انبوهی از پول ساخته شده باشد و ورودی خانه‌تان با طلا سنگ‌فرش شده باشد، اهمیتی ندارد چه مقام بالایی داشته باشید، یا حتی رییس‌جمهور یک ملت باشید، هنوز می‌توانید فرد خوبی باشید. شما می‌توانید در محیط و موقعیتی که در آن هستید و از طریق تضادهای طبقه اجتماعی خودتان، خود را تزکیه کنید. درباره آن فکر کنید، در میان ما که اینجا نشسته‌ایم، افراد از اقشار اجتماعی مختلفی هستند. برخی مردم فقط برای خوردن کار می‌کنند. برخی تضادها میان افرادی از اقشار کم‌درآمد پیش می‌آید. فردی از این طبقه اجتماعی می‌تواند در میان تضادها و زجر کشیدن، بر فردی خوب بودن ایستادگی کند و بدین ترتیب به استاندارد تزکیه، و در انتها به کمال دست یابد. در ضمن افراد طبقه متوسط تضادهایی از آن طبقه اجتماعی دارند. آن‌ها تلاش می‌کنند در میان تضادهایشان افراد خوبی باشند و به سطوح بالاتر رشد کنند. در آن صورت آنها نیز، می‌توانند در تمرین‌شان موفق باشند. دریافته‌ام که هم‌اکنون مردم در هر طبقه اجتماعی می‌توانند به سطوح بالاتر رشد کنند و تزکیه کنند. رئیس‌جمهور یک ملت به همین ترتیب نگرانی‌هایی در عرصه مربوط به خودش و تضادهای مختص آن طبقه اجتماعی را دارد. تضادها میان کشورها و میان قومیت‌ها وجود دارند؛ همه بشریت همان‌طور است. برای انسان‌ها، زندگی در جهان دردناک است، و از این رو آنها می‌توانند

تزکیه کنند. من اینجا این را به مریدان می‌گویم که وقتی تزکیه را درک می‌کنند از مرزهای مذهب قدم بیرون بگذارند و تزکیه واقعی یک موجود بشری را موجب شوند.

پس برای افراد مسن‌تر، تمرین تزکیه همان‌طور است. روش من روشی است که هر دوی سرشت و زندگی یک شخص را تزکیه می‌کند؛ هنگامی که شخصی تزکیه را تمرین می‌کند، زندگی‌اش را طولانی خواهد کرد. پس آیا زمان کافی وجود ندارد؟ اما پیش‌نیاز، آن است که مردم مسن‌تر باید بیشتر کوشا باشند و با تزکیه با جدیت برخورد کنند. اگر مردم مسن‌تر به دلایلی نتوانند به‌طور واقعی به کمال دست پیدا کنند، اگر در پایان زندگی‌شان و پیش از آن که با مرگ روبرو شوند سوگند یاد کنند که «دفعه بعد باید قطعاً تزکیه کنم»، در آن صورت به هنگام بازپیدایی، فالون و چیزهای تزکیه را همراه خود حمل خواهند کرد، و تزکیه‌شان را از زندگی قبلی ادامه خواهند داد. (تشویق) [احتمالاً] دیگر آن است که، انسان بودن صرفاً بسیار دردناک است، و بنابراین ممکن است دیگر نخواهند دوباره بیایند. پس باید چه کاری انجام شود؟ هر قدر تزکیه کرده باشند همان مقداری است که بدست خواهند آورد. بنابراین برای آن که سطح کنونی تزکیه‌شان تعیین شود ارزیابی خواهند شد. اگر در سطح یک بهشت داخل سه قلمرو باشند، به آن سطح بهشت خواهند رفت تا موجودی از آن سطح شوند. اگر بتوانید از سه قلمرو خارج شوید، اما فقط آن‌طور باشد که مقام دستیابی کمال را نداشته باشید، آن‌گاه ممکن است به یک پادشاهی آسمانی یا بهشت بروید تا یک موجود ذی‌شعور شوید. آن بهشت‌ها آن‌طور که انسان‌ها تصورشان می‌کنند نیستند - که همگی بوداها یا بودی‌سات‌واها باشند، نه هیچ چیز دیگری. در آنجا موجودات ذی‌شعور بیشماری وجود دارند، و آن‌ها بهشت‌هایی بسیار غنی و فوق‌العاده هستند. افراد عادی آسمانی در آن‌ها ساکن می‌شوند (تشویق)، اما برای انسان‌ها آنها نیز خدایان هستند. آنها نمی‌توانند با انسان‌های این دنیا مقایسه شوند؛ صرفاً آن‌طور است که آنان هیچ مقام دستیابی‌ای ندارند. پرسش‌تان اساساً پاسخ داده شده است. (تشویق)

پرسش: ما چگونه باید معنای این که مریدان تزکیه حقیقی بیماری ندارند را درک کنیم؟

استاد: در سرزمین اصلی چین، مردم در بسیاری از مناطق گفته‌ای دارند، و وقتی مردم بیماری‌هایی داشته‌اند که درمان‌شان سخت بود، افراد دیگری بودند که به آنها می‌گفتند: «باید عجله کنید و بروید فالون گونگ را یاد بگیرید. به محض اینکه تمرین آن را شروع کنید شفا خواهید یافت.» چرا آن‌طور بود؟ به این دلیل بود که اصلاح و تعدیل‌هایی که تزکیه فالون گونگ روی بدن مردم انجام می‌دهد بسیار سریع است. هدف این است که به آنها اجازه داد فوراً بعد از متعادل شدن وارد تزکیه شوند، بنابراین در مجموع آن‌طور که مردم عادی آن را درک می‌کنند نیست. وقتی مردم برای یاد گرفتن تمرین می‌آیند، اگر هیچ فکری از شفا یافتن بیماری‌های خود نداشته باشد، بهترین نتایج را خواهند گرفت. آن به این دلیل است که تزکیه لازم می‌داند مردم وابستگی‌هایی نداشته باشند، پس آنها بدون هیچ در طلب بودنی درمان خواهند شد. به محض آن که شخصی خواسته‌ای داشته باشد، آن یک وابستگی است، و نتایج بد خواهند بود. اگر بگویید، من صرفاً برای شفا یافتن بیماری‌هایم آمده‌ام، آنگاه وابستگی‌هایی دارید، زیرا اشاعه دافا به دنیا، با هدف درمان بیماری‌ها انجام نشده است، بلکه برای نجات مردم است؛ درمان بیماری‌ها توسط ما تعدیل کردن بدن کسانی است که باید نجات یابند. آمدن شما به خاطر وابستگی همچون پافشاری بر آن بیماری و رها نکردن آن است، که در آن صورت ما راهی برای خلاص شدن از بیماری نداریم.

ایده‌های نوع بشر و حقایق جهان، درمقایسه، برعکس یکدیگر هستند، به‌طوری که شخص هر چه بیشتر چیزی را طلب کند کمتر آن را خواهد داشت. فقط وقتی چنین تفکری را رها کنید بیماری را رها خواهید کرد. در ورود به تزکیه شخص نباید فکر درمان شدن بیماری‌ها را داشته باشد؛ شخص نمی‌تواند مطالباتی داشته باشد. پس آنهایی که بیماری دارند وقتی در حال انجام تمرین هستند نباید در مورد بیماری‌شان فکر کنند. وقتی خواسته‌هایی نداشته باشید، به آن توجه نمی‌کنید و فقط درباره تمرین‌ها فکر می‌کنید، و هر چه بیشتر تمرین کنید، آن بهتر پیش خواهد رفت. شاید از تمرین به خانه بازگردید و در طول شب تمام بیماری‌هایتان بروند. (تشویق) مردم در مناطق بسیاری از سرزمین اصلی چین این قبیل چیزها را به شکل نقل قول پخش می‌کنند. احساس می‌کنند آن معجزه آسا است. مردم بسیاری در حال یادگیری این تمرین هستند و تعداد افرادی که آن را یاد می‌گیرند به افزایش خود ادامه می‌دهد.

پس آن اصلی است که درباره آن صحبت می‌کردم: یعنی، آن‌هایی که هیچ درطلب بودنی ندارند سریع‌ترین دستاوردها را دارند، در حالی که آن‌هایی که خواسته‌هایی دارند احتمالاً کندتر به نتایجی خواهند رسید. دیدگاه من درباره بیماری‌ها این چنین است: وقتی این کارها را برای شاگردان انجام می‌دهم آن را معالجه بیماری نمی‌نامم. آن پالایش بدن اصلی تزکیه‌کنندگان نام دارد. هدف پالایش، ایجاد بنیانی برای تزکیه آن‌ها است. آن‌هایی که در بدن‌شان بیماری حمل می‌کنند نمی‌توانند گونگ تولید کنند. پس، چه کاری باید انجام شود؟ وقتی می‌آیید و تمرین‌ها را انجام می‌دهید، فقط می‌آیید و آن‌ها را انجام می‌دهید؛ نباید هیچ وابستگی یا طلبی داشته باشید، و آن بهترین خواهد بود. از این طریق می‌توانم بدن‌تان را پالایش کنم - آن را تا حالتی تقریباً رها از بیماری پالایش می‌کنم. اما در موارد خاص یا تحت شرایطی که تزکیه‌تان تحت تأثیر قرار نخواهد گرفت، ممکن است هنوز شما را با احساس از بین بردن کارما و مشکلات جسمی باقی بگذارم. چرا اندکی باقی گذاشته شده است؟ بدین طریق انجام شده چون درک برخی تزکیه‌کنندگان لازم است بهبود یابد. درباره آن فکر کنید، اگر بدن ظاهری شخصی بیماری نداشته باشد و فوق‌طبیعی باشد و اگر او احساس از بین بردن کارما نداشته باشد آن گاه آن تزکیه نخواهد بود. البته که او [به تزکیه] باور می‌داشت؛ تحت آن شرایط، چه کسی باور نمی‌داشت؟ او تمام مسیر تا انتها باور می‌داشت. پس برخی عناصر که در تزکیه استفاده می‌شود باید برای برخی افراد برطبق شرایطشان باقی بماند و این برای آن است که دیده شود آیا باور دارید. هدف آن است که تزکیه‌کنندگان را از طریق روشن‌بین شدن به مسائل وادار به پیشرفت کند. آیا به این شکل نیست؟ (تشویق)

اما مسئله دیگری وجود دارد که برای همه شما روشن خواهیم کرد: وقتی مردم تزکیه می‌کنند هنوز با برخی مسائل رنج‌آور مواجه خواهند شد و هنوز سختی‌هایی وجود خواهد داشت. سختی‌ها به دو طریق جلوه خواهند کرد: یکی احساسات ناخوشایندی است که بدن تجربه خواهد کرد؛ دیگری آن است که دیگران عصبانیت شما را برانگیخته خواهند کرد. به شما خواهیم گفت که دلایل ناراحتی‌های بدنی، بیماری‌ها نیستند، گرچه تجلی‌ها یکسان هستند. همگی باید بدانید که کارما در حال از بین رفتن است. «از بین بردن کارما» چیست؟ درواقع، درحال پالایش کل بدن شما هستیم. موجودات بشری، درحالی که در میان مردم عادی باز پیدا می‌شوند، زندگی پس از زندگی باز پیدا می‌شوند. برخی بیست و چند باری باز پیدا شده‌اند، برخی سی و چند بار یا حتی بیشتر باز پیدا شده‌اند. در دفعات بسیار زیادی باز پیدا شدن، و در باز پیدا شدن به شکل پس و پیش در میان مردم، هر بار شخص مقدار عظیمی کارما ایجاد می‌کند. البته، در هر زندگی، وقتی مردم بیماری دارند و رنج می‌برند مقداری [کارما] از بین خواهند برد، اما مقدار زیادی در هر زندگی وجود دارد، و وقتی مقدار زیادی از آن جمع شده باشد شخص بیمار خواهد شد. وقتی مردم بیماری دارند از پزشکان درخواست می‌کنند آنان را مداوا کنند. وقتی پزشکان بیماری را درمان می‌کنند، فقط در سطح بدن از چیزها مراقبت می‌کنند. انسان‌ها ممکن است مقداری از کارما را بخاطر رنج بیمار شدن از بین ببرند، اما بخش اعظم کارما و علت ریشه‌ای آنچه ذاتاً باعث بیماری می‌شود در بُعدهای دیگر هستند. پزشکان نمی‌توانند [آن چیزها] را درمان کنند و علت ریشه‌ای بیمار شدن هنوز آنجا است، پس مردم در هر یک از زندگی‌های بسیارشان، مقداری کارما باقی گذاشته‌اند.

آیا می‌دانید بدن مردم امروزی شبیه چیست؟ هنگام ارائه یک کلاس می‌بینم که چیزی سیاه، مغز استخوان برخی از شاگردان را پر می‌کند. البته، در این بُعد نمی‌تواند دیده شود چراکه کارما در بُعدهای دیگری وجود دارد. پس چه کاری باید انجام شود؟ بدن بشری، از ذرات کوچک تا ذرات سطحی، و با نگاه از لایه‌ای پس از لایه دیگر از کوچک تا بزرگ و به صورت سه بُعدی، درست شبیه حلقه‌های رشد درون یک درخت است؛ هیچ لایه‌ای پاک نیست. می‌خواهم بدن‌تان را از درونی‌ترین قسمت آن پاک کنم. اگر تزکیه نکنید، هیچ‌کسی این قبیل کار را برایتان انجام نخواهد داد. در گذشته، بودیسم آموزش داد که انسان‌ها نمی‌توانند در یک دوره زندگی در تزکیه موفق شوند و انسان‌ها خودشان نمی‌توانند خودشان را پاک کنند، و اینکه رشد و بهبود یافتن حتی سخت‌تر است. اگر شخصی بخواهد در تزکیه پیشرفت کند، باید یک فای‌راستین داشته باشد؛ فقط در آن صورت است که عملی خواهد بود. اگر بخواهید در دافا تزکیه کنید، من کارمای ذخیره شده در آن بدن‌های شما را برخواهم داشت، آن آلودگی که ایجاد شده بود، و دلایل پشت همگی چیزهایی که در بدن‌تان بد است، و آنها را به بیرون هل خواهم داد. اگر تمامی آن به یکباره از بدن مادی سطحی‌تان بیرون کشیده می‌شد، قادر به تحمل آن نبودید؛ می‌مردید. پس چه کاری باید انجام شود؟ در روند بیرون

کشیدن آن، بیشتر آن از میان بدهای دیگر بیرون کشیده خواهند شد و از بدن تان خواهند رفت. فقط قسمت فوق العاده کوچکی از میان سطح بدن تان بیرون کشیده خواهد شد.

چرا از میان سطح بیرون می‌رود؟ اگر تمام آن از میان بدهای دیگر بیرون برود آیا انجام‌پذیر نبود؟ انجام آن به این شکل با قوانین آسمان مطابقت ندارد. همراه با بدست آوردن، باید از دست دادن باشد. وقتی کسی چیزی بدهکار باشد باید آن را بازپردازد. اینها قوانین آسمان هستند. وقتی مردم کارما ایجاد می‌کنند باید آن را بازپردازند، و این خصوصاً برای تزکیه‌کنندگان به این صورت است. درواقع، من کاری می‌کنم فقط ذره اندکی بپردازید، که به‌عنوان بازپرداخت شما به شمار می‌رود، و من آن را دقیقاً بخاطر اینکه آرزوی تزکیه دارید انجام می‌دهم. با اینکه در سطح، شما را فقط کمی وادار به تحمل کرده‌ام، اما هنوز ناگهان احساس می‌کنید مثل این که بدن تان مشکل جسمی بزرگی را تجربه می‌کند، و آن به‌طور وحشتناکی دردناک است. برخی افراد واقعاً گویی احساس می‌کنند در طی آن دوام نخواهند آورد. افرادی با درک خوب می‌دانند [که فکر کنند]: «از آن جاکه تزکیه می‌کنم چه چیزی برای ترس وجود دارد؟ من فا را شنیده‌ام، کتاب‌ها را خوانده‌ام، و تمام اصول را درک کرده‌ام. هنوز از چه چیزی باید بترسم؟» آن، چنین فکر ساده و محکمی است، اما درواقع درخشان‌تر از طلا است. نه دارویی دریافت کرد نه دکتري را ملاقات کرد. ناگهان کاملاً خوب است و یک مصیبت عظیم گذر کرده و تکه بزرگی از کارما از بین رفته است. [بخش] بزرگتر کارما در بدهای دیگر به بیرون هل داده شده است. بخشی که در سطح بیرون انداخته شده واقعاً ذره کوچکی است، اما این کارما این‌طور در نظر گرفته می‌شود که از بین رفته است و این‌طور به حساب می‌آید که شما آن را بازپرداخته‌اید. از این‌رو در طول روند تزکیه برخی افراد پی می‌برند که درد در بدن شان را تجربه می‌کنند، اما آن احساس درد از هر مشکلی جسمی متفاوت است. پس این نوع موقعیت‌ها وجود خواهند داشت، و از طریق آنها، میزان بنیادین راسخ بودن عزم شما آزمایش خواهد شد. از طریق آزمون‌های سخت مورد قضاوت قرار خواهید گرفت که آیا می‌توانید خود را به‌عنوان تمرین‌کننده در نظر بگیرید یا نه، و اینکه آیا در آن لحظه به این فا اعتقاد دارید. تزکیه بودا شدن واقعاً موضوعی بسیار جدی است.

در تزکیه ورای فای دنیای سه‌گانه، بدن تا درجه بسیار بالایی خالص می‌شود؛ این یک بدن آرهای نیز نامیده می‌شود. بدن در آن زمان پیشاپیش تا مرحله یک بدن با ماده با انرژی بالا، رشد و بهبود یافته است، که چیزی تا حد یک تک سلول عادی بشری هم ندارد. از سطح ظاهر مانند بدن یک شخص عادی به نظر می‌رسد، اما متفاوت خواهد بود. در آن زمان هیچ کارمای بیماری‌ای نخواهد بود، زیرا مشکلات جسمی دنیوی دیگر نمی‌توانند روی این بدن متشکل از ماده انرژی بالای تان تأثیر بگذارند. هنگام ترک کردن فای دنیای سه‌گانه، تمام کارمای بیماری شما پیشاپیش بیرون ریخته شده‌اند. در تزکیه فای دنیای سه‌گانه ناراحتی در بدن ظاهر خواهد شد یا شخص با یک موضوع شوکه‌کننده اما بی‌خطر مواجه خواهد شد. وقتی آن روی می‌دهد نخواهید ترسید، اما دیگران را بسیار به وحشت خواهد انداخت. این چیزها اتفاق خواهند افتاد. شاگردان بسیار زیادی هستند که واقعاً دافا را تزکیه می‌کنند، اما مشکلی رخ نداده است. تا زمانی که تزکیه می‌کنید، از شما محافظت خواهیم کرد. البته، اگر تزکیه نکنید از شما مراقبت نخواهم کرد؛ من این کارها را برای تزکیه‌کنندگان انجام می‌دهم. پس نباید مردم را برای شفا یافتن اینجا بکشانید. در حال حاضر، امور مردم عادی را اداره نمی‌کنم، و هیچ‌کدام از شما نباید کارهایی که به فا صدمه می‌زنند را انجام دهید. اگر شخصی تزکیه نمی‌کند، باید تبعات آنچه انجام داده است را تحمل کند. صرف‌نظر از آنچه برای او پیش می‌آید، تمام آن دلایل سببی دارد. این پرسش پاسخ داده شده است.

پرسش: آیا [استاد] می‌توانند امروز بدن همه را پاکسازی کنند؟- مخصوصاً، آن چیزهایی که از مطالعه روش‌های دیگر به جا مانده‌اند.

استاد: درباره این چیزها نگران نباشید. می‌توانم به شما بگویم بعد از نشستن و گوش دادن به سخنرانی، وقتی به بیرون از اینجا قدم می‌گذارید، تضمین می‌شود که تغییر خواهید کرد. با صحبت در این مورد، می‌خواهم به آن شاگردانی که کوشا نیستند بگویم: می‌خواهید یک تزکیه‌کننده باشید اما الزامات سختی برای خودتان قرار نداده‌اید، گاه و بیگاه مطالعه و تزکیه می‌کنید، و بنابراین مشکلات بسیاری در بدن تان رخ خواهد داد. دلیل آن است که وقتی به‌طور واقعی تزکیه نمی‌کنید، بدن به وضعیت یک

شخص عادی باز خواهد گشت. در آن مرحله تعجب خواهید کرد: «چرا بدنم همیشه خوب نیست؟» تزکیه جدی است. چرا خوب نیست؟ باید این را از خودتان پرسید. آیا به فا باور دارید؟ آیا باور دارید که تزکیه کننده هستید؟ آیا ذهن تان آن اندازه ثبات دارد؟ اگر به طور واقعی بتوانید حالت ذهنی ای داشته باشید که درخصوص تزکیه مصمم است و بتواند احساسات بشری را رها کند، آن گاه حتی ثانیه ای طول نخواهد کشید و بیماری تان خواهد رفت. (تشویق) مصمم نبودن و شک داشتن، در تزکیه کار نمی کند. همان طور که به تزکیه می پردازید ذهن تان نامطمئن است، فکر می کند: «آیا این فا واقعاً همان طوری است که استاد توصیف کرده است؟» آن مانند این است که پرسید، «آیا در حال تزکیه هستم؟ اکنون یک شخص عادی هستم یا یک تزکیه کننده؟»

تزکیه راستین فای بودا مانند مذاهب دوره پایان فا غیر جدی نیست. تزکیه موضوعی بسیار جدی است. اگر مصمم نباشید، تمام تلاش هایتان بیهوده خواهند بود. اگر بتوانید شهرت، منفعت، و احساسات را رها کنید، و هنوز به کمال نرسید، در پایان حتی من احساس خواهد کرد که غیرمنصفانه است. برای یک موجود بشری، رها کردن شهرت، منفعت و احساسات همچون رها کردن خود زندگی است. انسان ها برای چه زندگی می کنند؟ آیا فقط برای پول، شهرت، احساسات بشری، و این قبیل چیزها نیست؟ اگر بتوانید آنها را رها کنید آیا هنوز بشر هستید؟ (تشویق) انسان ها برای آن چیزها زندگی می کنند؛ فقط خدایان بدون آنها هستند. (تشویق) اما به شما خواهیم گفت خدایان آن طور که انسان ها تصور می کنند همچون مجسمه ها بی حرکت نیستند. انسان ها این را نمی دانند، اما آسمان در حقیقت بسیار شگفت انگیز است. آنها بهتر از انسان ها می دانند چگونه از خوشی بهره مند شوند، اما چیزهای آنجا بسیار اصیل، نیک خواه و بی نهایت شگفت انگیز هستند. دقیقاً به خاطر اینکه چنین قلمروی سطح بالایی دارند، می توانند توانایی های خاصی بدست آورند. بدن شان می تواند شناور شود و در اطراف پرواز کند. همه جا زیبا است. زبان بشری نمی تواند آن را توصیف کند. رنگ هایی که آنجا وجود دارند موجودات بشری اینجا ندارند. ظاهر خدایان بسیار زیبا است. آنها بسیار فوق العاده هستند.

افراد مسن تری اینجا میان ما نشسته اند، و البته افراد جوان نیز هستند. در تزکیه، بدن بشری باید به ویژگی های اصلی ذاتی اش باز گردد. همان طور که مردم [در تزکیه] پیشرفت می کنند جوان تر می شوند. وقتی به طور واقعی به ویژگی های اصلی ذاتی خود باز می گردید، درخواهید یافت که بسیار جوان هستید. با اینکه برخی افراد بسیار پیر هستند، روح اصلی شان جوان یا کودک است. می دانید، وقتی مردم مسن تر سالخورده می شوند، مردم تمایل دارند آنها را «کودکان بزرگ» بنامند. آنها با کودکان بر سر غذا رقابت خواهند کرد، و با کودکان بازی خواهند کرد. چرا؟ دیگران می گویند این شخص پیر شده است، تا جایی پیر که هیچ چیزی کار نمی کند. وقتی این را با علم مدرن توضیح می دهید آن طور است. اما درواقع، می توانم به شما بگویم که وقتی مردم پیر می شوند تمام وابستگی هایشان از دست رفته اند، و تمام احساسات بشری و تمایلاتی که داشته اند رفته است. تمام آنها را رها کرده اند، و سرشت اصلی شان بازگشته و به سطح آمده است. احتمالاً روح اصلی شان از ابتدا کودکانی هستند، پس شروع می کنند رفتاری مشابه کودکان بزرگ داشته باشند. می گویم، واقعاً آن طور است. در تزکیه، شخص هر چه بالاتر می رود، زیباتر و جوان تر خواهد بود. برخی مردم می گویند وقتی به موجودات یک سطح پایین تر [از اینجا] نگاه می کنید، وقتی تلاش می کنند موهایشان را شانه کنند نمی توانند آن را صاف شانه کنند، و موهایشان ژولیده است. به این دلیل است که هر چه شخص پایین تر می رود، زشت تر می شود. با تزکیه هر چه شخص به بالاتر ارتقاء می یابد، چیزها شگفت انگیزتر می شوند. نه تنها بدن کارمای بیماری نخواهد داشت، بلکه همچنین خالص تر و خالص تر می شود.

درخصوص «مخصوصاً، آن چیزهای باقی مانده از مطالعه روش های دیگر»، به شرط آنکه به طور واقعی تزکیه کنید، آن چیزها را برای تان مرتب خواهم کرد. نیازی نیست این چیزها برای تان بار ذهنی درست کنند، نباید در موردشان فکر کنید. آن را رها کنید. اگر مخصوصاً بخاطر آن مسئله [به سوی دافا] آمدید، عملی نخواهد بود. اگر بسیار به آن وابسته باشید، به آن چسبیده اید. حتی اگر من آن را برای شما برمی داشتم، ذهن تان احساس ناپایداری می کرد. اگر بخواهید به طور واقعی تزکیه کنید، تمام چیزهای بد را برای تان بیرون خواهم آورد.

پرسش: اکنون که برای گوش دادن به فا آمده ایم، آیا فالون هایی دارید که به ما بدهید؟

استاد: از آنجاکه تزکیه‌کننده هستید، هم مراقب کسانی هستیم که برای گوش دادن به ما می‌آیند و هم از آنهایی که نتوانستند ببینند مراقبت می‌کنم. آن صرفاً نصب فالون‌ها نیست؛ بعد از آنکه شروع به تزکیه دافا کرده‌اید، همچنین باید بدن شاگردان را به‌طور کامل تنظیم کنم. پس چه مرا دیده باشید چه ندیده باشید یکسان است. تا زمانی که به‌طور واقعی تزکیه کنید، هر آنچه باید داشته باشید داده خواهد شد. در چین، صرفاً چند ده هزار نفر از مردم به سخنرانی‌ام گوش کردند، اما حالا افرادی هستند که در سرتاسر تمام چین تزکیه می‌کنند. پس بسیاری از مردم مرا ندیده‌اند، اما هر چیزی که برای تزکیه دافا نیاز دارند را در اختیار دارند. من در حال انتشار چنین دافایی هستم، پس اگر بدن اصلی‌ام همه کارها را می‌کند، برایم ممکن نبود هر کاری را انجام دهم؛ ممکن نبود که به هر جنبه‌ای از هر شخص توجه کنم. من فالون‌ها را برای تان نصب می‌کنم. تا زمانی که تزکیه کنید، کتاب را بخوانید، فکر کنید که فا خوب است، و بخواهید دافا را تزکیه کنید - اگر واقعاً این افکار را داشته باشید - آن‌گاه پی خواهید برد که بدن تان احساس متفاوتی دارد.

دادن فالون‌ها به شما را متوقف نخواهم کرد. درباره آن فکر کنید، اگر شخصی تزکیه نکند، آن بدنی که مکانیزم‌های لازم را برای تزکیه ندارد چه چیزی می‌تواند تولید کند؟ فالون، ریشه تمام چیزهایی است که به شما می‌دهم. و کارما را برای تان از بین خواهم برد، تمام سپاس‌گزاری و رنجش و خشم از زندگی‌های گذشته‌تان و در سطوح بُعدی مختلف و همچنین انواع مختلف پیوندهای عمیقاً ریشه‌دار را تسویه خواهم کرد، به شما مکانیزم‌های بسیاری در هر دوی درون و بیرون بدن تان خواهم داد که تغییراتی در سراسر بدن تان ایجاد خواهد کرد، و چیزهایی را در *دن‌تی‌ان* و بخش‌های دیگر شما نصب خواهم کرد. همچون دانه‌ها، بیش از ده هزار چیز تولید خواهند شد. در آینده همچنین باید نام‌تان را از لیست جهنم خط بزنم. این چیزی است که مجاز هستید بدانید، اما بسیار، بسیار بیشتر برای تان انجام خواهد شد، و فقط آن‌گاه می‌توانید واقعاً تزکیه کنید، و فقط آن‌گاه واقعاً می‌توانید در تزکیه دافا پیشرفت کنید.

گاهی اوقات می‌گویم آن استادان چی‌گونگ قلبی مردم را فریب می‌دهند. آن‌ها واقعاً در حال فریب مردم هستند. آن‌ها برای شما چه کار خواهند کرد؟ هیچ. اگر چیزهایی که توضیح دادم به کسی داده نشده باشند، چگونه می‌تواند تزکیه کند؟ آیا [این چیزها] از طریق تمرین می‌تواند تولید شوند؟ همچنین، اگر در حالی که تزکیه می‌کنید محافظت نشوید زندگی‌تان در خطر خواهد بود، زیرا انسان‌ها باید کارما را باز بپردازند. اگر محافظت نمی‌شدید، در مورد زندگی‌هایی که در گذشته بدهکار شدید، چه می‌کردید؟ چه کسی در میان مردم امروزی یک زندگی بدهکار نشده است؟ بعد از گذشتن از میان زندگی پس از زندگی دیگر، مردم امروز کارمای بسیار زیادی دارند، و دنیای بشری مخاطره‌آمیز است. اگر شخص در قبال مردم مسئول نباشد پس در حال آسیب رساندن به مردم است، پس می‌گویم که [آن استادان] در حال فریب مردم هستند. شما اکنون در حال تزکیه دافا هستید، پس تمام این برایتان حل خواهد شد. تا زمانی که به‌طور واقعی این را یاد بگیرید، بدست خواهید آورد.

در مورد کسانی که اینجا نشسته‌اند و به لحاظ تحصیلات پیشرفته‌تر هستند: با تئوری‌های مدرن محدود نشوید. اگر شخصی با چشم آسمانی باز به کتاب *جوآن فالون* نگاه می‌کند، درمی‌یافت که هر حرف درون آن یک سواستیکا (卍) است، و این که هر حرف یک بودا است. درباره آن فکر کنید: این فا چقدر قدرت دارد و این کتاب چه تعداد بودا دارد؟ بعلاوه، هر حرف لایه‌لایه بودا دارد، زیرا این کتاب شامل اصولی از سطوح مختلف جهان است. هر بار که کتاب را بعد از پیشرفت در تزکیه می‌خوانید، درمی‌یابید که همان پاراگراف به لحاظ معنایی از آنچه که قبلاً در کتاب خوانده‌اید متفاوت است. شما درک‌های جدیدی دارید، و آن در حال صحبت در مورد لایه دیگری از معنا خواهد بود؛ داخل هر حرف بوداهایی از لایه‌ای پس از لایه‌ای دیگر از سطوح بی‌شمار وجود دارند. البته، مردم عادی نمی‌توانند آن‌ها را ببینند. پس این را به شما می‌گویم که این کتاب بسیار گران‌بها است. در گذشته، برخی از افراد وقتی به سخنرانی‌ها گوش می‌دادند آن را زیر خود می‌گذاشتند و روی آن می‌نشستند. در آن زمان، هنوز درک نکرده بودید که این فا چیست. وقتی به درک آن رسیدید، دریافتید که تمام آن بی‌نهایت جدی است. در تزکیه آن هر فکر شما را خواهد دانست؛ حتی پیش از اینکه فکری داشته باشید آن خواهد دانست که در آستانه داشتن چه فکری هستید. انسان‌ها فکر می‌کنند که تجلی یک فکر بشری روندی بسیار سریع است، اما با نگاه به افکار تان از یک بُعد کمی سریع‌تر، آن یک روند

بسیار کُند است. پیش از آن که حتی فکرتان را کامل کرده باشید، آن بُعد هم اکنون می‌داند؛ به محض آن که فکری داشته باشید، آن بُعد می‌داند.

برخی افراد به من می‌گویند: «معلم، من هزینه کلاس را به شما پرداخت می‌کنم. کسی در خانواده‌ام نیامده است، و مایلم یک فالون به او بدهید.» البته، نمی‌توانید او را سرزنش کنید، چون او نمی‌داند که آن نمی‌تواند به کسانی که تزکیه نمی‌کنند داده شود. به شما خواهم گفت فرقی نمی‌کند چند صد میلیون دلار خرج کنید نمی‌توانید یکی بخرید. این چیزی نیست که در میان انسان‌ها یافت شود. آن فوق‌طبیعی است - چیزی الهی. با صحبت از یک جنبه، زندگی آن بسیار گران‌بهاتر از زندگی شماست. آن یک حیات والا تر است، پس چگونه می‌تواند با پول ارزیابی شود؟ اما اگر شخصی بخواهد تزکیه کند، می‌توانم آن را به رایگان به او بدهم. و آن به این چیزها محدود نمی‌شود: در نهایت باید تمام مسیر تا کمال از شما مراقبت کنم.

پرسش: ما چطور باید زندگی‌هایی که پیش از زمان مقررشان می‌میرند را درک کنیم؟ برای چنین شخصی چه اتفاقی رخ خواهد داد؟

استاد: همگی، از این پس، پرسش‌هایی که ارتباطی با تزکیه‌تان ندارد را بالا نفرستید. برخی مردم حتی از من می‌پرسند آیا سوزاندن اسکناس [برای مرده] مؤثر است یا خیر. این چیزها ارتباطی با تزکیه دافا ندارد، و من فرصت پاسخ به آن‌ها ندارم. آن‌هایی که پیش از زمان مقررشان می‌میرند با پایان اسفناکی روبرو می‌شوند. آن شامل حقیقتی است که توضیح دادم، یعنی، وقتی شخصی به دنیا می‌آید، زندگی او توسط خدایان نظم داده شده است. اگر آن‌ها به پایان طول عمر خود نرسیده باشند و ناگهان بمیرند، آن‌گاه یک گرفتاری بسیار دردناک خواهند داشت. چه نوع گرفتاری دردناکی؟ چون زندگی‌ها نظم و ترتیب داده شده‌اند، آنچه می‌خورید و می‌آشامید، موقعیت‌تان در جامعه، موقعیت‌تان در زندگی - همه این چیزها نظم و ترتیب داده شده‌اند. وقتی مردم می‌میرند، فوراً تمام این چیزها را از دست می‌دهند، و اگر به پایان دوره زندگی خود نرسیده باشند نمی‌توانند بازپیدا شوند. آن‌گاه روح‌های جدا شده وارد یک بُعد متروک و خالی می‌شوند. هیچ چیزی آن‌جا نیست، درست مثل این است که شخصی بخواهد به مریخ برود. درواقع، مریخ زندگی بشری دارد، فقط در بُعد دیگری است. آنچه ما می‌بینیم دقیقاً خلأ و بُعد خالی اینجا است. پس، وقتی فوراً در این موقعیت گذاشته می‌شوند، نمی‌خورند و نمی‌آشامند، و هیچ چیزی ندارند. آن‌ها در دردی بی‌نهایت هستند، اما بخاطر گرسنگی نمی‌میرند. بنابراین، به انتظار کشیدن در آن بُعد ادامه می‌دهند تا دوره زمانی واقعی آن شخص در دنیای بشری سر رسیده باشد؛ فقط در آن صورت می‌توانند بازپیدا شوند. من در حال اشاره به چیزی هستم که «ارواح تنها و اشباح آواره» منظور آن است. در بودیسم عادت داشتند چائودو، یا آزاد کردن ارواح از برزخ را انجام دهند. مردم مدرن درک نمی‌کنند چائودو چیست؛ صرفاً افرادی که آن‌گونه مرده‌اند که شرح دادم، نیاز دارند که آزاد شوند. به‌طور معمول، مردم به‌محض اینکه می‌میرند خیلی زود بازپیدا شده‌اند. چه چیزی برای آزاد کردن وجود دارد؟ آنچه سابقاً منظور آنها از چائودو بود، رها سازی این موجودات بود.

در ادامه در مورد موضوعی صحبت خواهم کرد، یک موضوع اجتماعی. هم‌اکنون مردمی در بسیاری از کشورها وجود دارند که مرگیاری^۲ را مطرح می‌کنند. به شما خواهم گفت وقتی برخی مردم بیمار نمی‌توانند رنج‌شان را تحمل کنند و می‌خواهند بمیرند، به خودشان مربوط است. هرکسی این کار را برای آنها انجام می‌دهد کشتن است، و در حال ایجاد کارمای بزرگی است که همراه با کشتن می‌آید؛ تمام خدایان آن را این‌طور می‌بینند. بعلاوه، درحالی که فرد به بُعدی می‌رود که آن زجر حتی بدتر است، آن شخص را در دردناک‌ترین شرایط قرار می‌دهند. شخصی که مرگیاری را درخواست می‌کند این را نمی‌داند. وقتی به آن مکان برود از آن پشیمان خواهد شد، چراکه بهتر بود زندگی کند و کمی زجر بکشد. چرا مردم زجر می‌کشند؟ هنگام زندگی در این جهان مردم کارما تولید می‌کنند. کارمای برخی عظیم است، برای برخی کوچک است. برخی مردم پیش از آن که بمیرند در درد و رنج خواهند بود. با رنج کشیدن می‌توانند بیشتر کارمای تولید شده در یک دوره زندگی را بپردازند، و در زندگی بعدی منجر به یک زندگی خوب خواهد شد، زیرا وقتی برخی مردم کارمایی که بدهکارند را در لحظه مرگ می‌پردازند دیگر [آن] کارما را ندارند. اما نمی‌خواهند که در درد باشند، نمی‌خواهند آن را باز بپردازند. پس وقتی در زندگی‌های بعدی خود متولد می‌شوند ممکن است

با بدن‌های بیمار بیایند. یا حتی معلول باشند یا یک زندگی کوتاه داشته باشند. مردم این نکته را درک نمی‌کنند و تنها به چیزهای «عملی» اعتقاد دارند. گفته‌ام که مردم با تصویر اشتباهی که توسط علم امروزی ترسیم شده است شدیداً به‌طور محکم مهر و موم شده‌اند. و این دلیل آن است که چرا مردم چیزهایی مثل «یک مرگ رضایت‌بخش و صلح‌آمیز»، یا مرگ‌یاری را ایجاد کرده‌اند. اصلاً صلح‌آمیز و رضایت‌بخش نیست.

پرسش: آیا افرادی که تزکیه می‌کنند هنوز باید سخت کار کنند و در شغل و تحصیلات خود در جامعه عادی پیش بروند؟

استاد: باید این کار را انجام دهند. الان در این مورد صحبت کردم. چرا این‌طور است؟ زیرا وقتی شروع کردم فاشاعه دهم پیشاپیش این موضوع را مدنظر قرار داده بودم، می‌دانستم مردم بسیار زیادی - تعداد کاملاً زیادی - که [فالون دافا] را مطالعه می‌کنند وجود خواهند داشت. در آینده آن در سرتاسر کل جهان انتشار خواهد یافت، زیرا عالی و عظیم است - آن قانون جهان است که به مردم اعطاء می‌شود بنابراین می‌توانند تزکیه کنند. با مردم بیشتری [که آن را مطالعه می‌کنند] باعث مشکلات بزرگی برای جامعه می‌شد: اگر هر کسی می‌خواست [شغل یا تحصیلی نداشته باشد] راهب یا راهبه شود، آن‌گاه آیا جامعه بشری از هم فرو نمی‌پاشید؟ پس آن [رویکرد] عملی نمی‌بود. دقیقاً به‌خاطر اینکه کاری کرده‌ام که در جامعه عادی تزکیه کنید، تزکیه‌کنندگان می‌توانند همان‌طور که تزکیه می‌کنند تا بیش‌ترین حد با جامعه تطابق داشته باشند، و این می‌تواند مشکل را حل کند. هم‌زمان، این رویکرد اجازه می‌دهد که خود شخص به‌طور واقعی فا را بدست آورد.

شما می‌توانید هر شغل عادی را در جامعه عادی انجام دهید. در هر شرایط زندگی و در هر شغلی، یک تزکیه‌کننده می‌تواند شخص خوبی باشد. یک تزکیه‌کننده باید هرکجا که هست شخص خوبی باشد. به‌عنوان یک تزکیه‌کننده، وقتی در جامعه عادی به‌طور بدی رفتار می‌کنید قطعاً مقصر شما هستید چراکه به‌عنوان تزکیه‌کننده به آن کارها نپرداختید و خودتان را مطابق استانداردهای بالا حفظ نکردید. اگر برای رئیس‌تان که شما را استخدام کرد خوب عمل نکردید، یا، اگر دانش‌آموزی هستید، و تکالیف‌تان را کامل نکردید یا در کلاس توجه و دقت نکنید، آن‌گاه آیا می‌توانید بگویید که شخص خوبی هستید؟ یک شخص خوب، می‌دانید، در هر محیطی که می‌خواهد باشد، فرد خوبی است. اگر یک دانش‌آموز هستید باید خوب مطالعه کنید. اگر یک کارمند هستید باید کارتان را کامل کنید. خودتان را در روابطی که در اجتماع و با دیگران دارید در جایگاه درستی قرار دهید - همه شما قادر به فکر کردن در مورد [اینکه آن چه معنایی برای‌تان دارد] هستید. اگر بتوانید همواره کارها را بهتر انجام دهید، آن‌گاه تضادها کمتر و کوچکتر خواهند بود، گرچه همچنان پیش خواهند آمد.

آزمون‌هایی برای رشدتان به شما داده خواهند شد. در تزکیه، اغلب وقتی تضادها می‌آیند ناگهانی هستند، اما اگر بخواهید تزکیه کنید به‌طور اتفاقی پیش نمی‌آیند. آن به این دلیل است که اگر بخواهید تزکیه کنید، مسیر تزکیه و زندگی‌تان را مجدداً نظم و ترتیب خواهم داد. آنها طوری هستند که تزکیه‌کننده بتواند رشد کند، و بنابراین وقتی با مشکلات مواجه می‌شوید آنها اغلب ناگهانی پیش می‌آیند. آنها ممکن است تصادفی به‌نظر برسند، و در سطح تفاوتی با تضادهای بین افراد نداشته باشند. قطعاً آن‌طور نیست که افرادی خداگونه برای‌تان سبب مشکل شوند. فقط وقتی می‌تواند در رشد و بهبودتان مؤثر باشد که موجودات بشری سبب مشکلاتی برای‌تان شوند. پس چگونه باید این مشکلات را اداره کرد؟ باید همیشه قلبی سرشار از نیک‌خواهی را حفظ کنید، و باید وقتی با مشکلات مواجه می‌شوید خودتان را مورد بررسی قرار دهید. روزی دیگر چیزی به همه شما گفتم: گفتم اگر نتوانید دشمن‌تان را دوست داشته باشید آن‌گاه نمی‌توانید یک بودا شوید. یک خدا یا شخصی که در حال تزکیه است چگونه می‌تواند فردی عادی را به‌عنوان دشمن خود ببیند؟ آنها چگونه می‌توانند دشمنانی داشته باشند؟ البته، در حال حاضر نمی‌توانید به این دست پیدا کنید. اما به‌تدریج به آن دست خواهید یافت. در پایان به آن خواهید رسید، زیرا دشمنان‌تان موجودات بشری در میان جمعیت مردم عادی هستند. انسان‌ها چگونه می‌توانند دشمنان خدایان شوند؟ آنان چگونه می‌توانند ارزش این را داشته باشند که با خدایان دشمن باشند؟

پرسش: معلم اشاره کردند که زندگی بشری، از تولد تا مرگ، توسط خدایان ترتیب داده شده است. پس سقط جنین چه تأثیری بر زندگی یک جنین دارد؟

استاد: به عنوان شخصی که تزکیه را شروع کرده است، ابتدا باید تمام آنچه در گذشته انجام دادید را رها کنید. آنچه از روی نادانی در گذشته انجام شده، انجام شده است. در مورد هیچ چیزی فکر نکنید؛ فقط روی تزکیه تمرکز کنید. به طور پیوسته در تزکیه پیشرفت کردن، اولین اولویت است. وقتی تزکیه کننده‌ای راستین باشید می‌توانم به شما کمک کنم هر چیزی را حل کنید، و می‌توانم هر چیزی را حل کنم. اما نکته‌ای وجود دارد: اگر بدانید چیزی نادرست است و هنوز آن را انجام دهید، رعایت نکردن الزامات یک تزکیه کننده به شمار می‌رود، و آن [رفتار یک تزکیه کننده] نیست.

در مورد سقط جنین، می‌توانم بگویم چیزی را دیده‌ام: روح نوزادان بسیاری در فضای اتاق‌ها و جلوی ورودی‌های بسیاری از بیمارستان‌ها در حالت انتظار شناور هستند، و برخی هیچ یک از چهار دست و پای بالقوه‌شان را ندارند. این ارواح کوچک جایی برای رفتن ندارند. آنها بسیار رقت‌انگیزند. برخی از آنها شاید روابط خانوادگی با مادران بالقوه‌شان در یک زندگی خاص در گذشته داشته‌اند. همان طور که پیش می‌روید به این مسئله توجه کنید. چون تزکیه می‌کنید، می‌توانم به شما در حل کردن هر چیزی کمک کنم.

پرسش: معلم، چرا تمرین‌ها توسط دستیاران آموزش داده شده‌اند؟ نمی‌ترسید انحطاطی وجود داشته باشد؟

استاد: آن مانند این است: لازم می‌دانم دستیاران وقتی تمرین‌ها را آموزش می‌دهند طوری که چیزها در فالون گونگ گفته شده‌اند پیش بروند. وقتی مردم تمرین‌ها را انجام می‌دهند امکان پذیر نیست که همه گویی از قالبی یکسان خارج شده باشند، دقیقاً یکسان آن‌ها را انجام دهند. اختلافات کوچک اهمیتی ندارند. اما بهترین سعی‌تان را بکنید که آنها را به روشی استاندارد و مطابق نکات اصلی انجام دهید. آن برای این است که تمرین‌ها در فالون گونگ از تمرین‌های دیگر متفاوت هستند؛ وقتی انجام تمرین‌ها در روش‌های دیگر را متوقف می‌کنید، آن به توقف می‌رسد و شما نیاز دارید تمرین را به شیوه‌ای مشخص پایان دهید. شما آن طور نیستید. فالون گونگ تمرینی است که در آن، فا تمرین کنندگان را پالایش می‌کند. شما بیست و چهار ساعت در شبانه‌روز توسط گونگ در حال پاک شدن هستید. چرا می‌تواند آن قدر گسترده باشد؟ به این خاطر که مکانیزم‌هایی که برای شما نصب کرده‌ام خودکار هستند. پس چرا تمرین‌ها را انجام می‌دهید؟ شما در حال تقویت مکانیزم‌هایی هستید که برای‌تان نصب کرده‌ام، و آنچه به طور واقعی شما را پاک می‌کند آن مکانیزم‌ها هستند. مکانیزم‌ها گونگ را هدایت می‌کنند تا به صورت بی‌وقفه تمرین کنندگان را بیست و چهار ساعت در شبانه‌روز پاک کنند. حرکات تمرین دافا تمرینی است که در آن، مکانیزم‌ها پالایش را هدایت می‌کنند. پس اگر حرکات، اندک مقدار کوچکی دقیق نباشند، تأثیری منفی نخواهند داشت. اما مطمئن شوید انجام آنها تا حد امکان دقیق باشد. حرکات باید هنوز مطابق استاندارد انجام شوند.

پرسش: نواحی توسعه نیافته بسیاری وجود دارند که ویدئوهای تمرین آنجا در دسترس نیستند. حرکات از شخصی به شخص دیگر در حال اشاعه هستند، و از آن شخص دوم به شخص سوم [منتقل می‌شوند]، بدین ترتیب برخی حرکات در محل تمرین ما متفاوت هستند.

استاد: مردم بیشتر و بیشتری تمرین‌ها را انجام خواهند داد، و شاگردان یکدیگر را ملاقات خواهند کرد، پس این مسائل به سرعت حل خواهند شد. به این دلیل که برای بسیاری از مردم، کسب دافا بسیار مشکل است. در این مورد می‌دانم. همچنین، همه احساس می‌کنند این فا عالی است، و همه می‌خواهند فا را به دیگران اشاعه دهند و در سکوت کارهای زیادی انجام داده‌اند. در مورد تمام آن می‌دانم. ارزش [آن] بی‌اندازه است.

پرسش: من یک دختر دو ساله و یک پسر دو ماهه دارم، و امروز به زحمت آن‌ها را آورده‌ام. چه هنگام می‌توانم آنها را با مطالعه فا و تمرین‌ها آشنا کنم، و چطور باید آن را انجام دهم؟

استاد: در سرزمین اصلی چین، کودکان سه و چهار ساله‌ای هستند که تمرین می‌کنند؛ نسبتاً سه‌ساله‌های کمتری در حال تمرین وجود دارند، اما به‌طور فوق‌العاده‌ای چهارساله‌های بسیاری در حال تمرین هستند، و بسیار متداول‌اند. و نباید آن دختر یا پسر را کودک بپندارید، و فکر کنید نمی‌تواند چیزها را بفهمد. به شما می‌گویم که سرشت مادرزادی او احتمالاً خوب است، و چیزها را حتی بهتر از افراد بالغ خواهد فهمید. مردم همگی می‌گویند کودکان کاملاً سریع قادر به پذیرش چیزها هستند. چرا آن‌طور است؟ زیرا خرد مادرزادی آنان کاملاً مدفون نشده است، بنابراین گاهی اوقات کودکان در مورد چیزها بسیار روشن هستند. اگر کودک زمینه خاصی داشته باشد، خرد ذاتی‌اش حتی بهتر خواهد بود.

پرسش: چگونه باید چشم آسمانی را درک کنیم؟ آیا چشم آسمانی می‌تواند در سطوح مختلف باز شود؟ و اگر شخص درک عمیق‌تری از حقیقت جهان را از طریق تمرین‌ها کسب کند، پس بوداها چگونه حقیقت جهان را درک می‌کنند؟

استاد: در مورد این، به شما خواهیم گفت علت آن که موجودات بشری هرگز حقیقت جهان را درک نخواهند کرد این است که انسان‌ها در این سطح بشری هستند. بوداها می‌توانند جهان را درک کنند، و آن بخاطر سطوح و قلمروهای بوداها است. خدایان سطح پایین نمی‌توانند امور سطوح بالاتر جهان را درک کنند. بدین معنی است که، آنچه تزکیه‌کنندگان در سطوح مختلف به آن روشن‌بین می‌شوند، یا، بگوییم، آنچه یک موجود روشن‌بین در سطوح مختلف می‌بیند، تماماً حقیقت جهان در سطوح بخصوص آنان است. آنها هنوز نمی‌توانند آنچه بالاتر است را ببینند.

بعلاوه، آن‌طور نخواهد بود که هر شخصی به‌محض اینکه شروع به تزکیه کند چشم آسمانی‌اش باز خواهد شد. اگر می‌توانستید همه چیز را مانند یک بودا به‌وضوح ببینید، آن‌گاه قادر به تزکیه کردن نمی‌بودید، زیرا بسیار آرام می‌بود. اگر چشم آسمانی واقعاً باز بود، آن‌گاه بُعدهای دیگری که می‌دیدید حتی واقعی‌تر از این بُعد بشری می‌بود، و حواس سه‌بُعدیتان و مشاهده اشیاء حتی واضح‌تر و واقعی‌تر از دیدن انسان‌ها بود. تحت شرایط طبیعی، می‌توانم فقط به آن تمرین‌کنندگانی که چیزها را می‌بینند، اجازه دهم بخشی از آنچه در بُعدهای دیگر است را ببینند. آن‌هایی که می‌توانند گستره بزرگی از چیزها را ببینند، چیزهایی که می‌بینند معمولاً مبهم و تار هستند، یا صرفاً قادر خواهند بود چیزها در سطوح پایین را ببینند، به جز تحت شرایط استثنایی. چرا آن‌طور است؟ اگر مردم واقعاً می‌توانستند همگی چیزها را واقعاً واضح ببینند، هر کسی فوراً برای تزکیه می‌آمد، و بسیار مصمم می‌بودند. در آن صورت، توهم در هم می‌شکست، روشن‌بینی وجود نمی‌داشت، و تزکیه به حساب نمی‌آمد. فقط در میان توهم، انسان‌ها قادر به تزکیه و روشن‌بینی هستند، و فقط در این صورت رنج بردن به حساب می‌آید. اگر مردم می‌توانستند هر چیزی را به‌وضوح ببینند، اهمیتی نمی‌داشت چقدر رنج می‌بردند، شکایتی نمی‌داشتند. چرا برای یک بودا سخت است که سطح خود را بهبود دهد؟ با این فرض که می‌تواند تمام حقیقت را ببیند، چگونه می‌توانست رشد کند؟ رشدش بسیار کُند خواهد بود، چون رنجی ندارد. انسان‌ها نمی‌توانند حقیقت را ببینند، و فقط این چنین قادر به تزکیه هستند. قادر به دیدن نبودن نیز خودش نوعی از رنج بردن است. هر چیز انسان‌ها رنج بردن است.

افرادی هستند که از من می‌پرسند: معلم، من تمرین‌ها را انجام می‌دهم، پس چرا مشکل سلامتی‌ام هنوز آنجا است؟ می‌پرسم: آیا برای خاطر شفا یافتن می‌آیید؟ یا برای تزکیه می‌آیید؟ اگر برای تزکیه می‌آیید، پس هیچ فکری درباره بیماری نداشته باشید. فقط وقتی کاملاً فکر کردن در مورد این چیزها را متوقف کنید و به آنها وابستگی نداشته باشید بهبود می‌یابد. چون هنوز روی آنچه اصالتاً احساسات بشری‌تان بود پافشاری می‌کنید، نمی‌توانید به‌عنوان یک تمرین‌کننده در نظر گرفته شوید. اگر وابستگی بشری به‌طور بنیادین رفع شود شبیه چه خواهد بود؟ برخی مردم بی‌خوابی دارند. اما اگر نتوانید به خواب بروید، آیا آن لحظه‌ای مناسب برای انجام تمرین‌ها نیست؟ پس ببینید بعد از آن آیا می‌توانید به خواب بروید؟ می‌توانم به همگی شما بگویم تفاوت تنها در آن یک فکر است؛ تفاوت بین انسان‌ها و خدایان آن یک فکر است. اگر بتوانید رها کنید، یک تزکیه‌کننده هستید؛ اگر نتوانید، یک موجود بشری هستید.

پرسش: آیا در حال حاضر تزکیه صومعه‌ای وجود دارد؟ اگر این‌طور است، آیا می‌توانم مریدی باشم که به‌عنوان یک راهب یا راهبه تزکیه می‌کند؟

استاد: همین‌طور که این‌فا بیشتر اشاعه می‌یابد، اکثریت وسیع مردم به این شکل تزکیه خواهند کرد، [ماندن در جامعه عادی]. البته، برخی راهب‌ها و راهبه‌ها وجود دارند که دافا را تزکیه می‌کنند. تزکیه دافا اهمیتی برای شکل و قالب‌ها قائل نمی‌شود. و در حقیقت، آن شیوه‌ای است که بوداها، دائوها و خدایان به امور می‌نگرند. بوداها شکل‌های مردم عادی را مهم در نظر نمی‌گیرند، بلکه در عوض تزکیه احساسات بشری را مهم در نظر می‌گیرند. بدون توجه به اینکه مردم چه تعداد معبد می‌سازند، یا بدون توجه به اینکه آیا هر روز به مجسمه بودا تعظیم می‌کنند، اگر بعد از خارج شدن از در، هر آنچه می‌خواهند انجام دهند، آن تزکیه نیست. اگر از با تمام وجود خود را تزکیه کنید، بوداها هنگام دیدن این شاد خواهند بود. این موضوعی از تشریفات نیست. در تزکیه حقیقی یک استاد مراقب‌تان خواهد بود. تزکیه، تزکیه کردن احساسات (چینگ) است که موجودات بشری دارند. (تشویق) در واقع، اگر برای انجام تزکیه‌تان در دافا، خودتان را از اجتماع پیچیده انسان‌ها جدا کنید، چیزها در حقیقت کندتر می‌شوند. البته، اگر بخواهید راهب یا راهبه شوید و تزکیه کنید، در حال حاضر شرایطی برای آن نداریم.

پرسش: پس از آن‌که بدن به ماده انرژی بالا تبدیل شده باشد غذاهایی که می‌خوریم چه تأثیری دارند؟

استاد: غذاهای خورده شده توسط مکانیزم‌ها در تزکیه تبدیل خواهند شد. تزکیه هنوز تزکیه طبیعی خواهد بود.

پرسش: آیا مردم چینی متولد شده در آمریکا که فقط انگلیسی می‌توانند صحبت کنند قادر به تزکیه تا کمال هستند؟

استاد: در حال حاضر بسیاری از مریدان، سفیدپوست هستند. اهمیتی ندارد به چه زبانی صحبت می‌کنید، بر تزکیه تأثیر ندارد. کلاسی برای مریدان سفیدپوست در سوئد برگزار کردم. آن‌ها درک خوبی از مسائل داشتند، و بهبودشان در تزکیه بسیار سریع بود. چینی‌ها تاریخ باستانی و فرهنگی بسیار عمیق دارند. شخصیت چینی‌ها این است که بسیار درون‌گرا هستند، و چیزهای بسیاری درون سرشان دارند. اگر بخواهید چینی‌ها اصلی را درک کنند، باید علت را بسیار کامل توضیح دهید. اما سفیدپوستان آن‌طور نیستند. طبیعت‌شان برون‌گرا است و رگ و صادقانه صحبت می‌کنند. می‌توانید بگویید چه زمانی عصبانی هستند و می‌توانید بگویید چه زمانی شاد هستند. آن‌ها چیزی درون سرشان ندارند، چون همه چیز در سطح است. بینش و دریافت آن‌ها قوی‌تر از چینی‌ها است، و از منطقی که بسیار عمیق باشد استفاده نمی‌کنند. به محض اینکه چیزی کاملاً توضیح داده شود آن‌ها را درک می‌کنند. موانع روانی بسیار زیادی ندارند، پس در حقیقت خیلی سریع تزکیه می‌کنند.

آنهایی که چینی را درک نمی‌کنند دقیقاً همان‌طور هستند. اما نکته‌ای وجود دارد: انگلیسی تنها می‌تواند معنای سطحی آنچه می‌گوییم را ترجمه کند. نمی‌تواند معنای سطحی را به‌درستی و به‌دقت ترجمه کند، اما بر معنای درونی سطح بالا تأثیر نخواهد گذاشت. وقتی مردم آینده، فا را مطالعه می‌کنند، سطح-چیزها در این سطح انسان‌ها- مهم خواهد بود. پس اگر مردم آینده [زبان] چینی را نفهمند، برایشان بسیار دشوار خواهد بود.

پرسش: نژادهای مختلف، پادشاهی‌های آسمانی مختلفی دارند. چرا سیاه‌پوستان آفریقایی هیچ ندارند؟

استاد: سیاه‌پوستان، نیز، خدایانی دارند که آنان را خلق کرده‌اند. تنها این‌طور است که آنان آنها را نسبتاً زود فراموش کرده‌اند.

پرسش: آیا تمام مذاهب پادشاهی‌های آسمانی دارند؟

استاد: فقط مذاهب راستین پادشاهی‌های آسمانی دارند. آن مذاهب شیطان‌ی پادشاهی‌های آسمانی ندارند. همچنین، در دوره پایان قانون، در واقع، هیچ مذهبی خدایان واقعی که مراقب آنان باشند ندارد. مردم آنچه خدایان روزگاری از مردم می‌خواستند را دیگر مراعات نمی‌کنند، و برخی مردم در مذاهب در انجام کارهای بد پیشقدم می‌شوند. برخی مردم شناسه‌های مذهبی را برای

این استفاده می‌کنند که دست‌شان به پول برسد، برخی در حال سیاسی شدن، و برخی در حال پیشقدم شدن در جهت فساد جامعه هستند. آن‌ها خودشان به خدایان اعتقاد ندارند و خودشان قادر به تزکیه نیستند. بروید و از آن راهب یا راهبه بپرسید: آیا می‌توانی مرا به کمال برسانی؟ آیا می‌توانی به کمال برسی؟ من یکبار از اشخاصی که حدود شصت و هفتاد سال راهب یا راهبه بوده‌اند پرسیدم، و آن‌ها جرأت نکردند بگویند که یک بهشت سعادت غایی وجود داشته است. پس چه چیزی را تزکیه می‌کردند؟ درهای پادشاهی‌های آسمانی هم‌اکنون بسته شده‌اند. چیزهای آشفته‌ای [که اشاعه می‌دهند] توسط خدایان اشاعه داده نشده است، چه برسد به اینکه بتوانند در مورد پادشاهی‌های آسمانی صحبت کنند.

پرسش: در یک رؤیا معلم را دیدم که به ما آموزش می‌دادند و با ما گفتگو می‌کردند. این رؤیا چطور باید درک شود؟

استاد: برخی افراد دارای بنیادهای نسبتاً خوبی هستند که واقعاً می‌توانند تماس برقرار کنند. اکثر آن‌ها کودکان هستند. تحت شرایط طبیعی، وقتی در حال تمرکز (دینگ) در طول مدیتیشن مرا می‌بینید، اغلب با شما صحبت نخواهم کرد. وقتی سخن می‌گویم، برای ارایه اشاره‌ای به شماست. برخی افراد می‌گویند معلم در یک رؤیا تمرین‌ها را به آن‌ها آموزش داد. در رابطه با این باید مراقب باشید، و باید تشخیص دهید که چه تمرین‌هایی به شما آموزش داده می‌شوند. اگر فراتر از پنج تمرین بروند، قطعاً برای مداخله با شماست. اگر چیزهای گفته شده و رای اصول فایی که اشاعه می‌دهم بروند، پس آن مطمئناً من نیستم، و تقلبی است. هر کسی با [تصاویر] تقلبی مواجه شود می‌تواند آن‌ها را دور براند. می‌توانید بگویید: «من فالون دافا را تزکیه می‌کنم و چیزهای شما را نمی‌خواهم.» و اگر ترک نکنند، می‌توانید نام مرا صدا بزنید.

پرسش: رنج بردن می‌تواند کارما را از بین ببرد. آیا تحمل بیماری‌ها می‌تواند کارما را از بین ببرد؟

استاد: در مورد تحمل کردن بیماری، هر زمان یک موجود بشری درد را تحمل کند در حال بازپرداخت کارما است. تحمل کردن بیماری از بین بردن کارما است. هم‌اکنون گفتم که اگر شخصی تمام عمرش دچار بیماری نشود، محکوم است که پس از مرگ به جهنم برود، زیرا در طول زندگی‌اش فقط در حال تولید کارما بود و آن را پرداخت نکرده بود. شادی چیزی است که مردم عادی طلب می‌کنند. اگر تزکیه‌کنندگان اندکی زجر نکشند، قادر نخواهند بود کارمایی که قبلاً ایجاد کردند را باز بپردازند. بعلاوه، قادر خواهند بود طرز فکر خود را ارتقاء دهند، و بنابراین آن تزکیه خواهد بود.

پرسش: چه زمانی مریدانی که به شیوه صومعه‌ای تزکیه می‌کنند وجود خواهند داشت؟

استاد: این را نمی‌گویم که نمی‌گذارم به عنوان یک راهب یا راهبه تزکیه کنید. برخی راهبانی که در مکان‌های مذهبی مستقر هستند، دافا را تزکیه می‌کنند. آن‌ها راهب شده بودند و نمی‌توانستند به یک زندگی دنیوی بازگردند. پس برای یک دوره زمانی خاص، این نوع از نظم و ترتیب وجود خواهد داشت. اما آن‌هایی که راهب یا راهبه نشده‌اند باید در جامعه غیرروحانی [همانطور که هست] تزکیه کنند. آنچه به شما داده‌ام مسیر تزکیه در جامعه عادی است.

پرسش: امیدوارم معلم بتواند چشم آسمانی را برای همه ما باز کند.

استاد: درباره این نیازی به صحبت نیست. همان‌طور که در تزکیه پیش می‌روید، و در خواندن کتاب پیش می‌روید، آن برای شما انجام می‌شود. هر آنچه که یک تزکیه‌کننده نیاز دارد، شامل باز کردن چشم آسمانی‌تان، برای شما انجام خواهد شد، اما این‌طور نیست که هر کسی مجاز خواهد بود ببیند.

پرسش: شوهرم در گذشته است، و من بسیار دلتنگ او هستم. چطور می‌توانم این احساس را رها کنم؟

استاد: برای شما «بسیار دلتنگ او بودن» احساس یک انسان عادی است، و فقط زمانی که آن را رها کنید می‌توانید تزکیه کنید. اصل ساده‌ای را برای شما نقل می‌کنم. انسان‌ها همگی به عواطف مردم عادی برای خانواده وابسته هستند. اما آیا می‌دانید چند بار در میان مردم عادی باز پیدا شده‌اید؟ چه تعداد والدین، برادر، زن، کودک، و شوهر داشته‌اید؟ هنگام بازپیدایی در میان مردم عادی، در هر زندگی این‌گونه دلتنگ اعضای خانواده‌تان شده‌اید. آیا می‌توانید تمام مدت درباره همه آنها فکر کنید؟ کدام یک عضو واقعی خانواده‌تان هستند؟ خانواده واقعی شما فقط در مکانی است که زندگی‌تان در آنجا خلق شده بود؛ آن‌ها در انتظارتان هستند که بازگردید، اما در عوض شما اینجا گم شده‌اید و به این چیزهای موقتی چسبیده‌اید.

چیزی هست که برای همه شما صدق می‌کند، و این است که، چه به یک خانواده بیایید، یا به دنیا بیایید، صرفاً مانند اقامت در یک هتل است: فقط مدت کوتاهی برای یک شب می‌مانید، و سپس روز بعد سریعاً خارج می‌شوید. در زندگی بعدی چه کسی کسی را می‌شناسد؟ در میان اطرافیان‌تان شوهرانی هستند که در زندگی‌های قبلی خود مهربانانه به آنها عشق می‌ورزیدید و سایر اعضای خانواده‌تان هستند. آیا آن‌ها را می‌شناسید؟ آیا آن‌ها شما را می‌شناسند؟ آنچه درباره‌اش سخن می‌گوییم اصولاً هستند. منظورم این نیست که نسبت به والدین خود رابطه فرزندی نداشته باشید، بلکه می‌خواهم شما را قادر سازم آن احساسات بشری را رها کنید. اگر هر گونه احساساتی دست و پای شما را ببندد، نمی‌توانید تزکیه کنید. به شدت شما را محدود می‌کند تا از تزکیه شما جلوگیری کند، و مانع از این می‌شود که یک بودا بشوید. با صحبت از این زاویه، آیا آن نسبت به شما همچون یک اهریمن رفتار نمی‌کند؟ آیا از بودا شدن شما جلوگیری نمی‌کند؟ هنوز نمی‌دانید چه چیزی در کار است. اگر شخصی که در گذشته است هنوز این چنین شما را نگه می‌دارد، پس دلیل بیشتری برای شما وجود دارد که آن [احساس بشری] را رها کنید. من در حال تشریح اصول به شما هستم؛ سعی می‌کنم به شما کمک کنم چیزها را درک کنید. اگر یک شخص عادی غیر تزکیه‌کننده هستید و برای افرادی که در گذشته‌اند همیشه احساس ناراحتی و رنج دارید، پس زندگی‌تان شاد نخواهد بود. زندگی بشری بسیار کوتاه است. از منظر بهشت بوداها، اجتماع عادی حتی کوتاه‌تر است. وقتی دو بودا در حال صحبت هستند ممکن است شما را ببینند که متولد می‌شوید، و وقتی برمی‌گردند، بعد از چند کلمه دیگر، خواهند دید که هم‌اکنون دفن شده‌اید. آن قدر سریع است. فقط این‌طور است که انسان‌ها، در این میدان زمان مکان موجودات بشری، احساس می‌کنند که کاملاً آهسته است.

پرسش: گاهی اوقات مقداری افکار پریشان دارم. می‌دانم بد هستند، اما پاک کردن آنها بسیار سخت است. آیا اهریمن هستند؟

استاد: می‌دانید افکار پریشانی که دارید بد است، پس بهترین سعی خود را بکنید که آنها را دفع کنید. به شما می‌گویم وقتی موجودات بشری در این جهان زندگی می‌کنند اغلب این خود شخص نیست که در حال اندیشه است - واقعاً آن شخص نیست که در حال زندگی است. اگر به مردم امروز نگاه کنید، صرف‌نظر از آن که شخص اهل چه کشوری است، تمام روز مشغول هستند. چگونه زندگی می‌کند؟ به شما می‌گویم که در مورد برخی افراد در نیمی از اوقات واقعاً آن شخص نیست که در حال زندگی است، تا نقطه‌ای که در مورد برخی مردم آنها در واقع اصلاً خودشان نیستند.

مخصوصاً درباره مردم مدرن، آیا آن‌ها واقعاً می‌دانند چگونه زندگی می‌کنند؟ در این زندگی، از جوانی تا بزرگسالی، شخص «تجارب» بسیاری می‌اندوزد، و این «تجربیات» عقاید و تصوراتی را در ذهن شخص شکل می‌دهد. مردم فکر می‌کنند وقتی در مشکلی می‌افتند «تا وقتی به این شکل به آن رسیدگی می‌کنم قابل حل خواهد بود.» آنگاه بعد از مدتی، به این شیوه، عقاید و تصورات ثابتی شکل خواهند گرفت. می‌پندارید که به خوبی به بسیاری از چیزها رسیدگی کرده‌اید، اما شما خودتان دیگر وجود ندارید؛ به خواب رفته‌اید. آن «شما»یی که در جامعه عادی زندگی می‌کند - بدن فیزیکی‌تان - تحت سلطه آن عقاید و تصورات پس از تولد قرار گرفته است. انجام این، انجام آن، تمام روز در یک گنجی هستید، و تمام روزها را به این شکل می‌گذرانید. اما همه آن عقاید و تصورات ایجاد شده‌اند تا شما را از آسیب حفاظت کنند. اما اگر آسیب نبینید، نمی‌توانید کارما را باز پردازید؛ از راه‌هایی که نباید، بدست خواهید آورد؛ و به دیگران آسیب خواهید رساند؛ از این رو همیشه کارما تولید می‌کنید. و آن کارما زنده است، زیرا عقاید و تصورات پس از تولد و کارما، کارمای فکری را در مغز شکل می‌دهد. پس وقتی تزکیه می‌کنید، باید آن را

از بین ببرید. به این دلیل که وقتی تزکیه می‌کنید، نمی‌توانید [آن چیزها] را تزکیه کنید. نمی‌خواستید به جای خودتان [آن چیزها] را تزکیه کنید، و البته من نیز آن را نمی‌خواهم.

می‌گذارم شما یک بودا شوید، می‌گذارم تزکیه کنید، و در تزکیه باید از عقاید و تصورات پس از تولد خلاصی یابید و کارمای فکری که جایگزین شما می‌شود را پاک کنید. پس درباره آن فکر کنید، اگر بخواهید آن چیزها را پاک کنید، آن‌ها زنده‌اند، و آن را تحمل نخواهند کرد. دقیقاً چون آن‌ها در مغزتان هستند، سعی خواهند کرد تفکرتان را متزلزل کنند، تفکرتان را ناستوار سازند، سبب شوند فا را مطالعه نکنید، به فا باور نداشته باشید، و شما را برانگیزند این یا آن را انجام دهید، تا نقطه‌ای که به طور نادانسته اشتباه کنید. شما پیش از آن که تزکیه را برگزینید آن کارما را با لعن و دشنام به مردم و فکر کردن در مورد چیزهای بد شکل داده‌اید. بسیار خوب، پس کارمای فکری کلمات لعن و دشنام را به افکارتان القاء خواهد کرد، سبب می‌شود به این فا باور نداشته باشید، یا حتی مرا لعن کنید. این را اشتباه شما در نظر نمی‌گیرم زیرا این شما نیستید که مرا لعن می‌کند؛ وگرنه گناهتان عظیم می‌بود. کارمای فکری شما مرا دشنام می‌دهد، اما در تزکیه باید آن را پاک کنید وگرنه به‌عنوان اینکه شما به من دشنام می‌دهید به شمار می‌رود. بنابراین، تا وقتی آن را پاکسازی می‌کنید و رد می‌کنید، خواهید دانست که آن شما نیستید که دشنام می‌دهد و صرفاً کارما در کار است، اهریمنان در کارند. تلاشمان را صرف از بین بردن آن می‌کنیم و کاری می‌کنیم که خودتان بیابید. هم‌اکنون اکثریت مردمی که در این جهان زندگی می‌کنند واقعاً خودشان نیستند که زندگی می‌کنند. آن‌ها برای خاطر طرز تفکرشان و عقاید و تصورات شکل گرفته پس از تولدشان زندگی می‌کنند.

پرسش: پدیده‌های آسمانی چه هستند؟ در چه سطحی تزکیه‌کنندگان مجاز به دریافت اشاراتی از پدیده‌های آسمانی نیستند؟

استاد: پدیده‌های آسمانی اشاراتی برای مردم ندارند. در حال حاضر تنها حیواناتی که هوش به دست آورده‌اند، در طول این دوره زمانی که این مکان بشری بد شده است، کارهایی برای کنترل انسان‌ها انجام می‌دهند. خدایان در آسمان‌ها برای بشریت یک دیسک بزرگ نصب کرده‌اند که می‌چرخد. بر روی آن، اینکه چه وضعیت‌هایی برای جامعه بشری پیش خواهد آمد و در چه زمان‌هایی، تنظیم شده است. بعد از آن که تا زمان خاصی می‌چرخد، اتفاق خاصی به‌طور ناخواسته برای بشریت پیش می‌آید. و آن چیزی است که به‌عنوان «تغییر در پدیده آسمانی» به آن اشاره می‌شود.

پرسش: استاندارد برای «بازپیدایی» چیست؟

استاد: آیا بازپیدایی یک استاندارد دارد؟ در بازپیدایی، یک حیات شاید در این دوره زندگی یک انسان و در زندگی بعدی یک حیوان، یا شاید به یک گیاه تجلی یابد. در هر حال، شخص می‌تواند به هر چیزی بازپیدا شود. آنچه شخص به آن بازپیدا می‌شود بستگی به مقدار کارمای شخص دارد.

پرسش: آیا شخص می‌تواند با داشتن توانایی دانستن سرنوشت، آینده را پیش‌بینی کند؟

استاد: آیا شخص می‌تواند با داشتن توانایی دانستن سرنوشت آینده را پیش‌بینی کند؟ با توانایی دانستن سرنوشت، شخص می‌تواند کل زندگی یا چندین زندگی فرد را بداند، شاید حتی بیشتر. برخی مردم حتی می‌دانند از کجا آمده‌اند. آن‌ها همچنین می‌توانند بدانند آینده شخص چگونه است. یک شخص نه فقط درباره خودش می‌داند، بلکه می‌تواند درباره دیگران نیز بداند. این توانایی دانستن سرنوشت است.

پرسش: بوداها و بودی‌ساتواها چقدر می‌توانند چیزها را در گذشته بدانند؟ چقدر در آینده؟

استاد: فقط وقتی شخصی هیچ کوتاهی و غفلی ندارد می‌تواند به یک بودا یا یک بودی‌ساتوا تزکیه کند، و شخص بدون هیچ کوتاهی و غفلت همه چیز را می‌داند. شما نمی‌توانید این چیزها را به‌عنوان دانش در نظر بگیرید و در طلب آنها باشید، و من

نمی‌توانم این پرسش‌ها را پاسخ داده و توضیح دهم. برخی افراد اغلب از من می‌پرسند: بوداها چگونه زندگی می‌کنند؟ انسان‌ها مطلقاً نمی‌توانند بدانند بوداها چگونه زندگی می‌کنند. اگر می‌خواهید بدانید بوداها چگونه زندگی می‌کنند، پس تا یک بودا تزکیه کنید. برخی افراد بهشت سعادت غایی، بهشت فالون، یا بهشت‌های دیگر را دیده‌اند. آن شکلی است که در سطح‌تان به شما نشان داده می‌شود. اگر بخواهید کاملاً وضعیت حقیقی چیزها را در آنجا ببینید، باید به استاندارد یک بودا دست یابید؛ فقط در آن صورت می‌توانید تصویر حقیقی آن را ببینید. صرفاً مانند این قانون است: وقتی از این سطح به آن نگاه کنید، آن اصول فای این سطح است، و وقتی به آن از سطح دیگری نگاه کنید، آن اصول فای آن سطح است. نمی‌تواند تصویر حقیقی چیزها در سطوح بالا را به کسانی که در سطوح پایین هستند آشکار کند. این اصلی از کیهان است.

پرسش: بوداهای تقلبی ساخته‌شده از طریق عبادت سرانجام با چه پایانی روبرو می‌شوند؟

استاد: آن توسط این که تا چه حدی خوب یا اهریمنی باشند مشخص می‌شود. آن‌هایی که آشفتگی را به جامعه و کیهان می‌آورند از بین برده خواهند شد. البته، نمونه‌های خوبی هم وجود دارند که راه فراری به آنها داده می‌شود، و باز پیدا می‌شوند. هر چیزی نظم و ترتیبی دارد.

پرسش: آیا روش نظام‌مندی برای تزکیه شین‌شینگ وجود دارد؟

استاد: فایه‌ای که به شما داده‌ام نظام‌مندترین است. هیچ چیز نظام‌مندتری وجود ندارد. بروید و جوآن فالون را بخوانید.

پرسش: «چاقوی قصابی را کنار بگذارید، و همان لحظه یک بودا شوید.» این چیزی است که در بودیسم گفته شده است. در مدرسه فالون چه چیزی گفته شده است؟

استاد: آن‌ها کلمات شاکيامونی نیستند. توسط مردم در زمانی بعد از آن گفته شده‌اند. [بخاطر چیزهای شبیه این] سخت است که در دوره پایان دارما در بودیسم تزکیه کرد. کلماتی که از جانب بودا نیستند به‌عنوان کلماتش در نظر گرفته شده‌اند. مردم مدرن نمی‌دانند چه چیزی در جریان است، چراکه آن‌ها حقایق بوداها نیستند. فقط چاقوی‌تان را زمین می‌گذارید و بدون در نظر گرفتن اینکه چه تعداد از مردم را احتمالاً کشته‌اید بودا می‌شوید- چطور می‌تواند آن‌گونه باشد؟ مردم خوب هنوز باید تزکیه کنند. آیا این درست نیست؟ البته، معنای نهفته در این گفته احتمالاً این است که از حالا به بعد کارهای بد انجام ندهید؛ شاید این معنی را دارد، اینکه، تزکیه را شروع کنید. اما با بوداها بسیار فاصله دارد.

پرسش: آیا می‌توانید «بدن بزرگ خواهد شد» را توضیح دهید؟

استاد: تفکر تزکیه‌کنندگان و ظرفیت و حجم بدن‌شان وسعت خواهد یافت. پس گاهی اوقات وقتی حالت ایستاده را انجام می‌دهید احساس خواهید کرد انگار بلند و بزرگ شده‌اید. برخی افراد دیگر احساس خواهند کرد انگار بسیار کوچک شده‌اند، زیرا آن بدنی که کاملاً تزکیه شده است می‌تواند بزرگ یا کوچک شود. بدن‌های تزکیه‌کنندگان واقعاً بزرگ خواهد شد. در غیر این صورت، در سطوح بالا قادر نخواهید بود درک واقعیت کیهان را تحمل کنید. در تزکیه بدن شخص در هر بُعد بزرگتر و بزرگتر می‌شود. بدن فیزیکی من که اینجا نشسته است فقط به اندازه‌ای است که آن را می‌بینید، اما بدن‌های من در بُعدهای دیگر یکی بعد از دیگری بزرگتر و بزرگتر می‌شوند. آن‌ها به قدری بزرگ هستند که آن‌هایی که اینجا نشسته‌اند و چشم آسمانی‌شان باز است می‌توانند در بهترین حالت فقط پایین انگشتانم را ببینند، نه بالای آن‌ها را. و این حتی بزرگ‌ترین نیست. البته، این برای خودنمایی نیست؛ سخن دروغی میان یک استاد و مریدانش وجود ندارد. می‌توانم به شما بگویم حجم بدن‌های تزکیه‌کنندگان واقعاً در حال بزرگ شدن است. به یاد می‌آورم یک یوگی هندی یک نقاشی داشت، و در نقاشی «آن فخر جهان» (به‌گاون) در حال صحبت با مریدانش بود، می‌گفت، «نگاهی بیندازید، تمام خدایان در میان بدنم هستند.» هزاران خدا در نقاشی همگی درون

بدنش بودند. در تزکیه، هدف، تزکیه به خدا [شدن] است. اندازه یک خدا اندازه سطح آن خدا است و ارتفاع مقام دستیابی او است. از این رو بدن‌های الهی با مقام‌های دستیابی و سطوح آنها تطابق دارند.

پرسش: مایلم بپرسم؛ در این سفر به آمریکا آیا برای برگزاری یک سمینار نه روزه سخنرانی فا در حال برنامه‌ریزی هستید؟

استاد: خیر، نیستم. دلیل آن است که این فا کاملاً توضیح داده شده است. از زمانی که جوآن فالون بیرون آمده است به شیوه‌ای نظام‌مند صحبت نکرده‌ام. آن به این دلیل است که همان‌طور که بیشتر صحبت می‌کنم کلمه به کلمه جوآن فالون را دنبال نمی‌کنم. وقتی کلاسی ارائه می‌دهم متنی ندارم. براساس شرایط متفاوت شاگردان صحبت می‌کنم، و همان پرسش را از زوایای متفاوت مورد اشاره قرار می‌دهم، پس هر بار متفاوت است. پس اگر مجدداً سمینارها را برگزار کنم و به صورت نظام‌مند درباره فا سخنرانی کنم با شاگردان که مطابق جوآن فالون تزکیه می‌کنند مداخله خواهد کرد. به خاطر اینکه پی برده‌ام که حتی با یک پرسش، هرچه بیشتر درباره آن صحبت کنم، بالاتر خواهم رفت، چون می‌خواهم شاگردان بیشتر و بیشتر درک کنند (تشویق)، پس چیزهایی که گفته شده‌اند با تزکیه شاگردان مداخله خواهند کرد. فا نیز هم‌اکنون چاپ شده‌است، و از این رو نمی‌توانم مجدداً کلاس‌های نظام‌مند ارائه دهم. اما تا زمانی که برطبق جوآن فالون تزکیه کنید یکسان خواهد بود. همان‌طور که تزکیه می‌کنید پاسخ‌گویی به پرسش‌های خاصی که دارید مثل کاری که امروز در حال انجام هستیم، خوب است.

پرسش: با بسیاری از مردم در سراسر جهان، معلم چطور می‌داند چه کسی در حال تزکیه است؟

استاد: افکار و درک‌های تزکیه در قلمروهای بالا متفاوت از آنهایی است که در قلمروهای پایین است. آن متفاوت از چیزی است که با افکار بشری تان تصور کردید. در طول دوره تزکیه، وقتی افراد به سطح خاصی رسیده باشند، می‌توانند بدن‌های قانون تولید کنند، و حتی بدن‌های قانون بیشماری تولید می‌کنند. بدن‌های قانون به بدن اصلی (که ارشد اصلی نیز نامیده می‌شود) کمک خواهند کرد که وظایف هدایت و حفاظت از مریدان را کامل کنند؛ آن‌ها کارهای بخصوص زیادی انجام می‌دهند. بدن‌های قانون تجلی خرد من هستند. این نوع از خرد، شکل الهی خودش را دارد. ساده بگوییم، آن‌ها خود من هستند. بنابراین، بدن‌های قانونم تصویر کلی و تفکر خود من را با خود دارند. آن‌ها می‌توانند هر کاری را انجام دهند، اما هیچ تفاوتی با بدن اصلی من ندارند. اما زیر این سطح کسی نمی‌تواند این ارتباطات درونی را ببیند؛ فقط پس از آن که کسی از این سطح فراتر برود می‌تواند آن را ببیند. در مورد جزئیات امور، آن‌ها را همان‌طور انجام می‌دهند که من شخصاً انجام می‌دهم، زیرا آن‌ها تجسم ملموسی از افکار من هستند.

پرسش: چگونه «هیچ در طلب بودنی نداشتن و به صورت طبیعی بدست آوردن» با «هدف ماندن نداشتن و از آنجاست که قلب شخص می‌آید» تناسب دارد؟

استاد: درخصوص توضیح متون بودیستی در تزکیه دافا، فکر نمی‌کنم خیلی مناسب باشد. با صحبت در زمینه‌ای کوچکتر، آنچه شاکيامونی می‌گوید چیزهای مدرسه خودش است. آنچه ما این جا داریم چیزهای مدرسه من است. این جا مسئله‌ای از تمرین نکردن در دو روش تزکیه وجود دارد. با صحبت در مضمونی بزرگتر، فای مختلف همگی از دافا می‌آیند، و عناصر پیچیده بسیاری وجود دارند که شما درباره آنها نمی‌دانید. پس هرگز نمی‌خواسته‌ام عبارات و مفاهیم داخل بودیسم را توضیح دهم. گاهی به صورت گذرا اندکی می‌گویم، یا مثالی ارائه می‌دهم، اما آن صرفاً من هستم که در حال سخنرانی درباره فا هستم. به همگی شما نصیحت می‌کنم که اگر چیزهای مذهبی در سرتان است باید، حالا که فالون دافا را تزکیه می‌کنید، به سرعت آن‌ها را کنار بگذارید و خودتان را پاک کنید. در غیر این صورت آن‌ها به صورت جدی با شما مداخله خواهند کرد. بعلاوه، شما از چیزهای بودیسم برای قضاوت آنچه می‌گویم استفاده می‌کنید، و قادر به تزکیه نخواهید بود. در بودیسم آن‌ها نیز درباره تمرین نکردن در دو روش تزکیه صحبت می‌کنند. حالا «دوره بی‌نظمی قانون از [دوره] پایان دارما» است. همگی باید مراقب باشید.

با صحبت درباره تمرین نکردن در دو روش تزکیه، در واقع، چه تعداد مردم در مذاهب می‌توانند به‌طور واقعی معنای این را بفهمند؟ مردمی در مذاهب هستند که صرفاً همه چیز را تزکیه می‌کنند. راهبان، بودیسم ذن و تانتریسم را همزمان تزکیه می‌کنند، و تمام انواع متون را می‌خوانند. و در بودیسم سرزمین پاک در مورد چیزهای بودیسم ذن صحبت می‌کنند. اما وقتی در یک مدرسه تزکیه می‌کنید، باید متون آن مدرسه را بخوانید؛ و تمام متون، آن‌هایی نیستند که شاکیامونی گفت. اگر سوترای *آواتامساکا* را بخوانید، بعد از کامل شدن تزکیه به بهشت *آواتامساکا* خواهید رفت. اگر سوترای *آمی‌تابا* را بخوانید، به بهشت سعادت غایی خواهید رفت. در طول زمان مردم به این فکر رسیده‌اند که تمام متون، متون شاکیامونی هستند. اما پس از آن که شروع به مخلوط کردن روش‌های تزکیه می‌کنید دیگر هیچ بودایی از شما مراقبت نخواهد کرد. باور مردم مدرن به بودا تماماً یک دیدگاه را به اشتراک می‌گذارد: فکر می‌کنند آن‌ها همگی بودا هستند، پس آیا پرستش همه آن‌ها خوب نیست؟ و از آنجاکه تمام آن‌ها کتاب‌هایی از بوداها هستند، آیا خواندن همه آن‌ها خوب نیست؟ آن‌ها نگرش‌های بشری هستند.

می‌دانید، چرا یک شخص با خواندن *جوآن فالون* می‌تواند به بهشت فالون برود یا یک فالون و چیزهای دیگری که از این مدرسه سزاوارش است را بدست آورد؟ متون مذهبی همان‌طور هستند- شما در حال تزکیه در آن مدرسه هستید، پس در حال به دست آوردن چیزها از آن مدرسه هستید. پس خدایان از آن روش تزکیه، چیزهای آن مدرسه را در بدن‌تان خواهند گذاشت. پس اگر متون این مدرسه را نیز بخوانید، و این مدرسه نیز چیزهایی از این مدرسه بدهد؛ و اگر چیزها از تمام مدارس بیابند، آنگاه بدن‌تان یک آشفتگی خواهد بود. چگونه تزکیه خواهید کرد؟ به‌عنوان مثال، اگر جزئی از یک ماشین لباس‌شویی در یک تلویزیون قرار می‌گرفت، پس طوری که من آن را می‌بینم، آن تلویزیون قادر به نمایش هیچ چیزی نمی‌بود. به آن سادگی و راحتی که مردم می‌پندارند نیست.

تزکیه یک فرمول تکامل پیچیده و بی‌نهایت جدی برای صعود گونگ و وجود شخص است. آن بسیار دقیق‌تر از هر ابزار دقیق نوع بشر است. پس، چیزهای تزکیه نمی‌توانند باهم مخلوط شوند، و با هم مخلوط نخواهند شد. به محض اینکه یک نفر کارها را به آن شکل انجام دهد، و به محض اینکه بوداها می‌بینند شما در حال تزکیه در هر دوی این و آن هستید، چیزهای مدرسه‌شان را به شما نخواهند داد. این یک مشکل *شین‌شینگ* در سمت تزکیه‌کننده است. چیزهای یک بودا تاتاگاتا از طریق گذر از دوره‌های زندگی تزکیه طاقت‌فرسا تزکیه شده‌اند، و آنها بهشت او را تشکیل می‌دهند. بهشت او از آن عناصر تزکیه تشکیل شده است. شما فقط یک موجود بشری هستید، و می‌خواهید عمداً آن‌ها را تغییر دهید؟ بعلاوه، تزکیه در دو روش تزکیه معادل آسیب زدن شما به قوانین دو بودا است، و تزکیه در سه روش تزکیه معادل آسیب رساندن به قوانین سه بودا است. آیا آن یک گناه نیست؟ برخی مردم می‌گویند نمی‌دانستند. بسیار خوب، دقیقاً بخاطر اینکه نمی‌دانستید، بوداها چیزی به شما نمی‌دادند؛ نمی‌گذارند مرتکب این گناه شوید. این علت ریشه‌ای تمرین نکردن در دو روش تزکیه است. مردم نمی‌دانند، و فکر می‌کنند که هرچه بیشتر به [این شیوه مخلوط‌شده] مطالعه کنند بیشتر می‌توانند دانش خود را وسعت دهند. این یک وابستگی است.

تزکیه یک مدرسه صرفاً تزکیه کردن در آن مدرسه است: بودیسم ذن، بودیسم ذن است؛ سرزمین پاک، سرزمین پاک است؛ هوآیان، هوآیان است؛ تیان‌تای، تیان‌تای است؛ و تانتریک، تانتریک است. و در میان تمرین‌های تانتریک نیز تزکیه نمی‌تواند مخلوط شود؛ شاخه سرخ آن، شاخه سرخ است، و شاخه سفید آن، شاخه سفید است. این چیزی است که شخص مطلقاً نمی‌تواند خطا کند. تزکیه جدی‌ترین و جدی‌ترین چیز است. در دنیای بشری چیز جدی‌تری وجود ندارد. زیرا آن باشکوه‌ترین است، قطعاً باید با آن به‌عنوان جدی‌ترین رفتار شود. البته، شما را مجبور به خواندن فالون گونگ نمی‌کنم. اگر احساس می‌کنید می‌توانید در برخی دیگر از مدارس بودیسم به کمال برسید، پس بروید و آن را مطالعه کنید. اما اگر چیزها را به‌وضوح توضیح ندهم آن‌گاه در برابر شما غیرمسئول هستم. از آنجاکه شما رابطه تقدیری دارید که این‌جا می‌نشینید، به شما خواهم گفت: مذاهب در دوره پایان دارما هستند و حتی برای راهبان و راهبه‌ها دشوار است که تزکیه کنند. می‌توانید از آن راهبان یا راهبه‌ها بپرسید: آیا می‌توانید به کمال برسید؟ من همه چیز را می‌دانم، و درخصوص راهبان و راهبه‌ها در دنیا، یا در سرتاسر دنیا، آن‌هایی که می‌توانند فای‌دنیای سه‌گانه را ترک کنند، آن‌هایی که می‌توانند اولین دستیابی آرهای را به دست آورند، صرفاً تعداد بسیار اندکی هستند. بعلاوه، آن‌ها هنوز یک پا داخل در و یک پا بیرون دارند- آن هنوز تزکیه روح کمکی است. در واقع، آن‌ها منتظر بودا هستند که بیاید.

می‌خواهید که او شما را نجات دهد. اما شما را به کجا نجات دهد؟ اگر شخص یک آرهای باشد، او هنوز باید تا بهشت بودا تزکیه کند، و اینکه بودا او را بخواهد یا نه بستگی به بودا دارد. به کجا می‌تواند شما را نجات دهد؟

پرسش: معلم گفتند که انجام تمرین‌ها در سطوح بالا کاملاً خودکار است. [آیا آن درست است؟]

استاد: در چین، وقتی چی‌گونگ اولین بار پدیدار شد افرادی بودند که می‌گفتند چی‌گونگ نمی‌تواند شخص را قادر سازد به کمال برسد، زیرا چی‌گونگ در آن زمان اشاعه یافت تماماً به سطح شفا دادن بیماری‌ها و حفظ تندرستی تعلق داشت. هم‌اکنون چیزی گفتیم، یعنی، چی‌گونگ در واقع در حال هموار کردن راه برای اشاعه فالون دافای من بود. اگر چی‌گونگ شروع به اشاعه یافتن نکرده بود، برای من سخت‌ترین کار می‌بود که امروز دافا را اشاعه دهیم. اگر امروز بتوانم آن را در سخت‌ترین جامعه اشاعه دهیم، آن‌گاه هنگامی که در آینده [بیشتر] اشاعه می‌یابد نباید با مشکلاتی مواجه شود.

برخی مردم می‌گویند چی‌گونگ راهی است که قصد (یو وی) دارد، و شاکيامونی گفت راه‌هایی که قصد دارند همراه‌کننده هستند و نمی‌توانند شخص را قادر سازند به کمال برسد. در واقع، کسانی که [درباره چی‌گونگ] آن‌طور می‌گویند نمی‌دانند «قصد داشتن» چه معنایی دارد. آن‌ها می‌گویند حرکات تمرین قصد را در پی دارد. اما بسیاری از تمرین‌های دائوئیستی حرکاتی دارند، و دائوئیست‌های بزرگی که از طریق آن‌ها تزکیه می‌کنند کاملاً والا هستند - [دائویی به نام] «دائوی بزرگ سرمنشأ» بسیاری از موجودات حتی والاتر از خدایان و بوداهای متوسط را تزکیه کرده است. این‌طور نیست که داشتن تمرین قصد داشتن باشد. در این میان، تمرین‌های تانتریک، مردم را به انجام مودراها و می‌دارد. راهبان در چین مودراهای گوناگونی اجرا می‌کنند، و تمرین دو پا ضربدر و یک پا ضربدر را انجام می‌دهند. آیا آن‌ها حرکات نیستند؟ آیا قصد داشتن یا نداشتن چیزی صرفاً موضوعی از این است که چه تعداد تمرین وجود دارد؟ آن چیزی نیست که «قصد داشتن» معنی دهد. «قصد داشتن» اشاره دارد به این که همان‌طور که یک شخص در تزکیه پیش می‌رود به چیزهایی وابستگی داشته باشد و نگذارد رها شوند. افرادی مانند این، درباره مسائل بشری صحبت می‌کنند و سپس افرادی وجود دارند که به دنبال روش‌ها، مهارت‌ها، و هنرهای جادویی می‌گردند و به اشتباه فکر می‌کنند این‌ها می‌توانند به شخص کمک کنند بالا بروند. آن‌ها تزکیه وابستگی‌ها را چیزی بنیادین در نظر نمی‌گیرند، و مهارت‌های کوچک را طلب می‌کنند، و کارها را از روی قصد انجام می‌دهند. برخی راهبان و راهبه‌ها سعی می‌کنند پول بدست آورند، معابد بیشتری بسازند، به جامعه سود برسانند، و در سیاست شرکت کنند، و آن چیزی است که قصد داشتن معنی می‌دهد. تزکیه برای آن چیزها واقعاً همراه‌کننده است، و هر کسی چنین کند هدف تزکیه‌اش را گم کرده است. آیا آن چیزها می‌توانند شخص را قادر کنند به کمال برسد؟ «من معابد بسیار زیادی برای بوداها خواهم ساخت و مسیر در پشتی را پیش می‌گیرم - این به من اجازه بالا رفتن می‌دهد.» پس، چگونه می‌تواند آن‌طور باشد؟ اگر آن احساسات مردم عادی‌تان از بین نرفته بودند جرأت نمی‌کردید در قلمروی یک خدا بمانید، حتی اگر آن‌جا قرار می‌گرفتید. در مقایسه با خدایان و بوداهای مقدس، بلند مرتبه، و پاک، آن قدر شرمسار می‌بودید که جرأت نمی‌کردید چهره‌تان را هیچ‌کجا نشان دهید. خودتان تشخیص می‌دادید که نمی‌بایست آن‌جا باشید، زیرا قلمروی فکری‌تان بسیار کمتر از حد لازم می‌بود، و خودتان پایین می‌رفتید. حرکات تمرین برابر با داشتن قصد نیست؛ در واقع داشتن وابستگی‌های بشری چیزی است که «داشتن قصد» است.

گفته‌ام در تزکیه فعالیت‌های فکری می‌توانند به سادگی سبب مشکلات شوند، و بنابراین باید بهترین تلاش‌تان را بکنید که افکاری نداشته باشید، قصدهایی نداشته باشید. تمام اشیاء و مواد، زنده هستند و در بُعدهای دیگر حیات دارند. در مورد مکانیزم‌های تزکیه که برای‌تان نصب کرده‌ام، همان‌طور که تمرین‌ها را انجام می‌دهید آن مکانیزم‌ها را تقویت می‌کنید. وقتی آن مکانیزم تا حد خاصی تقویت شده باشد، به صورت خودکار می‌چرخد. وقتی تمرین‌ها را در زمان پیش‌رو انجام می‌دهید، هر بار که آن‌ها را نه بار انجام می‌دهید [مکانیزم‌ها] تقویت خواهند شد و قوی‌تر و قوی‌تر می‌شوند. در نهایت درمی‌یابید که نیازی به شمردن ندارید و صرفاً تمرین‌ها را انجام می‌دهید؛ وقتی به نهمین بار می‌رسید [مکانیزم‌ها] خودشان چرخ را هل می‌دهند، و در نهمین بار خودشان به جبهه‌بین می‌روند. در آن نقطه حتی دیگر نیازی به شمردن ندارید.

پرسش: آیا هرکسی می‌تواند بداند که ورای فای دنیای سه‌گانه رفته است؟

استاد: برخی افراد بنیان‌های بسیار والایی دارند، و بنابراین برای تضمین اینکه بتوانند به مکان اصلی خود بازگردند، چیزی نمی‌تواند به آنها گفته شود. اگر حتی اندکی به آن‌ها گفته شود، به مسیرشان آسیب خواهد رساند و آن‌ها را در بازگشت به موقعیت اصلی‌شان ناتوان می‌سازد. از این رو، باید چیزها را مبنی بر شرایط متفاوت هر فرد تعیین کنیم. گرچه زمان‌هایی هست که آن می‌تواند آشکار شود و برخی افراد می‌توانند بدانند.

پرسش: در آینده، مریدان راهبی که در محیطی مذهبی تزکیه می‌کنند باید بروند و برای غذا در میان مردم عادی گدایی کنند. آیا «آینده» به این دوره بشریت اشاره دارد یا به یک زمان نزدیک در آینده؟

استاد: راهب‌ها و راهبه‌ها متفاوت از مردم عادی هستند. به آن‌ها می‌گویم که مشابه سایر مریدان دافا تزکیه کنند و به مقام دستیابی حتی بزرگ‌تری اعتبار بخشند؛ و در نتیجه این برای آن‌ها محیطی فراهم می‌کند که در آن می‌توانند تقوای حتی عظیم‌تری ایجاد کنند.

پرسش: مردم چگونه می‌توانند بدانند که آیا بدن‌های قانونی دارند که از آن‌ها محافظت می‌کند یا فالون‌هایی درون بدن‌شان دارند؟

استاد: درباره فالون، برخی افراد حساس هستند و می‌توانند آن را احساس کنند، و برخی حساس نیستند و بنابراین نمی‌توانند آن را احساس کنند. این طور نیست که هر کسی می‌تواند آن را احساس کند. برای آن‌هایی که می‌توانند چرخش فالون را حس کنند، به محض اینکه فالون در بدن آنها ثابت شود سخت خواهد بود که آن را حس کنند. آن همچون تپش قلب‌تان است: اگر آن‌جا را لمس نکنید آیا می‌توانید تپیدن قلب خود را حس کنید؟ وقتی بخشی از بدن‌تان می‌شود قادر نخواهید بود آن را حس کنید، اما برخی افراد در شروع نیز آن را احساس نکردند. به این دلیل است که بدن آنها حساس نیست. اهمیتی ندارد. بدن افراد بسیار پیچیده است، و هر کسی متفاوت است.

پرسش: شخص جوانی را فرض کنید که می‌خواست تا کمال تزکیه کند و فوراً به پادشاهی آسمانی رفت. سپس نتوانست مسئولیت‌های نهایی که به والدین یا فرزندان می‌دین بود را کامل کند. پس آیا آن باقی گذاشتن سختی‌ها برای دیگران نیست؟

استاد: دقیقاً به این خاطر که در حال حاضر به کمال نرسیده‌اید و به این خاطر که چنان افکار سطح بالایی را ندارید است که افکار عادی را برای پرداختن به این پرسش به کار می‌برید. به محض اینکه شخص به آن قلمرو می‌رسد، درک او از همه چیز متفاوت خواهد بود. بخاطر تقوای عظیم ایجادشده در طول تزکیه‌اش، هر چیزی در اطراف او تغییر خواهد کرد. در واقع، هرکسی تقدیر خودش را دارد، و کسی نمی‌تواند سرنوشت دیگران را تعیین کند. برخی افراد می‌گویند: «من فقط می‌خواهم فرزندانم خوب زندگی کنند.» اگر فرزندان‌تان نعمت و برکات نداشته باشند، اهمیتی ندارد چه مقدار ثروت خوبی برایشان باقی بگذارید، تمام آن را تلف خواهند کرد، یا در شعله‌های آتش دود خواهد شد، گم می‌شود، یا دزدیده می‌شود. به عبارت دیگر، اگر آنها بخت و اقبال خوب داشته باشند، می‌توانند آن را به ارث ببرند. هرکسی سرنوشت خودش را دارد، و هیچ‌کسی نمی‌تواند سرنوشت شخص دیگر را اداره کند. حتی اگر اعضای خانواده‌تان باشند، آنها در این زندگی اعضای خانواده‌تان هستند، اما در زندگی بعدی شاید خانواده شخص دیگری باشند؛ و به همین ترتیب، در زندگی گذشته نیز ممکن است اعضای خانواده شخص دیگری باشند. پس هر کسی تقدیر خودش را دارد. پس اگر از دیگران بخواهیم که طور خاصی باشند، قطعاً عملی نخواهد بود، زیرا زندگی بشری نه توسط انسان‌ها، بلکه توسط خدایان تنظیم شده است. چنین چیزی نیست که گویی شما آن‌ها را در رنج رها می‌کنید، زیرا این چیزها مدت‌ها پیش نظم و ترتیب داده شده‌اند. هیچ‌کدام از این چیزها آن طور که فکر می‌کنید نیستند. وقتی در آن قلمرو نیستید، مانند

مردم عادی به موضوعات نگاه می‌کنید. درواقع، [تصور کنید] چه مقدار تقوای عظیم در تزکیه تا یک خدا یا بودا شامل شده است. همان‌طور که در تزکیه پیش می‌روید، مسائل بعد از آن، نظم و ترتیب داده خواهد شد.

پرسش: وقتی تمرین‌ها را انجام می‌دهم، سرم به اطراف تکان می‌خورد.

استاد: چیزهای این‌چنینی پدیده‌های خوبی هستند. وقتی کانال‌های انرژی یک شخص در حال باز شدن هستند، سرش توسط انرژی تاب خواهد خورد. درواقع، وقتی شخص تمرین‌ها را انجام می‌دهد، پدیده‌های زیادی بروز خواهند کرد، بیش از ده هزار از آن‌ها. اهمیتی ندارد چه چیزی ظاهر می‌شود، باید با آن به درستی رفتار کنید. مسیر تزکیه سرشار از آزمون‌های درک یک تزکیه‌کننده است. عناصر زیادی هستند که گونگ را شکل می‌دهند. سطح ظاهری شخص نسبت به الکتریسیته حساس‌ترین است. در مراحل اولیه، وقتی گونگ در حال شروع به اثرگذاری است، هرگاه حتی اندکی حرکت می‌کند احساس ناراحتی خواهید کرد. گاهی وقتی چیزهای خوب را تزکیه می‌کنید گمان می‌کنید که مریض هستید، [و تعجب خواهید کرد] چرا احساس ناراحتی می‌کنید. اگر آن را این‌طور اداره کنید، چگونه می‌خواهید تزکیه کنید؟ شما یک تزکیه‌کننده هستید. باید همه آن‌ها را چیزهای خوبی در نظر بگیرید، و آن‌ها واقعاً خوب هستند. وقتی کانال‌ها انرژی در حال باز شدن هستند، احساس ناراحتی خواهید کرد، و در مکان‌های مختلف احساس درد خواهید کرد. تغییرات در بدن الزاماً خوشایند نیستند. گاهی اوقات همچون خزیدن حشرات زیادی در بدن‌تان به‌نظر می‌رسد، زیرا بیشتر از ده‌ها هزار کانال انرژی وجود دارند. و فقط این کانال‌ها نیستند، چون آن‌ها متقاطع هستند، و زمان‌هایی کل بدن احساس می‌کند که انگار یک جریان انرژی در حال عبور از میان آن است، یا گویی سرد، گرم، بی‌حس، سنگین، در حال چرخش و مانند این است. حالت‌های بسیار زیادی وجود دارند، و همگی باعث می‌شوند بدن‌تان احساس کاملاً ناراحتی و ناخوشی داشته باشد. اما آن‌ها چیزهای خوبی هستند. آن‌ها نتایج انرژی و تغییراتی هستند که در بدن رخ می‌دهند. اگر بخواهیم درباره احساسات خاص [مانند آنچه در پرسش‌تان است] صحبت کنیم، واقعاً تعداد بسیاری از آن‌ها وجود دارند. همه شما باید آن‌ها را به‌عنوان چیزهایی خوب در نظر بگیرید، و آن‌ها واقعاً چیزهای خوبی هستند.

پرسش: موجودات روشن‌بین، بسیار بدون مانع هستند. معلم در حال اشاعه قانون بزرگ است و می‌تواند در برابر بسیاری از شاگردان مسئول باشد. ما چگونه «بسیار بدون مانع» را تفسیر کنیم؟

استاد: اگر قرار است شما را نجات دهم، بدون مانع بودن جای بحث ندارد. من گناهان را برای شما تحمل می‌کنم، و گاهی کارما را برای‌تان پاک می‌کنم (تشویق). آن‌ها مانند بودا شاکيامونی و عیسی بود، مگر نه؟ برخی افراد می‌گویند: معلم، با توانایی‌های عظیمی که دارید، چطور می‌توانید هنوز مشکلاتی داشته باشید؟ درواقع سختی‌ها تماماً سختی‌های شما هستند. به‌عنوان مثال، بعد از آن‌که کارمای برخی شاگردان برداشته شود، اندکی سختی برای‌شان آن‌جا باقی می‌ماند و باید بر آن غلبه کنند، اما هنوز نمی‌توانند موفق شوند. اما نمی‌توانید شخص را نابود کنید چون بر آن بخش از مصیبت فائق نیامده است، بنابراین من برای او تحمل می‌کنم. به این شکل است که مشکلات با من مداخله می‌کنند.

نجات مردم به‌طور وحشتناکی سخت و طاقت‌فرسا است. من می‌دانم چرا عیسی به صلیب کشیده شد. همچنین می‌دانم چرا شاکيامونی انتخابی جز عبور از مسیر *نیروانا* را نداشت، و می‌دانم چرا لائو‌تزی باید باشتاب پنج‌هزار کلمه می‌نوشت و می‌رفت. اشاعه فای راستین بسیار سخت است. اگر شخصی چیزهای نادرست را اشاعه دهد هیچ‌کسی مداخله نخواهد کرد. پس از آن‌که سبب آشفتنگی شود درواقع به جهنم سقوط خواهد کرد و نابود خواهد شد، چراکه درواقع برای خودش آسیب به بار آورده است.

پرسش: چگونه اهریمنان آسمانی سطح بالا موجودات روشن‌بین کوچک و بزرگ را می‌شناسند، و چه کسی این گروه از اهریمنان را مهار می‌کند؟

استاد: خدایان، حتی خدایان بالاتری دارند که از آن‌ها مراقبت می‌کنند، و آن‌هایی که بالاتر هستند، [خدایان] حتی والاتری [دارند که از آن‌ها مراقبت می‌کنند]. اهریمنان یک تجلی از موجودات مثبت و منفی در جهان هستند. درک در سطوح بالا مثل درک در سطوح پایین نیست. وقتی کسی به سطح آرهای دست می‌یابد، تمام افکار بشری شخص خواهند رفت. بعد از آن که شخصی در می‌گذرد و وقتی از بدن (پوسته بشری) خارج می‌شود، همه کارهایی که در زندگی شخص انجام شده است - از جمله کارهای زمان سه سالگی او - به وضوح در مقابل چشمانش خواهد بود، گویی آن‌ها را درست یک دقیقه پیش انجام داد. به این دلیل که وقتی این بُعد و زمان را ترک می‌کنید، آن از اینجا در این بُعد و زمان متفاوت خواهد بود. همه چیز طوری به نظر می‌رسد که گویی درست یک دقیقه پیش انجام شده است. در آن زمان، هر کاری که شخص در زندگی انجام داده است، چه درست باشد یا اشتباه، خود شخص خواهد دانست. و در آن زمان برایش افسوس خواهد خورد. در آن زمان بخش محدودشده تفکر شخص باز خواهد شد، اما تفکرش متفاوت از خرد یک بود است زیرا خرد بودا حاصل توانایی‌های حتی عظیم‌تری است.

پرسش: چگونه برای بدن‌های قانون استاد [چیزهایی را] تقدیم کنیم؟

استاد: بدن‌های قانون، من هستند. بسیاری از افرادی که به بودیسم اعتقاد دارند عود می‌سوزانند، نام بودا را به صورت ذکر می‌خوانند، تعظیم می‌کنند، متون را می‌خوانند، هر روز بودا را عبادت می‌کنند. مراسم بسیار باوقار هستند. اما اگر، بعد از آن که مراسم را به اتمام برسانند، به روش‌های قدیمی خود برگردند، پس بی‌فایده است. دیگر مردم درک نمی‌کنند چگونه عبادت کنند و به بودا احترام بگذارند. یک تزکیه‌کننده در تزکیه سختی را به‌عنوان لذت در نظر می‌گیرد، تمام وابستگی‌هایش را از بین می‌برد، مهربان است و به پیشرفت توجه دارد، و بدون وقفه بطور کوشا در تزکیه پیشرفت می‌کند - و به شما خواهیم گفت، آن مرا بیش از انجام هرگونه مراسمی که انجام دهید شاد می‌سازد. زیرا همان‌طور که این فا را اشاعه می‌دهم هیچ پیش‌نیاز دیگری برای مردم ندارم. فقط از شما می‌خواهم که فا را کسب کنید، آنچه می‌خواهم دقیقاً از بین بردن آن احساسات بشری که دارید، و در پایان نجات دادن شما است.

البته، بدن‌های قانون بوداها نیز به غذا نیاز دارند. آن‌طور که انسان‌ها می‌گویند نیست: بوداها غذا نمی‌خورند. برخی مردم می‌گویند بوداها غلات و حبوبات را نمی‌خورند. چه شخص واقعاً آن را بداند یا فقط وانمود کند، به‌طور کاملاً مشابه آن کلمات درست هستند. بوداها غلات و حبوبات بشری را نمی‌خورند. اما، غذاهای قلمروهای خود را می‌خورند. خدایان اگر غذا نخورند از گرسنگی نمی‌میرند، اما گرسنه و لاغر خواهند شد، پس آن‌ها نیز باید غذا بخورند. با این حال، آن‌ها ماده سطحی را نمی‌خورند، بلکه مواد متشکل از اجزای ذره‌بینی‌تر را ترجیح می‌دهند. سوزاندن عود نیز اهمیت واقعی دارد. این روزها اگر از راهبی بپرسید چرا می‌خواهد عود بسوزاند، می‌گوید برای نشان‌دادن احترام به بودا است. اما چرا نشان‌دادن احترام به بودا مستلزم سوزاندن عود است؟ آیا انجام کارهای دیگر عملی نیست؟ درواقع، دود تولید شده از سوزاندن عود نیز ماده است. و ماده‌ای که دود را تشکیل می‌دهد فقط یک ماده سطحی نیست: دود نیز شکل‌های مادی دیگری دارد. خدایان و بوداها از آن چیزها، چیزهایی را رشد می‌دهند، که در نتیجه برای تقویت مریدان به کار می‌رود.

پرسش: بدن‌های قانون و بازپیدایی...؟

استاد: من هرگز درباره بازپیدایی صحبت نکرده‌ام. بسیاری از چیزهایی که بودا شاکيامونی درباره آنها صحبت کرد بسیار درست بودند، اما تمام آنچه در بودیسم گفته شده کلمات و ایده‌های اصلی بودا شاکيامونی نیست. متون بودیسم تا پانصد سال پس از آن که بودا شاکيامونی جهان را ترک کرد جمع‌آوری نشده بودند. پانصد سال... درباره آن فکر کنید، پانصد سال پیش حتی آمریکا وجود نداشت. اگر درست حالا چیزی که پانصد سال پیش گفته شده بود گردآوری می‌شد، اختلاف‌های میان این نسخه و [نسخه] آن زمان چقدر بزرگ می‌بود؟ [تفاوت‌هایی در] محیط‌ها، زمان‌ها، مکان‌ها وجود می‌داشت، و اینکه منظور از کلمات تحت چه شرایطی بوده است، پس تفاوت‌ها عظیم می‌بود. فایی که من اشاعه می‌دهم بودیسم نیست. من هرگز درباره بازپیدایی

صحبت نکرده‌ام؛ صرفاً درباره بدن‌های قانون صحبت کرده‌ام. همان‌طور که صحبت می‌کنم در حال یکپارچه‌سازی تفکر مردم امروز و فرهنگ نوع‌بشر امروز هستم.

پرسش: اینیشتین گفت که سرعت نور ثابت است. آیا این اصل در بُعدهای مختلف کاربرد دارد؟

استاد: این اصلی که اینیشتین به درک آن رسید اصلی درون قلمروی بشریت است. هم‌اکنون به اندازه‌ای است که درک بشریت به آن می‌رسد. اما وقتی ورای قلمروی بشریت می‌روید، درمی‌یابید چیزهایی که اینیشتین کشف کرد دیگر مطلق نیستند، زیرا سطوح مختلف اصول متفاوت و شکل‌های مادی متناظر خود را دارند. هرچه بالاتر می‌روید به حقیقت نزدیک‌تر می‌شوید و هرچه بالاتر باشد صحیح‌تر است. وقتی در سطوح بالا نگاهی به عقب می‌اندازید، هیچ‌یک از درک‌های زیر [آن سطح] اصول بنیادین جهان نیستند؛ یا حداقل، آنها خیلی به اصول بنیادین نزدیک نیستند. شخصی که جسارت درک حقیقت را دارد این جرأت را دارد قوانین ثابتی که توسط مردم پیش از او بکار گرفته شده‌اند را پشت سر گذارد. اگر شما درون قوانین آن‌ها قرار داشته باشید، هر چقدر هم که در تحقیق‌تان پیش بروید همیشه در حال پیروی از آنان خواهید بود. اگر آن قوانین را پشت‌سر بگذارید، یک قدم به حقیقت نزدیک‌تر هستید.

وقتی مردم درک کنونی را پشت‌سر می‌گذارند پی خواهند برد که درک‌های گذشته حقایق مطلق نبودند. اینیشتین گفت سرعت نور بالاترین سرعت است، اما من به شما می‌گویم قدرت افکار مردم، در همین سطح سریع‌تر از نور است. به‌علاوه، حتی در سطوح بالاتر که از این سطح پیشی می‌گیرند، به‌خاطر تفاوت‌های زمانی، کندترین سرعت [افکار] سریع‌تر از سریع‌ترین سرعت‌ها در سطوح پایین‌تر است. موجودات سطوحی دارند، و سطوح مختلف زمان‌های مختلف و شکل‌های بُعدی مختلفی دارند. تمام موجودات ذی‌شعور و ماده مقید به محدودیت‌های زمان‌ها و بُعدهای مختلف هستند. هر چه سطح بالاتر باشد سرعت بیشتر است؛ یعنی، کندترین سرعت‌ها در سطوح بالا سریع‌تر از سرعت نور در سطوح پایینی هستند که مردم آن را درک می‌کنند. قدرت یک بودا بزرگ‌تر از قدرت یک بشر است، و حتی بوداهای بالاتر حتی بزرگ‌تر هستند، بسیار فراتر از سرعت نوری هستند که انسان‌ها درک می‌کنند.

صحبت من درباره این چیزها برای این است که به همه شما بگویم بشریت اصول سطح بشری و جهان فیزیکی را دارد که انسان‌ها باید درک کنند، اما این‌ها فقط درک انسان‌ها هستند و قطعاً حقیقت جهان نیستند. آن‌ها را مطلق در نظر نگیرید، چراکه آن‌ها درک در این سطح هستند. چرا شاکيامونی گفت هیچ قانونی وجود ندارد که ثابت باشد؟ و چرا در پایان گفت: «در تمام زندگی‌ام هیچ فایبی را آموزش نداده‌ام؟» زیرا وقتی روشن‌بین شد هنوز به قلمروی تاتاگاتا نرسیده بود. او می‌دانست که در حال تزکیه به بالا بود، و فقط در انتها، در سال‌های آخر خود، به سطوح بسیار بالای تاتاگاتا دست یافت. در چهل و نه سال اشاعه‌فای، به‌طور بی‌وقفه درک خود از جهان از پایین به بالا را آموزش می‌داد. او می‌دانست که چیزهایی که قبلاً آموزش داده بود بالاترین اصول نبودند، و وقتی دوباره رشد یافت، دوباره نسبت به آنچه آموزش داده بود در سطح بالاتری بود. سپس حتی بعد از آن، آنچه آموزش داد، اصول قطعی و نهایی نبود، پس او می‌دانست که آنچه تا آن زمان آموزش داده بود دوباره نادرست بود، چون دوباره رشد یافته بود. شاکيامونی می‌دانست فایبی که در سراسر تمام زندگی‌اش آموزش داد بالاترین فای جهان نبود، یعنی بالاترین حقیقت جهان نبود، پس در سال‌های آخر خود گفت: «در تمام زندگی‌ام هیچ فایبی را نگفته‌ام.» اما همچنین می‌دانست که هرچند اصول فا در سطوح مختلف بالاترین اصول نیستند، [اما] اصولی هستند که موجودات در سطوح مختلف باید از آن تبعیت کنند- یا به‌عبارت دیگر، [او می‌دانست که] در آن سطح آن‌ها اصول هستند. اصول در سطوح مختلف هر چه بالاتر باشند، به اصول نهایی نزدیک‌تر هستند. اما خدایان در جهان نمی‌توانند اصول فای قطعی و نهایی را ببینند، پس آن‌ها نیز می‌گویند هیچ فایبی نیست که ثابت باشد.

اصولی که اینیشتین درک کرد در حقیقت در میان مردم عادی بالاترین هستند. اگر اینیشتین این فرصت را می‌داشت که تحقیقات را ادامه دهد، اگر فرصت کشف اصول حتی بالاتر را می‌داشت، آنگاه درک‌های خودش را برعکس می‌کرد. و در حقیقت، پی می‌برد که هنوز درک‌های بالاتری در مذاهب وجود دارند. چرا اینیشتین باورهای مذهبی داشت و در سال‌های آخر

خود مذهب را پذیرفت؟ به این دلیل که فهمید آنچه مذاهب آموزش دادند اصول حقیقی هستند، و فقط آن زمان آن را پذیرفت. چرا بسیاری از دانشمندان در پایان به مذهب ایمان می‌آورند؟ آن‌ها افرادی هستند که دستاوردهای بسیاری در علم داشته‌اند... اگر در پی مفاهیم علوم تجربی مطلق‌گرا بروید، منطقی نیست. در واقع، صرفاً افرادی که متخصص نیستند و آن‌هایی که پیرامون تعاریفی می‌چرخند که دیگران بیان کردند، کسانی هستند که اسماً و نه رسماً از آن تعاریف دفاع می‌کنند. افراد واقعاً متخصص افکار خود را توسط تعاریف یا نتیجه‌گیری‌ها محدود نخواهند کرد. آن‌ها افرادی واقعاً باهوش هستند.

پرسش: وقتی تمرین‌ها را انجام می‌دهیم و افکارمان نمی‌توانند آرام شوند آیا می‌توانیم جوآن فالون را از حفظ بخوانیم؟

استاد: می‌توانید. اگر بخواهید به سکون مطلق دست یابید، رسیدن به آن، در مراحل آغازین انجام تمرین‌ها سخت است. حتی بعد از تمرین کردن به مدت زمان معینی، هنوز بسیار دشوار است که به سکون کامل دست یافت. چرا؟ درباره آن فکر کنید، شما در میان مردم عادی زندگی می‌کنید، تزکیه در میان مردم عادی، و این خود شما است که در حال تزکیه است. و این دقیقاً خود شما است که در میان مردم عادی زندگی می‌کند، و شما باید بخورید، جایی اقامت کنید، لباس داشته باشید، [یا] فرزندان در خانواده‌تان می‌خواهند به دانشگاه بروند، شخصی امروز بیمار است، موضوعی اضطراری فردا پیش می‌آید- منظورم را متوجه می‌شوید، همه چیز در دنیای بشری در حال مداخله با شما است، و حتی وقتی نمی‌خواهید، درباره آنها فکر خواهید کرد. فقط اگر در تزکیه، چیزهایی که مردم عادی به آن‌ها وابسته هستند را سبک بگیرید، قادر خواهید بود به [سکون] دست یابید. [سبک گرفتن این چیزها] با تزکیه میان مردم عادی تضادی ندارد، همچنین با خوب انجام دادن کارتان یا تحصیل‌تان تضاد ندارد. یعنی اینکه، در مورد هر کاری که انجام می‌دهید به این‌که چگونه شخصاً پیش می‌روید وابسته نیستید. می‌توانید به تدریج به آن دست یابید، چون در قدم‌های اولیه قادر نیستید. تا زمانی که بتوانید احساسات مردم عادی‌تان را سبک بگیرید، و تا مرحله‌ای که آن‌ها را بسیار سبک بگیرید این‌طور عمل کنید، و سپس تا نقطه‌ای که به آنان وابسته نباشید- در آن مرحله ذهن‌تان طبیعتاً ساکن خواهد بود.

مذاهب نیز هیچ روشی ندارند که رسیدن به سکون را برای مردم تسهیل کند. برخی افراد می‌گویند که با خواندن نام «بودا آمی‌تابا» به صورت ذکر مردم می‌توانند ساکن شوند. آن شکلی از تمرین است، اما همان‌طور که شخص ذکر می‌خواند هنوز ساکن نمی‌شود. هنگام خواندن کلمات «بودا آمی‌تابا»، شخص چگونه آن‌ها را می‌خواند؟ باید مصممانه [تا نقطه‌ای] ذکر بخوانند که هر هجای «بودا آمی‌تابا» در برابر آنها ظاهر شود. واقعاً این‌طور است که شخص باید تا زمانی که هر چیزی خالی شود و هیچ چیز نماند ذکر بگوید؛ فقط وقتی شخصی به این قلمرو برسد واقعاً ساکن شده است. در طول مسیر، شخص ممکن است هنوز در آن قلمرو نباشد، و غیرممکن است که یک‌شبه به آن ثبات قدم برسد. درست در آغاز نمی‌توان به آن دست یافت. به‌عنوان مثال، برخی مردم با دهان‌شان بودا آمی‌تابا را می‌خوانند، اما ذهن‌شان هنوز در حال فکر کردن است: «پسرم بیمار است... این و آن واقعاً از من سوءاستفاده کرده‌اند... نامزد چگونه است؟» اما دهان‌شان هنوز در حال خواندن نام بودا آمی‌تابا است. با بار سنگینی از تعلقات و وابستگی‌ها، آیا شخص هنوز می‌تواند ساکن شود؟ به عبارت دیگر، همان‌طور که تزکیه می‌کنید و وقتی چیزهایی که مردم عادی به آن‌ها وابسته هستند را بیشتر و بیشتر سبک می‌گیرید، طبیعتاً ساکن خواهید شد. عدم موفقیت در ساکن شدن در زمان حاضر مانعی برای تزکیه و پیشرفت نیست- همگی اطمینان حاصل کنید که به این نکته توجه می‌کنید. اما در روش‌های تزکیه دیگر اهمیت زیادی به این می‌دهند، و به این دلیل است که آن‌ها روح کمکی را تزکیه می‌کنند و به روح اصلی‌تان اجازه نمی‌دهند نقشی بازی کند.

آن‌ها روی «کشتن» روح آگاه و زنده کردن روح تأکید دارند، و روح کمکی را به‌عنوان روح اصلی در نظر می‌گیرند. روح آگاه خود شما است، پس اگر روح آگاه‌تان بمیرد، در واقع مرده‌اید، و آن مسئولیت بدن‌تان را بدست خواهد گرفت. تمرین ما الزام می‌دارد که وقتی موفق شدید سرانجام بطور کامل ساکن شوید باید آگاه باشید که در حال انجام تمرین‌ها هستید و هنوز مقدار اندکی آگاهی داشته باشید. آن یک وابستگی نیست. اگر حتی از خودتان آگاه نباشید آنگاه چه چیزی را می‌توانید تزکیه کنید؟ آیا یک بودا به خودش بی‌توجه است؟ آن‌طور نیست.

پرسش: ما که فالون‌گونگ را تمرین می‌کنیم چگونه می‌توانیم با دوستان بودیستی خود ارتباط برقرار کنیم؟

استاد: به شما می‌گویم که نباید معتقدان مذهبی امروزی را تزکیه‌کننده در نظر بگیرید. حقیقتی را به شما می‌گویم: خدایان و بوداها صرفاً شکل‌های مذهبی در این پایین یا مردمی که روی خود مذهب متمرکز شده‌اند را به رسمیت نمی‌شناسند. آن‌ها فقط تزکیه حقیقی را به رسمیت می‌شناسند، زیرا مذاهب محصول نسل‌های بعدی هستند. شاکيامونی در زمان خودش مذهبی پایه‌گذاری نکرد. شاکيامونی یک شکل جمعی تزکیه را ایجاد کرد. برای اینکه افراد را از وابسته‌شدن به چیزها بازدارد، همه را مجبور به ترک خانواده و رفتن به مدیتیشن در جنگل‌ها، کوه یا غارها کرد. این نسل‌های بعدی بودند که شکل‌های مذهبی را ایجاد کردند، و این مردم در جامعه هستند که آن را مذهب می‌نامند. این روزها مردم آن را درک نمی‌کنند، و [روش شاکيامونی] را به چیزی با شکل مذهبی تغییر داده‌اند. درباره مذهب، خدایان و بوداها آن را به رسمیت نمی‌شناسند. این طور نیست که یکبار که غسل تعمید شدید یا در روشی رهبانی پذیرفته شدید خدایان و بوداها شما را به رسمیت بشناسند؛ این انسان‌ها هستند که آن را انجام می‌دهند. و این طور نیست که به محض این که غسل تعمید شدید یا در روشی پذیرفته شدید حتماً به یک پادشاهی آسمانی صعود می‌کنید؛ این طور نیست که وقتی به بودیسم تغییر مذهب دادید به مدرسه بودا تعلق دارید. بوداها نگاه می‌کنند به اینکه آیا وقتی یک شخص عهد می‌بندد خالص و بی‌ریا است، و اینکه آیا واقعاً تزکیه می‌کند. بوداها شکل‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند؛ آن [شکل‌ها] توسط مذاهب تصدیق می‌شوند.

درباره دوستان بودایی، با آنان درست مثل یک شخص عادی رفتار کنید؛ مردم می‌توانند به هر چه می‌خواهند اعتقاد داشته باشند. چون شما در حال تزکیه در میان مردم عادی هستید، قطعاً با افراد دیگر در ارتباط خواهید بود. حتی اگر باورهای خاصی داشته باشند، راهی برای دستیابی به تزکیه حقیقی ندارند، پس فقط با آن‌ها مثل دوستان عادی رفتار کنید، همین.

پرسش: از زمان شروع تمرین فالون‌گونگ، تمایلی به خواندن کتاب‌های مدرسه ندارم، و فقط می‌خواهم با تمام قلبم تزکیه کنم.

استاد: درباره این از دو زاویه صحبت خواهم کرد. یکی این است که شاید درک این شخص بسیار بالا است و بنیان او بسیار خوب است. او فا را درجا کسب کرده است و فوراً تشخیص داده که چیست، و در تزکیه بی‌نهایت سریع بالا می‌رود. چون بنیانش خوب است و درک او بالاست، می‌تواند بسیاری از وابستگی‌ها را رها کند، و جوهر حیاتش در معرض خطر نبوده است؛ فقط این طور است که سطح ظاهرش به جهان مادی آلوده شده است. به محض اینکه آلودگی سطحی پاک شود، حقیقت فای بودا را تشخیص خواهد داد، زیرا از ابتدا به چیزهای بشری وابسته نبود. پس این نوع شخص نوعی به شمار می‌رود که نسبتاً خوب است که هم‌اکنون درباره‌اش صحبت کردم.

موقعیت دیگر این است که بنیان شخص بسیار خوب است و در تزکیه می‌داند که دافا خوب است، اما هنوز بطور کامل یا معقولانه الزامات دافا برای تزکیه را درک نکرده است. این نوع موقعیت می‌تواند در میان آن‌هایی که توسط روش‌های تزکیه گذشته تحت تأثیر قرار گرفته بودند یا توسط راهب‌ها یا راهبه‌ها نیز ظاهر شود.

بدون توجه به اینکه چه موردی باشد، نمی‌توانید دچار افراط شوید. اینکه به شما می‌گویم در میان مردم عادی تزکیه کنید توسط روش تزکیه دافا الزام شده است. بعلاوه، دافا ملزم می‌دارد تزکیه‌کنندگان هر کجا که تزکیه می‌کنند برجسته باشند. اگر یک محصل باشید، پس باید در تحصیل‌تان به خوبی عمل کنید؛ اگر عضوی از جامعه هستید، باید کارتان را به خوبی انجام دهید، و هم‌زمان یک تزکیه‌کننده هستید.

پرسش: من برای مدت یک سال فا را مطالعه کرده و تمرین‌ها را انجام داده‌ام، اما هنوز کارمای فکری دارم. مشتاقم که بدانم: چه کاری باید انجام شود؟

استاد: شاگردان مان همگی بسیار خوب هستند. در واقع، اینکه قادر به تشخیص کاستی‌های خود هستید به این معنا است که در حال تزکیه هستید. درک می‌کنم او چه می‌گوید. هم‌اکنون درباره چیزی به شما گفتم، به عبارتی، اینکه وقتی برای تزکیه

فالون گونگ می آید، من بدن تان را پالایش می کنم، و به طور اساسی بزرگترین لایه مولکول‌هایی که ظاهر یک شخص را می‌سازد، از جمله بخشی که افکار تان است را کاملاً پاکسازی خواهم کرد. اما هنوز می‌خواهم بخشی را باقی بگذارم که شما را قادر به زندگی در میان مردم عادی می‌کند و وضعیت تزکیه‌تان در میان مردم عادی را حفظ می‌کند. منظورم این است که، وقتی شخصی هیچ احساس بشری ندارد، نمی‌تواند در دنیای بشری زندگی کند. بدون هیچ چیز بشری نمی‌خواستید حتی برای یک دقیقه میان انسان‌ها بمانید. چیزی که می‌گویم این است که وابستگی‌های بیشتری ایجاد نکنید و بهترین سعی خود را بکنید تا وابستگی‌های بشری فعلی خود را رها کنید.

درواقع، با صحبت از منظری دیگر، من می‌توانم تمام آن افکاری که دارید را به طور کامل دور بریزم، تمام افکار بدتان را کاملاً دور بریزم، و مستقیماً وابستگی‌هایتان را بردارم. اما آن عملی نمی‌بود؛ آن تزکیه نمی‌بود. اما یک چیز وجود دارد که می‌توانم انجام دهم: با شروع از سطح ظاهر شما را پاک کنم و افکار تان را به سطح معینی از پاکی برسانم، با این حال برای اهداف تزکیه مقدار اندکی باید باقی بماند. اگر بیشتر برداشته می‌شد، قادر به تزکیه نمی‌بودید. برای اینکه شما را قادر به تزکیه در میان مردم عادی کنم، بدن تان را از جهان ریزکیهانی درونی پاک خواهم ساخت. سطح خارجی، قدرت‌های الهی بسیار زیادی به ظهور نمی‌رساند، و این به شما اجازه خواهد داد در حالتی بمانید که بوسیله آن در میان مردم عادی تزکیه کنید. من شما را از ریزکیهانی‌ترین بخش زندگی تان پاک خواهم ساخت، از درون به بیرون، تا وقتی چیزها تمام مسیر تا سطحی‌ترین پاک شوند؛ وقتی آخرین ذراتی که باقی مانده را می‌زداید، به کمال می‌رسید. چیزهای سطحی که هنوز برداشته نشده‌اند برای قدم نهایی تزکیه هستند. آن‌ها به طور هدفمند برای تان به جای مانده‌اند و اجازه می‌دهند در حالتی بمانید که بوسیله آن در میان مردم عادی تزکیه کنید. وقتی آن بخش کوچک دور انداخته شود، واقعاً قادر نخواهید بود در میان مردم عادی تزکیه کنید، و علاقه‌ای به امور بشری نخواهید داشت. آن حالت ظاهر خواهد شد. پس فقط در قدم پایانی آن آخرین ذره کاملاً حذف خواهد شد.

این بهترین روش است. آن می‌تواند به شما اجازه دهد که هم در میان مردم عادی تزکیه کنید و هم به طور طبیعی در میان آنان زندگی کنید. با این حال همزمان، باید الزامات سختی برای خودتان قرار دهید، و نمی‌توانید وابستگی‌هایی قوی مانند مردم عادی داشته باشید. از آنجاکه در این مسیر گام برمی‌دارید و به این شکل تزکیه می‌کنید، به شما می‌گویم: اگر برای زمان حاضر افکار یا وابستگی‌های بشری اندکی دارید، آن را به بار سنگینی تبدیل نکنید، چراکه آن‌ها عمداً برای شما باقی گذاشته شده‌اند. ما باید در برابر یک گرایش دیگر نیز هوشیار باشیم: برخی افراد از ابتدا به طور کوشا تزکیه نمی‌کرده‌اند، پس به محض این که می‌شنوند آن را به این شکل گفته‌ام، [فکر خواهند کرد:] «اوه این برای من باقی گذاشته شده. پس درباره آن نگران نخواهم بود.» خودشان را رها می‌کنند، وابستگی‌هایشان را کم نمی‌کنند، و الزامات سختی برای خود قرار نمی‌دهند. آن عملی نخواهد بود، چراکه آن تزکیه نیست.

پرسش: آیا می‌توانیم ازدواج کنیم؟

استاد: برای شما عواملی به جای گذاشته‌ام که شما را قادر می‌کند در میان مردم عادی زندگی کنید. امیدوارم برخی از شما در میان شاگردان مان که جوان هستند هنوز خانواده‌هایی بنیان گذارند و شغل‌هایی را آغاز کنند. اگر در آینده تمام جهان می‌خواست دافا را مطالعه کند و هیچ‌کسی نمی‌خواست خانواده‌ای را بنا نهد، آن گاه جامعه بشری پایان می‌یافت و دیگر وجود نمی‌داشت. آن عملی نمی‌بود. همچنین، افراد جوان باید فرزندان به جای بگذارند، و شما باید یک روش تزکیه برای نوع بشر جدید آینده به جای بگذارید.

پرسش: بهشت فالون چقدر بزرگ است؟

استاد: بهشت فالون بسیار بزرگ است. (خنده) موجودات ذی‌شعور بیشماری دارد، و ده‌ها هزار بودا، بودی‌ساتوا، و آرهات دارد.

پرسش: آیا پس از شروع تمرین فالون گونگ شخص می‌تواند «بودا آمی‌تابا» را به صورت ذکر بخواند؟

استاد: خواندن نام بودا به صورت ذکر تزکیه است، و خواندن نام بودا آمی‌تابا تزکیه در روش تزکیه بودیسم سرزمین پاک است. اگر هنگام تمرین فالون‌گونگ شما نیز نام بودا آمی‌تابا را بخوانید پس در حال مخلوط کردن آن در تمرین خود هستید. این را به شما نمی‌گویم که مجبورید فالون دافا را تزکیه کنید؛ اگر واقعاً نمی‌توانید آن را رها کنید، آنگاه بودا آمی‌تابا را به صورت ذکر بخوانید، زیرا اصل را هم‌اکنون برای‌تان تشریح کرده‌ام. به هنگام دوره پایان دارما بسیار سخت است که در مذاهب به کمال رسید. برخی مردم در مورد بردن کارما به بهشت صحبت می‌کنند، اما به آن آسانی که مردم فکر می‌کنند نیست. مردم باید افکارشان را تا نقطه‌ای که به اندازه کافی خوب باشد تزکیه کنند، و کارمای اولیه‌شان باید تزکیه و ازبین برده شود، تنها ذره کوچکی از وابستگی‌ها باقی بماند، که قرار است به‌تدریج تحلیل برود. در آن زمان موقعیت خاصی نمایان خواهد شد، و فقط آن زمان است که شخص می‌تواند کارما را به بهشت ببرد. اگر بدنی به‌شدت کثیف را به بهشتی کاملاً پاک، یا به بهشت یک بودا ببرید، کجا قرار داده خواهید شد؟ درست؟

پرسش: وقتی تمرین‌ها را در نیمه‌شب انجام می‌دهم احساس می‌کنم اهریمنی مرا آزار می‌دهد. آیا این‌طور است که ما نمی‌توانیم تمرین‌ها را نیمه‌شب انجام دهیم؟

استاد: اگر به‌طور واقعی فالون دافا را تزکیه کنید و هیچ چیز دیگری را در تمرین خود مخلوط نکنید، تضمین شده است که هیچ چیز جرأت نمی‌کند شما را آزار دهد. گاهی یک شاگرد جدید چیزهای دیگر را در تمرین خود مخلوط می‌کند، به‌طوری که نمی‌توانید بگویید در حال تزکیه در روش دافا است. اگر چیزها را مطابق الزامات فاجانم ندهید، اگر فقط تمرین‌ها را انجام دهید، اگر واقعاً تزکیه نکنید، پس اگر مشکلاتی پیش آید برای من آسان نخواهد بود که از شما مراقبت کنم - حتی اگر نامم را صدا کنید. می‌گویید: «استاد، چرا از من مراقبت نمی‌کنید؟» اما آیا دافا را تزکیه می‌کنید؟ آیا برطبق الزامات در حال تزکیه هستید؟ آیا آن چیزی نیست که در حال عمل است؟ تزکیه بودا شدن جدی است.

پرسش: آیا مجاز است که تای‌چی را همراه با فالون‌گونگ تمرین کرد؟

استاد: مجاز نیست. تای‌چی، شینگ‌یی، باگوا - این شکل‌های رزمی ساختار چی‌گونگ درون خود دارند. اما تمرین سایر هنرهای رزمی اهمیتی ندارد، خواه «مشت بلند» باشد، «مشت شناور»، «مشت جنوبی»، «شائولین و غیره باشد - هیچ‌کدام از آن‌ها مشکلی نیستند. اما تای‌چی قطعاً چی‌گونگ است.

مردم امروز نمی‌دانند چگونه باید از تای‌چی استفاده کنند. برخی مردم تای‌چی را به‌عنوان حرکات نرمشی برای تمرین دادن به بدن‌شان در نظر می‌گیرند. درواقع، تای‌چی در داخل خود چیزهای بسیاری از تزکیه درونی بیرونی دارد. مردم امروزه نمی‌دانند چگونه تزکیه کنند. به این دلیل است که جانگ سان‌فینگ جوهر قانون تای‌چی را برای مردم به‌جای نگذاشت، و صرفاً حرکات را به‌جای گذاشت، و به این ترتیب افرادی که بعد از او آمدند نمی‌توانستند با آن تزکیه کنند. نگاه نکنید حرکات تای‌چی چقدر آرام به نظر می‌رسند، چراکه قدرت آنها در بُعد سطحی نیستند. در این سمت بشری، اهمیتی ندارد چقدر سریع باشید، دست شما به سریعی دست [استاد تای‌چی] نیست. شما او را می‌بینید که به آرامی در حال حرکت است، اما او در بُعدی دیگر حرکت می‌کند. این مشابه داستان‌های باستانی است که می‌شنوید، اینکه ممکن است یک جاودان به‌طور عادی در حال قدم زدن باشد اما آن‌هایی که در پی او می‌رانند نمی‌توانند پابه‌پای او ادامه دهند. برای مردم عادی به‌نظر می‌رسد که به آرامی در حال قدم زدن است، اما درواقع، او در حال حرکت در مکان‌زمان‌های دیگر است.

مردم فکر می‌کنند می‌توانند به سرعت مشت پرتاب کنند، اما هرگز نمی‌توانند با سرعت‌های مکان‌زمان‌های دیگر منطبق شوند. به این دلیل است که هر چند می‌بینید در تای‌چی مشت‌ها و کف دست‌هایشان را به آرامی دراز می‌کنند، اهمیتی ندارد حرکات‌تان چقدر سریع باشد به اندازه آن‌ها سریع نیست، زیرا آن‌ها خیلی قبل‌تر از شما به آنجا رسیده‌اند. فقط این‌طور است که مردم مدرن قادر به رسیدن به آن سطح نیستند. بعلاوه، مشت‌های آنان توانایی‌های فوق‌طبیعی حمل می‌کنند، و موجودات بشری نمی‌توانند

آن توانایی‌ها را تاب بیاورند. هنرهای رزمی در فیلم‌ها عالی به نظر می‌رسند. پس چرا در زندگی واقعی ظاهراً مردم در حال حرکت دادن بازوهای خود به هر شیوه‌ای، یا به‌طور تصادفی کوبیدن پایشان یا لگد زدن هستند، اما شما همچنان نمی‌بینید قدرت‌های خاص هنرهای رزمی فرضاً از کجا می‌آید؟ چرا حرکات‌شان شبیه هنرهای رزمی‌ای که قرار است باشد به نظر نمی‌رسد؟ به این دلیل که آن‌ها هیچ توانایی فوق‌طبیعی ندارند. اگر آن‌ها هر نوع توانایی فوق‌طبیعی می‌داشتند، مردم راهی برای جلوگیری از ضرباتشان نداشتند. اگر آن‌ها تلاش کنند آن حرکات را بدون توانایی‌های [فوق طبیعی] لازم انجام دهند، عملی نخواهد بود. پس علت اینکه مردم امروز نمی‌توانند بزرگی هنرهای رزمی را نشان دهند این است که هر دوی توانایی‌های فوق‌طبیعی درونی و بیرونی را ندارند.

تای چی می‌تواند شخص را به جایجایی در بُعدهای دیگر قادر سازد؛ این ذاتاً قسمتی از تزکیه است، پس کاملاً به‌عنوان تمرین چی‌گونگ به شمار می‌رود. فقط وقتی بدن شخص همراه با تمرین تغییر می‌کند و قلمرو افکارش بهبود می‌یابد تمرین او می‌تواند چیزهایی تولید کند. به شما می‌گویم تزکیه تا یک دائو یا یک خدا به‌طور بی‌نظیری مقدس است. آن‌گونه نیست که مردم تصور می‌کنند. مردم حالا از مفاهیم و عقاید فاسدشده این عصر و روزگار استفاده می‌کنند تا تصور کنند مردم باستان چگونه بودند. مردم باستانی آن‌طور نبودند.

پرسش: وقتی فالون در جهت گردش عقربه‌های ساعت و خلاف جهت گردش عقربه‌های ساعت می‌چرخد آیا به گونه‌ای متمایل به جلو یا متمایل به عقب خواهد چرخید؟

استاد: بله، آن بدن شما را مطابق با نیاز بدن تان تنظیم خواهد کرد. آن به این و آن طریق می‌چرخد برای این که کاملاً بدن تان را تنظیم کند. وقتی فالون در ابتدا در حال تنظیم بدن یک شخص است به هر نحوی که لازم است خواهد چرخید، و سرعت ثابتی نخواهد داشت. به محض این که بدن تنظیم شده باشد، فالون در ناحیه زیر شکم تثبیت خواهد شد. سپس نه بار در جهت گردش عقربه‌های ساعت، نه بار خلاف جهت گردش عقربه‌های ساعت خواهد چرخید، که حالت طبیعی آن است.

پرسش: وقتی تمرین‌ها را انجام می‌دهم پسر مخالف می‌کند.

استاد: بله، برخی مردم موقعیت‌هایی شبیه این خواهند داشت که اعضای خانواده [با تمرین] مخالفت می‌کنند. با این حال، آن هنوز بر عهده شماست. بعد از همه، وقتی شخصی تزکیه را برمی‌گزیند آزمون‌هایی وجود خواهد داشت. پس شاید اهریمنی برای مداخله با شما از پسر تان استفاده کند. اگر واقعاً به تزکیه دافا وارد شوید، و بتوانید واقعاً تزکیه کنید، آنگاه از آن مراقبت خواهم کرد. وقتی در میان مداخله هستید نگاه می‌کنم که افکارتان چیست، و ببینم آیا هنوز می‌خواهید تمرین کنید، زیرا تزکیه بودن جدی است و اگر اراده‌تان محکم نباشد عملی نخواهد بود.

پرسش: بهترین حالت این است که هنگام مدیتیشن در لوتوس کامل بنشینیم، درست است؟

استاد: الزام، در نهایت دستیابی به لوتوس کامل است. آن را به تدریج تمرین کنید، و همه قادر به نشستن در لوتوس کامل خواهند بود. در چین مردم مسن بالای هشتاد ساله به تدریج قادر به ضربدری کردن هر دو پا بوده‌اند، پس مشکلی نخواهد بود. تا زمانی که تمرین می‌کنید، به تدریج موفق خواهید شد آن‌ها را ضربدری کنید. این‌طور نیست که می‌توانید به‌طور ناگهانی آن را انجام دهید، و اجبار آن عملی نخواهد بود. اگر می‌گویید حتی نمی‌توانید پاهای خود را حتی در حالت نیمه لوتوس نگه دارید، پس از آنجا که نمی‌توانید پاهای تان را بالا نگه دارید، آزادانه به سبک هندی بنشینید. اگر می‌گویید: «حتی نمی‌توانم به سبک هندی بنشینم»، پس [پاهای خود را] فقط اندکی بالا نگه دارید. وقتی بتوانید به نشستن ادامه دهید، پاهای تان به تدریج پایین‌تر خواهد آمد- هر بار پایین‌تر خواهند بود- و در پایان وقتی کامل پایین می‌آیند در حال انجام نیمه‌لوتوس خواهید بود. وقتی نیمه‌لوتوس را انجام می‌دهید پاهای تان بسیار بالا خواهند ماند، اما اهمیتی ندارد. هر بار که تمرین‌ها را انجام می‌دهید پی خواهید برد پاهای تان

مقداری پایین تر می آیند، و هر بار آن طور خواهند شد. بعد از آن که کامل پایین تر می آیند، و وقتی در نیمه لوتوس هر دو پای تان به طور کامل استاندارد صاف بودن را رعایت کنند، پس می توانید لوتوس کامل را بکار ببرید. تا وقتی پاهای تان صاف هستند و می توانید پای دیگر تان را بردارید و آن را بالا بگذارید، موقعیت لوتوس کامل خواهد بود.

پرسش: چرا می گوئید کودکانی که نژادشان مخلوط است رقت بار هستند؟ شخصی ممکن است در این زندگی یک چینی باشد، و سپس در زندگی بعد یک خارجی باشد، و انواع و اقسام نژادها و روح های اصلی روی زمین وجود دارند.

استاد: در روند بازپیدایی این روح اصلی است که باز پیدا می شود، در حالی که آنچه نژادش مخلوط است بدن فیزیکی است. خدایان مختلف مردم گوناگون خود را خلق کرده اند، و در تاریخ آن خدایان همگی در حال مراقبت از مردمی بوده اند که خودشان خلق کردند. سفیدپوستان سفیدپوست هستند، سیاهپوستان سیاهپوست هستند، و مردم نژاد زرد مردم نژاد زرد هستند. هر قومیتی در دنیا نژادی است که با آسمانها هم خوانی دارد. پس از مخلوط شدن نژاد، مردم تناظر خود با خدایان در آسمانها را دیگر ندارند. و آنگاه امکان دارد که هیچ یک از خدایانی که انسانها را خلق کرده اند از آنها مراقبت نکنند. پس در ارتباط با این افراد، آنها بسیار رقت بار هستند. برخی افراد سپس ممکن است در تعجب باشند که چه کنند. به شما می گوئیم، نگران نباشید. من درباره وضعیت در سطح ظاهری موجودات بشری در حال صحبت هستم. چون روح اصلی مردم مخلوط نشده است، اگر مردم بخواهند تزکیه کنند می توانم شما را قادر به تزکیه سازم. اگر بتوانید تا آخرین قدم تزکیه کنید می توانید به طور کاملاً مشابه به کمال دست یابید، و هیچ تفاوتی وجود نخواهد داشت. تزکیه کردن مسئله ای نخواهد بود.

اگر یک فرد عادی در این شرایط [که هم اکنون صحبت کردیم] باشد پس به یک زندگی بسیار رقت بار منجر خواهد شد. خدایان آن بالا منطقه ای که تمرکز نژادهای مخلوط در آنجا وجود داشته باشد را به رسمیت نمی شناسند، پس به طور طبیعی مردم در چنین منطقه ای بسیار فقیر خواهند بود و زندگی دشواری خواهند داشت.

پرسش: کودکان چینی که در کشورهای خارجی تحصیل می کنند آموزش غربی دریافت می کنند. اگر در تزکیه از زبان های خارجی برای درک جوآن فالون استفاده کنند، آیا می توانند به بهشتی بروند که با مردم زردپوست متناظر است.

استاد: روح اصلی به هر کجا که متعلق باشد می رود، پس سطح بدن بشری عاملی تعیین کننده نیست. اگر خوب تزکیه کنند کاملاً به طور مشابه به کمال خواهند رسید. [اگر پس از زندگی در غرب، سعی کنند نسخه چینی را مطالعه کنند] برای آنها دشوار خواهد بود که معانی سطحی را به چینی درک کنند، و این تفاوت سطحی قابل حل شدن نیست. اما در تزکیه، معانی درونی که ورای بشریت می رود تحت تأثیر قرار نخواهند گرفت.

پرسش: مغز بشری بسیار پیشرفته است. چرا حیوانات قادر به کنترل انسانها هستند؟

استاد: مغز بشری اصلاً پیشرفته نیست. این صرفاً انسانها هستند که آنرا به صورت پیشرفته می بینند، بعلاوه، انسانها خودشان می دانند که بیش از هفتاد درصد مغز بشری بدون استفاده است. در واقع، [آن قسمتها] توسط خدایان قفل شده اند. به محض این که موجود زنده ای، از هر نوعی که باشد، هوش به دست آورد، ورای سطحی که در آن ساکن است می رود و می تواند بر موجودات دیگر قدرت داشته باشد. گرچه اصول آسمانی نمی توانند [برخوردار بودن آنها از قدرت] را تاب بیاورند، اما وقتی انسانها کارهای بد انجام می دهند و با آن چیزها هم سو می شوند، به مثابه این است که انسانها خود با جستجوی [آن چیزها] از آنان دعوت می کنند. آن از این موقعیت بهره می برد و به این ترتیب می تواند انسانها را کنترل کند.

پرسش: ارتباط بین گونگ و فا چگونه باید درک شود؟ رشد و بهبود در فالون گونگ چه ارتباطی با اصول فا دارد؟

استاد: هم‌اکنون بسیار واضح درباره این چیزها در *جوآن فالون* توضیح داده‌ام. اگر بخواهیم درباره آن صحبت کنیم، ژرف و بیکران است، پس فقط اندکی خواهم گفت. افراد درگیر در بحث‌های تئوری همیشه درباره این منازعه می‌کرده‌اند که کدام نخست است، ماده یا ذهن؛ آن‌ها همیشه مشاجرات ایدئولوژیکی دارند. به همگی شما می‌گویم ماده و ذهن یکی و یکسان هستند. گونگ، فاست، و فای گونگ است، زیرا ذهن خودش ماده است. استانداردی برای بهبود *شین‌شینگ* تزکیه‌کننده وجود دارد؛ آن به شکل یک چوب محک ظهور پیدا می‌کند. وقتی *شین‌شینگ* بالا می‌رود، گونگ نیز بالا می‌رود. گونگ، یک ستون گونگ بالای سرتان شکل می‌دهد، و علامت‌های مدرجی در کناره‌های ستون گونگ وجود دارد. آن استاندارد است که ارتفاع *شین‌شینگ* یک شخص را معین می‌کند. همان‌طور که *شین‌شینگ* رشد می‌کند، این چوب محک رشد می‌کند؛ و همان‌طور که به سمت بالا رشد می‌کند، گونگ به سمت بالا رشد می‌کند. و سیر تکاملی گونگ بی‌نهایت سریع است. آن بستگی به این دارد که آیا *شین‌شینگ تان* بالا می‌رود یا خیر. اگر *شین‌شینگ* بالا برود، آن‌گاه گونگ بالا می‌رود. بنابراین این اصل که گونگ به بلندی *شین‌شینگ* است حقیقتی مطلق است. در هر مدرسه‌ای این‌گونه است؛ فقط این‌طور است که روش‌های کوچکتر، آن را درک نمی‌کنند، همین.

مذاهب غربی درباره گونگ صحبت نمی‌کنند. وقتی بودا شاکيامونی فا را اشاعه داد نیز درباره گونگ سخن نگفت؛ فقط دائوئیسم درباره گونگ سخن می‌گوید. چیزهایی که من درباره آنها سخن می‌گویم تمام چیزهای بوداها، دائوئیست‌ها، و خدایان را دربرمی‌گیرد، و همه خدایان و قوانین از طریق روشن‌بینی به قوانین بنیادین جهان پدیدار شده‌اند. در سخنرانی درباره فا، بهترین سعی خود را می‌کنم تا شما بتوانید درک کنید؛ از هر عبارتی که بتواند شما را قادر به فهمیدن کند استفاده می‌کنم. برخی افراد می‌گویند که مذاهب غربی تزکیه نیستند و اینکه مدیتهیشن مذهبی شرقی تزکیه است. آیا [مذاهب] غربی تزکیه نیستند؟ مذاهب غربی نیز تزکیه هستند. عیسی گفت اگر به او ایمان داشته باشید، آن‌گاه می‌توانید به پادشاهی آسمانی وارد شوید. منظور او چه بود؟ عیسی همیشه درباره چیزهایی در سطح سخن می‌گفت و به مردم می‌گفت چگونه خودشان را اداره کنند. دقیقاً مشابه فرهنگ غربی؛ آن‌ها معانی درونی را تشریح نمی‌کنند، و تا زمانی که [درست] عمل کنید مؤثر خواهد بود. مردم امروزه نمی‌دانند «ایمانی» که عیسی [در سطحی عمیق‌تر] درباره آن سخن گفت چیست. عیسی گفت که اگر به او ایمان داشته باشید می‌توانید به پادشاهی آسمانی وارد شوید. در واقع، در مورد ایمان، فقط عمل مطابق آنچه عیسی گفت ایمان حقیقی است. اگر مطابق آنچه عیسی گفت عمل نکنید، آیا آن ایمان حقیقی است؟ اگر شخصی به کلیسا برود و پیش از غذا خوردن، «آمین» بگوید اما به محض اینکه بیرون در دنیای مادی برود و همیشه کارهای بد انجام دهد، آیا آن می‌تواند ایمان به عیسی نامیده شود؟ آیا آنچه عیسی درباره اش صحبت کرد صرفاً به یک جمله محدود بود- «به من ایمان داشته باشید و می‌توانید به پادشاهی آسمانی وارد شوید»؟ چرا عیسی برای رفتار شخص اصول بسیار زیادی را مورد بحث قرار داد؟ اگر براساس آنچه گفت رفتار کنید، آن‌گاه می‌توانید به پادشاهی آسمانی وارد شوید. آیا آن معنی را نمی‌دهد؟ ایمان یک عبارت کلی است. اگر خودتان را تزکیه نکنید یا خودتان را رشد ندهید آیا می‌توانید به پادشاهی آسمانی وارد شوید؟ مطمئناً، ممکن است وقتی زمانش برسد به کلیسا بروید. اما آیا صرفاً به ضرب و زور گرفتن نام خداوند به مقدار زیاد، به خدایان اعتقاد دارید؟ آیا فقط منتظر ورود به پادشاهی آسمان هستید؟ آن عملی نخواهد بود.

پس هدف از اعتراف چیست؟ اعتراف زمانی است که یک شخص می‌داند مرتکب اشتباهی شده و می‌خواهد بهتر عمل کند. وقتی فرد اعتراف کند درحالی‌که هنوز در حال ارتکاب همان اشتباه باشد آن به حساب نمی‌آید. امروز بگویید یک شخص را کشته‌اید، [و بگویید] «لطفاً مرا ببخش»، و سپس فردا شخص دیگری را می‌کشید و سپس دوباره اعتراف می‌کنید و تقاضای بخشش می‌کنید. چه کسی شما را خواهد بخشید؟ ایده را فهمیدید، درست؟ باید انجام اشتباه را متوقف کنید و سوگند بخورید دیگر آن اعمال را مرتکب نمی‌شوید، و به‌راستی دیگر آن‌ها را انجام ندهید. وقتی پی ببرید فکر بدی دارید، در اعتراف به عیسی خواهید گفت: «عیسی مسیح، مرا نجات بده، چون افکار بدی داشتم.» آن‌گاه اگر در زندگی روزانه‌تان خود را بهتر اداره کنید، آیا در حال بهبود *شین‌شینگ* بشری نیستید؟ آیا آن تزکیه خودتان نیست؟ عیسی درباره گونگ صحبت نکرد زیرا «تزکیه بستگی به خود شخص دارد در حالی که گونگ به استاد شخص بستگی دارد.» می‌خواهم بدن شما در تزکیه موفق شود و آن‌ها را متحول

کنم، پس به گونگ اهمیت می‌دهم. عیسی درباره گونگ صحبت نکرد زیرا نیاز ندارید درباره آن بدانید. شما فقط روی ترکیه قلب‌تان تمرکز می‌کنید، و عیسی از گونگ مراقبت خواهد کرد، بنابراین او از گونگ صحبت نکرد. ترکیه، ترکیه کردن افکار و رفتارهای بد بشری است. همان‌طور که قلمروتان رشد می‌یابد، استاد سهم خود را انجام می‌دهد و گونگ را برایتان کامل می‌کند. ایده آن است.

پرسش: بودا شاکيامونی صدها میلیون سال پیش در ترکیه موفق شد. اما این‌گونه نیست که همه موجودات به محض تولد در «چِن شَن رِن» جذب شوند. پس چطور است که شخص می‌تواند در ترکیه موفق شود؟

استاد: همه موجودات ذی‌شعور در آسمان‌ها مقام دستیابی ندارند، و همه موجودات ذی‌شعور در آسمان‌ها نیز بودا نیستند. همه زندگی‌ها توسط دافای جهان خلق شده‌اند، و در جهانی به‌وجود آمده‌اند که توسط دافا خلق شده است، اما این با موفقیت در ترکیه یکسان نیست. موفقیت در ترکیه به اعتباربخشی و روشن‌بینی به مقام دستیابی خود شخص اشاره دارد. شاکيامونی یک بودا است، و یک بودای بسیار خوب است. می‌توانم به همگی شما بگویم که «چِن شَن رِن» حقایق فای کل جهان هستند، عناصر بنیادینی هستند که کل جهان را خلق کردند، و عناصر بنیادینی هستند که تمام خدایان نخستین و تمام خدایان در کل دوره جهان را خلق کردند. البته بودا شاکيامونی در میان آنان بود. جهان نیز روندی از شکل‌گیری، ثبات، فساد، و انهدام را دارا است. بودا شاکيامونی ابتدایی‌ترین خدا نبود. تمام زندگی هوشمند در جهان به سوی فساد و نابودی حرکت می‌کند. موجودات ذی‌شعور نزدیک به سه قلمرو می‌توانند، در زندگی‌های بعدی خود دوباره ترکیه کنند. آن یک روش پالایش است که توسط موجودات درون این محدوده‌ها استفاده شده است. حقایقی که شاکيامونی درباره آنها صحبت کرد فای تاتاگاتا بودند که او از «چِن شَن رِن»، در آن سطح تصدیق کرد و به آن روشن‌بین شد. هیچ‌یک از تاتاگاتا فای بنیادین و حقیقی جهان را توضیح ندادند، زیرا دافای بنیادین جهان فراتر از جهان و تمام حیات‌های درون آن می‌رود. خدایان فقط می‌توانند درک‌هایشان در سطح خود را تصدیق کرده و به آنها روشن‌بین شوند. آن‌ها راه‌های ترکیه آنان است، و خدایان مختلف می‌توانند فقط با تبدیل کردن مردم به موجودات ذی‌شعور پایین خودشان آنان را نجات دهند. اما دافا، دائوی بزرگ بنیادین است؛ در ترکیه این سریع‌ترین و آسان‌ترین [روش] است، و آن چیزهای زیادی ندارد که در مورد آنها تأکید کرد. فا مانند یک هرم است؛ در حاشیه‌ها صرفاً این اندازه پایین است، در حالی که درک خدایان تا این ارتفاع بالا می‌رود. پس آن‌هایی که نجات یافته‌اند می‌توانند فقط در این سطح کمال یابند. یک تاتاگاتا در این سطح به کمال دست می‌یابد، پس تا این اندازه تصدیق کرده و روشن‌بین شده است، و تاتاگاتاها هنگام پرورش میدان فقط روی چیزهای روش خودشان تمرکز می‌کنند. روشن‌بینی هر بودایی متفاوت است، و هر بودایی قانون بزرگ بنیادی چِن شَن رِن جهان را از حقایق فای دافای چِن شَن رِن درک می‌کند. با تقویت‌شدن توسط خدایان و بوداها در سطحی حتی بالاتر، و با ترکیه راستین و روشن‌بینی راستین، هرچه بیشتر درک می‌کند و هرچه بیشتر می‌داند چیزهای ترکیه خودش را شکل می‌دهد، و به آن سطح از قانون جذب می‌شود.

پرسش: چرا وقتی مدیتیشن می‌کنم سرم به سمت تصویرقانون^۳ استاد می‌چرخد؟

استاد: این‌طور است که سمت آگاه‌تان در حال نگاه کردن به من است. گاهی اوقات بدن قانونم اشاراتی به شما می‌دهد. وقتی اشارات را می‌دهد از روش‌های مختلف استفاده خواهد کرد. اگر بخواهید بدانید آیا کاری خوب انجام شده بود یا خیر، یا به درستی انجام شده بود، به تصویرم در کتاب یا تصاویر دیگرم نگاه کنید. بدون توجه به اینکه چشم آسمانی‌تان باز شده باشد یا خیر، اگر اشتباه عمل کرده باشید، بسیار جدی و قاطع به‌نظر خواهم رسید؛ اگر درست عمل کرده باشید، به شما لبخند خواهم زد. (تسویق)

پرسش: وقتی استاد در حال سخنرانی درباره فا هستند، احساس می‌کنم که بسیار درست و خوب است. گاهی اوقات واقعاً حس می‌کنم بطور مستقیم با قلب من صحبت می‌کنند. اما وقتی بعداً سعی می‌کنم آنچه استاد درباره‌اش صحبت کردند را به یاد آورم هیچ چیزی را کامل به خاطر نمی‌آورم. باید چه کار کنم؟

استاد: در واقع، هنگام گوش کردن به من که درباره فا سخنرانی می‌کنم، افراد حالت‌هایی مشابه اینها را خواهند داشت. من فا را بسیار آموزش داده‌ام، و برای شما امکان‌پذیر نیست که همه آن را به‌وضوح به یاد آورید. نگران نباشد. هر بار که در تزکیه‌تان با مشکلاتی مواجه می‌شوید، اگر بتوانید خودتان را به‌عنوان یک تزکیه‌کننده در نظر بگیرید و با مسائل به درستی رسیدگی کنید، قادر خواهید بود کلماتی که گفته‌ام را به یاد آورید. تضمین شده است که این‌گونه باشد. اما اگر در آن زمان آنقدر عصبانی شوید که احساس گنجی کنید و نتوانید آرام بمانید، آن‌گاه قادر نخواهید بود درباره آنها فکر کنید، و این ثابت می‌کند تزکیه‌تان محکم نیست. اما عموماً می‌توانید فایی که آموزش داده‌ام را به‌خاطر آورید. من بارها و بارها تأکید کرده‌ام که این فا برای اینکه مردم عادی به آن گوش دهند گفته نشده است. همه شما که این‌جا نشست‌اید یک رابطه از پیش مقدر شده دارید. در غیر این صورت، قادر نمی‌بودید وارد شوید.

پرسش: اگر از مراقبت از حیوانات کوچک رها شده را به‌عهده بگیرم، آیا آن کارما تولید خواهد کرد؟

استاد: این در واقع کارما تولید نخواهد کرد. به‌عنوان یک فرد عادی این، انجام کاری خوب است، اما در گذشته بودیسم درباره نکشتن و نیز پرورش ندادن جانوران صحبت کرد. و دلایلی برای نکشتن یا پرورش ندادن آن‌ها وجود دارد. درباره «نکشتن» تزکیه‌کنندگان همه درباره آن روشن هستند. «پرورش ندادن آن‌ها» دو نکته دارد. یکی آن است که وقتی [یک شخص در حال] تزکیه است برای حیوان آسان است که قدرت‌های معنوی (لینگ) را به دست آورد. امکان دارد آن‌ها لحظه‌ای که قدرت‌های معنوی را بدست آورند مرتکب اشتباه زیادی شوند. در چین گفته‌ای قدیمی وجود دارد: «تبدیل به یک روح شدن». حیوانات اجازه ندارند تزکیه کنند. موضوع دیگر این است که نگهداری از این چیزها مستلزم مراقبت بسیار است. این باعث ایجاد عدم توجه و تمرکز می‌شود و فکر کردن درباره آن یک وابستگی است و بر روی تزکیه تأثیر خواهد گذاشت. البته، برای تزکیه‌کنندگان علاقه‌مند بودن به حیوانات نیز یک وابستگی است.

به همه شما داستانی می‌گویم. می‌دانید، برهمنیسم چیزی بود که شاکيامونی بیش‌ترین مخالفت را با آن داشت. او باور داشت که آن مذهبی بود که شیطانی شده بود، و در مخالفت با بودیسم شاکيامونی قرار داده شده بود. در واقع، می‌توانم به شما بگویم آنچه شاکيامونی با آن مخالفت کرد برهمنیسم بود و نه خدایان برهمنیسم. در طول دوره اولیه برهمنیسم آنچه مردم به آن ایمان داشتند بوداها بودند- بوداهای حتی اولیه‌تر از شاکيامونی. اما در طول یک دوره طولانی از زمان، مردم ایمان صحیح خود به بوداها را رها کردند و آن مذهب را شیطانی کردند، حتی تا مرحله‌ای که از کشتن به‌عنوان مراسم قربانی کردن برای بوداها استفاده می‌کردند. در پایان، خدایی که به آن باور داشتند ظاهر یک بودا را نداشت؛ آن‌ها شروع کردند به ارواح شیطانی و اهریمنانی با تصویر هیولاهای باور بی‌اورند و انسان‌ها مذهب را شیطانی کردند. می‌دانید، اگر بودیسم این‌گونه پیش می‌رفت، پیروان، حتی شاکيامونی را هم تشخیص نمی‌دادند. پس همه درباره آن فکر کنید: پس از اینکه سال‌های بسیاری بگذرد، آیا تزکیه‌کنندگان در آن مرحله نگاهی به گذشته آن مذهب نخواهند انداخت و آن را به‌عنوان یک مذهب شیطانی نمی‌بینند؟ همان‌طور است. این انسان‌ها هستند که مذاهب را شیطانی می‌کنند، چون خدایان به‌هیچ وجه شیطانی نیستند.

خیلی قبل، در هند مریدی از برهمنیسم وجود داشت که تزکیه می‌کرد. او کاملاً در تزکیه کوشا بود و در خلوت در کوه‌ها تزکیه می‌کرد. روزی یک شکارچی آهوئی را تعقیب کرد، و با پرتاب یک [تیر] آن را زخمی کرد. این آهو [به جایی که تزکیه‌کننده بود] فرار کرد، و او برای محافظت از آهو آن را مخفی کرد. تنها در کوه‌ها، او بسیار در انزوا بود، پس شروع به مراقبت از آهو کرد. انسان‌ها، اگر توجه نکنند، می‌توانند وابسته شوند، و در واقع احساس بشری ترحم و وابستگی به احساسات هر دو بر این آهو کوچک جاری شد. زمانی که او بسیار به آهو وابسته شد، سرانجام آهو نزدیک‌ترین همراه و همدم او شد. در نتیجه، تمام انرژی خود را روی آهو می‌گذاشت، و وقتی مدیتیشن می‌کرد ذهنش نمی‌توانست آرام شود؛ او درباره اینکه برای غذا چه به آهو بدهد فکر می‌کرد. او تصمیم خود را برای گام برداشتن به جلو سست کرد.

چند سال بعد، آهو یک روز ناگهان مرد، و او تا حد زیادی درد کشید. همیشه درباره آهو فکر می‌کرد، و دیگر حتی کمتر می‌توانست بطور کوشا پیشرفت کند. در این زمان سنش بالا رفته بود، و اگر یک تزکیه‌کننده نباشید، زندگی‌تان نمی‌تواند طولانی

شود. او دیگر نتوانست تزکیه کند و زندگی او پایان یافت. وقتی زندگی‌اش به پایان نزدیک شد به فای بودا فکر نکرد؛ هنوز در حال فکر کردن به آهو بود، و به خاطر این، پس از آن که مُرد، به صورت یک آهو بازپیدا شد. وقتی شخصی در بستر مرگ است، ممکن است به هر آنچه که به آن وابسته است و درباره‌اش فکر می‌کند بازپیدا شود، پس در یک لحظه به یک آهو بازپیدا شد. چقدر اسفناک. یک تزکیه‌کننده - کسی که کاملاً خوب تزکیه کرد - در پایان در آن لحظه تباہ شد. برای تزکیه‌کنندگان بهترین حالت این است که به حیوانات وابسته نباشند.

پرسش: وقتی مرا تا نهایت حد [تحمل] خود می‌رسانند نمی‌توانم با دیگران صبور باشم. باید چه کار کنم؟

استاد: آیا هنوز در حال مطرح کردن این هستید که نمی‌توانید تحمل کنید؟ حتی اگر نتوانید تحمل کنید باید تحمل کنید. به عنوان یک تزکیه‌کننده باید نیک‌خواه باشید! همین حالا گفتم که اگر نتوانید دشمن‌تان را دوست بدارید نمی‌توانید در تزکیه موفق شوید، و نمی‌توانید یک بودا شوید. درباره آن فکر کنید، وقتی کسی با شما بد است آیا این‌طور نیست که از گذشته به او بدهکاری؟ آیا ممکن است که به او باز نپردازید؟ شاید چیزی که شما به او تحمیل کرده‌اید حتی پلیدتر از رفتاری باشد که او هم‌اکنون با شما دارد، و دردی که شما برای دیگران ایجاد کردید شاید حتی بیشتر از این باشد! در تزکیه وقتی تضادها می‌آیند تجلی‌شان بسیار تصادفی به نظر می‌رسند، و یک شخص ممکن است شما را عصبانی کند، اما در گذشته، شما - نیز به نحوی بسیار اتفاقی - بطور مشابه فرد دیگر را عصبانی کردید. چه وقت به این شکل است که پیش از آن که چیزی اتفاق بیفتد از پیش به شما گفته شده است؟ [هیچ کسی به شما نخواهد گفت] «خدای من، در زندگی گذشته تو مرا عصبانی کردی، پس در این زندگی من تو را عصبانی خواهم کرد.» چنین چیزهایی نیست. بسیاری از چیزها اتفاقی ظاهر می‌شوند، اما هیچ‌یک از آن‌ها [اتفاقی] نیستند.

شاید قبلاً هرگز آن نوع از موقعیت را نداشته‌اید، اما حالا یک تزکیه‌کننده هستید، و بنابراین برای خاطر رشد و بهبود شما موقعیت‌هایی مانند آن باید برای‌تان ایجاد شوند. عملی نمی‌بود اگر این مشکلات را نداشته‌اید، و من این مشکلات را برای بهبود شین‌شینگ‌تان بکار می‌گیرم. همان‌طور که شین‌شینگ‌تان رشد می‌کند گونگ‌تان رشد می‌کند، و شین‌شینگ‌تان بهبود می‌یابد. هر کسی که برای شما سبب مشکل شود هم‌زمان در حال دادن تقوا به شما خواهد بود. وقتی در رنج هستید کارمای خودتان نیز به تقوا تبدیل خواهد شد. شما در یک حرکت چهار چیز بدست خواهید آورد، پس باید درواقع از شخص دیگر سپاسگزار باشید. اگر هنوز از او متنفر باشید و نتوانید با او صبور بمانید، آن درست نیست. برخی افراد نیز فکر می‌کنند: «استاد به من گفت تحمل کنم، پس آن [احساساتم] را مهار می‌کنم.» آنگاه بعد از مدتی می‌گویید، «استاد، من آن را تا نقطه‌ای که بسیار دردناک است مهار کردم.» می‌گویم که آن تحمل کردن نیست. یک تزکیه‌کننده واقعی اصلاً عصبانی نمی‌شود. اهمیتی ندارد موضوع چه اندازه بزرگ باشد، قلبش تکان نخواهد خورد. چرا به خود زحمت بدهیم که مسائل را تا جایی که بسیار دردناک باشد مهار کنیم؟ یک تزکیه‌کننده باید این‌طور باشد. برخی افراد بخاطر شهرت‌شان تحمل می‌کنند، و آن نیز تحمل واقعی نیست. اما از آنجاکه شروع به تزکیه کرده‌اید، اگر نتوانید هم‌اکنون به این دست بیایید، پس واقعاً هنوز باید آن را مهار کنید.

پرسش: بسیاری از استادان چی‌گونگ، استادانی جوان هستند، و استادانی از مدارس زیادی وجود دارند که تمرین‌های خود را اشاعه می‌دهند.

استاد: این حقیقت که بسیاری از افراد روش‌هایی را اشاعه می‌دهند توسط تغییرات کیهانی سبب شده است، و یک دلیل دارد. اما به شما می‌گویم بسیاری از «استادان چی‌گونگ» خودشان به خود عنوان داده‌اند. آن‌ها درواقع استادان چی‌گونگ نیستند؛ تقلبی هستند. بسیاری از مردم توسط تسخیر حیوان و چیزهای درهم دیگر کنترل شده‌اند. و بسیاری از استادان در حال اشاعه راه‌های کوچک و دنیوی هستند، و آنچه درباره‌اش صحبت می‌کنند حقایقی در آن سطح هستند. علاوه بر این‌ها، افرادی هستند که در کوه‌ها تزکیه می‌کنند. در میان آنان با کسانی مواجه شده‌ام، برخی از آنها برای بیش از چهار هزار سال تزکیه کرده‌اند. چرا برای چنین مدتی طولانی تزکیه کرده‌اند؟ این‌طور نیست که سطح‌شان به اندازه کافی بالا نباشد و از این‌رو نتوانند به آسمان

بالابروند، چراکه برخی از آن‌ها بسیار فراتر از سه قلمرو رفته‌اند؛ بلکه، این‌طور است که نمی‌توانند بالا بروند. این‌طور است که اجازه ندارند بالا بروند، چون هیچ بهشتی نیست که آن‌ها را بپذیرد. چرا قادرند گونگ را رشد بدهند؟ این نیز توسط حقایق فا در این سطح تعیین شده است. اما آن راه‌های دنیوی و کوچک متفاوت هستند؛ برخی از آن‌ها توسط انسان‌ها خلق شده‌اند. در ابتدا چنین شخصی فقط در یک روش تزکیه، تزکیه کرد، یا در مدرسه دائو یا مدرسه بودا تزکیه کرد. بعد از مدتی تزکیه کردن احساس کرد که آن بسیار خوب است، اما شخص دیگری آمد او را پیدا کرد، [و گفت]: بیا و این را تزکیه کن. پس او برای مطالعه آن رفت. پس گونگ او در هم شد. در اصل او استادی آن بالا داشت که از او مراقبت می‌کرد، اما وقتی آن استاد والا دید او به آن شکل شده بود، دیگر استاد او را نخواست. از آنجاکه آن بالایی‌ها دیگر او را نپذیرفتند، دیگر نتوانست سه قلمرو را ترک کند. آن‌هایی که خارج از سه قلمرو هستند مجاز به وارد شدن به آن‌ها نیستند، آن‌هایی هم که داخل سه قلمرو هستند نمی‌توانند آن‌ها را ترک کنند صرف‌نظر از اینکه به چه ارتفاعی تزکیه کرده باشید، اگر هیچ کسی در آن بالا شما را نپذیرد، نمی‌توانید ترک کنید- آن شخص چیزها را در تزکیه مخلوط کرد و گونگ او درهم شد، پس داخل سه قلمرو می‌ماند. این یکی از دلایلی است که چرا آن‌هایی که راه‌های دنیوی و کوچک را تزکیه می‌کنند نمی‌توانند ثمره حقیقی را بدست آورند. به همین دلیل است که گفتم تمرین نکردن همزمان در دو روش تزکیه موضوعی بسیار جدی است.

برخی افراد کتاب‌ها را خوانده‌اند و گفته‌اند: «معلم، آیا شما استادان مدرسه دائو و استادان مدرسه بودا را نداشته‌اید که چیزها را به شما انتقال دهند؟» به همگی شما می‌گویم که آنچه انجام می‌دهم متفاوت است؛ من در حال آموزش فای جهان هستم. صرفاً فای مدرسه بودا را آموزش نمی‌دهم، فقط در حال آموزش فای مدرسه دائو نیز نیستم، به‌طور خاص در حال آموزش یک روش تزکیه خاص نیز نیستم؛ در حال اشاعه دافای بنیادی جهان هستم، و بنابراین بارها و بارها می‌گویم دافا، دافا، این دافای بنیادین جهان است. همه روش‌های تزکیه در جهان درون آن قرار گرفته‌اند. همچنین به شما خواهم گفت که در میان چندین تن از استادانم در این جهان، بوداها، دائوها، و خدایان هستند، و در چندین دوره زندگی قبل توسط من چیزهایی به همگی آن‌ها منتقل شده است. هدف این بود که برای آن‌ها ترتیبی بدهیم که، در طول این زمان وقتی خواستم دافا را اشاعه دهم، آن چیزها را به من منتقل کنند، تا قفل حافظه‌ام را بگشایند، و آن‌گاه [آن] را به شما منتقل کنم. (تشویق) حتی یک چیز هم که در جامعه عادی اتفاق می‌افتد تصادفی نیست. اشاعه دافا همان‌طور که من انجام می‌دهم یک چنین امر عظیمی است، و در آینده حتی مردم بیشتری خواهند بود که آن را مطالعه کنند، پس هیچ‌یک از انواع مختلف عناصر نادرست در جهان که در حال مداخله هستند، نه چیزهای داخل سه قلمرو که با اشاعه دافا مداخله می‌کنند، نه آن حیوانات هوشمند، درهم و برهم و ارواح سطح پایین که سبب آشفتگی می‌شوند، اتفاقی نیستند.

پرسش: در این سطح ما راهی برای تشخیص اساتید چی‌گونگ راستین از تقلبی نداریم. در آینده این چگونه باید اداره شود؟

استاد: برای چه منظوری اکنون می‌خواهید اساتید چی‌گونگ راستین را از جعلی‌ها تشخیص دهید؟ در این زمان آیا هنوز می‌خواهید در سمینارهای چی‌گونگ دیگر شرکت کنید؟ در غیر این صورت چرا نیاز دارید آن‌ها را از هم متمایز کنید؟ (تشویق) فکر می‌کنم برخی افراد در سمینارهای چی‌گونگ شرکت نکرده‌اند، و وقتی چیزهایی که معلم لی می‌گوید را می‌شنوند، [تشخیص می‌دهند] که این تزکیه بسیار گسترده و عمیق است، بنابراین، فکر می‌کنند، «او- پس من نیز خواهم رفت و به آنچه اساتید چی‌گونگ دیگر باید بگویند گوش می‌دهم و اندکی دانشم را افزایش می‌دهم.» برخی مردم آن‌طور فکر می‌کنند، اما نادرست است. آنچه آموزش می‌دهم دافا است؛ شما نمی‌توانید این چیزها را در مکان‌های دیگر بشنوید. تمرین نکردن در دو روش تزکیه چیزی بسیار جدی است.

بعلاوه، اگر بخواهید این چیزها را به‌عنوان دانش در نظر بگیرید، یا اگر بخواهید در روش‌های تزکیه دیگر شرکت کنید، شاید قادر نباشید حتی یک عبارت از فایی که آموزش می‌دهم را به یاد آورید، زیرا تزکیه موضوعی جدی است. راهی برای تمایز اساتید چی‌گونگ حقیقی از جعلی‌ها ندارید، و ظاهرشان این‌طور است که به خاطر پول در حال فریب مردم هستند. دیگران نیز گاهی

به صورت سطحی درباره مهربانی (سَن) صحبت می‌کنند، اما در باطن به خاطر پول کار می‌کنند. پس بسیار دشوار است که تشخیص داد.

پرسش: اگر برخی مردم به قانون بزرگ علاقه داشته باشند، اما نتوانند تصمیم بگیرند که تزکیه کنند یا خیر، و نتوانند خودشان را به عنوان تزکیه‌کننده ببینند، آیا دستیاران هنوز باید به آنان کمک کنند؟

استاد: فکر می‌کنم برخی شاگردان هنوز روندی دارند تا به درک چیزها برسند. اگر می‌خواهید یک تازه‌وارد قلمرویی به بلندی یک شاگرد قدیمی داشته باشد، نمی‌تواند به آن دست یابد. بگذارید روندی داشته باشد تا به درک چیزها برسد؛ اگر بخواهد تمرین کند، آن‌گاه تمرین می‌کند، و اگر بخواهد تمرین کند، آن‌گاه به او آموزش دهید. به تدریج، احساس می‌کند آن خوب است، و شما می‌توانید یک کپی از جوآن فالون را برای خواندن به او بدهید یا به او بگویید یک کتاب خریده و بخواند. به این شکل احساس خواهد کرد که آن خوب است، درک او بالا خواهد رفت، و آن‌گاه می‌توانید یک جوآن فالون به او بدهید تا بخواند؛ قدم به قدم و ذره به ذره، به درک آن خواهد رسید. فرض کنید بخواهید الزاماتی برای او مطرح کنید، [مانند اینکه]: وقتی تمرین‌های ما را انجام می‌دهی نمی‌توانی دارو مصرف کنی؛ یکبار که تمرین‌های ما را انجام دهی دیگر نمی‌توانی به چیزهای دیگر باور داشته باشی؛ یا؛ وقتی تمرین‌های ما را انجام می‌دهی بلافاصله باید به سطح خاصی برسی. آن‌گاه به سرعت او را فراری می‌دهید. می‌توانید به او بگویید اول تمرین کند و آن را امتحان کند، و اگر احساس کند خوب است آن‌گاه خودش خواهد دانست که چه بکند.

نجات مردم بسیار دشوار است. اگر برای مدتی طولانی نتواند موفق شود که همزمان در دو روش تزکیه نکند، یا اگر فقط تمرین‌ها را انجام دهد و کتاب را نخواند، آن‌گاه می‌توانید به او توصیه کنید تمرین‌های دیگر را انجام دهد. در غیر این صورت، به مشکلاتی دچار خواهد شد و برایش بد خواهد بود. این‌جا نقش بدی را ایفاء خواهد کرد. اگر خودش را برای تزکیه [فقط در یک روش] متعهد نکند، آن‌گاه بدن قانون من از او مراقبت نخواهد کرد، زیرا در آن صورت او صرفاً فردی عادی است. وقتی زمانش برسد، یک شخص عادی بیمار خواهد شد، و شاید یک شیطان آسیب‌رساننده به او را برای انجام کارهای خاصی بکار بگیرد، و بطور ناگهانی غیرعادی خواهد شد. مردم عادی نمی‌دانند که شخص باید در تزکیه به یک روش متعهد باشد، و به محض این‌که به مشکلاتی دچار می‌شوند، برای ما سبب آسیب فراوانی خواهند شد. اگر با یک تمرکز واحد قادر به تزکیه نیست، و اگر قادر نیست فا را مطالعه کند، پس به او توصیه کنید که ترک کند، یا به اعضای خانواده‌اش بگویید به او توصیه کنند دیگر تمرین نکند.

پرسش: در گذشته در یک مدرسه هنرهای رزمی آموزش می‌دادم. یک مربی هنرهای رزمی بودم. اکنون فالون دافا را مطالعه می‌کنم و دیگر تایی چی را تمرین نمی‌کنم، اما آیا هنوز می‌توانم به شاگردان آموزش دهم؟

استاد: می‌توانید. اما هر چیزی که عناصر تزکیه دارد، از جمله تایی چی، تزکیه را دربردارد. اگر این کار را برای گذران زندگی انجام می‌دهید، پس می‌توانید آن را انجام دهید. اگر می‌گویید که تایی چی را در یک مدرسه آموزش می‌دهید، پس می‌توانید آن را آموزش دهید، زیرا برای رسیدگی به شرایط خاص، روش‌های خاصی دارم. اگر موضوع این نیست، باید با الزامی منفرد تزکیه کنید. اما آن‌طور که من می‌بینم، آیا حتی بهتر نیست اگر به آنان فالون دافا را آموزش دهید؟ (تشویق) برخی معلمان مدرسه در چین برای آموزش فیزیکی، فالون دافا را آموزش می‌دهند. بعد از تمرین کردن، آن‌جا می‌نشینند و کتاب را برای شاگردان می‌خوانند. شاگردان خودشان می‌گویند، «هرگز در طول کلاس این قدر ساکت نیستیم.»

پرسش: علاوه بر دیدن فالون، آیا همچنین می‌توانیم آن را بشنویم؟

استاد: تمام توانایی‌های فوق‌طبیعی هنگام تمرین فالون گونگ اتفاق خواهند افتاد. گوش آسمانی برخی افراد، پس از باز شدن، می‌تواند صداهایی از بُعدهای دیگر را بشنود.

پرسش: آیا آن‌هایی که دافا را تزکیه می‌کنند می‌توانند ازدواج کنند؟

استاد: می‌توانند. در تزکیه، چیزهایی را به شکلی برای شما باقی گذاشته‌ام که خود واقعی شما می‌تواند تزکیه کند و از تزکیه‌تان در میان مردم عادی اطمینان حاصل شود. در حالیکه با روش زندگی مردم عادی مطابقت دارید می‌توانید تزکیه کنید. همچنین امیدوارم آن‌هایی که ازدواج نکرده‌اند بتوانند یک همتای خوب بیابند که با او راضی و خرسند باشند و یک خانواده را بنیان گذارند. در آینده، شاید هر دوی زن و شوهر تمرین کنند، در این صورت همسران را نجات داده‌اید. اما این را به‌عنوان یک استاندارد بکار نبرید؛ یعنی، اگر او تمرین نکند با او ازدواج نخواهید کرد. اینجا نیز باید هنگام تزکیه با وضعیت مردم عادی مطابقت داشته باشید.

پرسش: هم/کنون، معلم درباره مسائل مربوط به سخت کار کردن در شغل شخص صحبت کردند. من در شغلم به سختی کار می‌کنم، اما رئیس از من برای فشار آوردن به همکارانم استفاده می‌کند، که مرا در یک تنگنا قرار می‌دهد.

استاد: طوری که رئیس عمل می‌کند ارتباطی با شما ندارد. اگر رئیس به شما دستور دهد که بروید و به دیگران فشار آورید، پس فکر می‌کنم رسیدگی به این مسئله آسان باشد. می‌توانید کمی بیشتر موقع‌شناس باشید، و نظرات خود را به‌وضوح بیان کنید. به‌عنوان یک تزکیه‌کننده ما به دیگران آسیب نمی‌رسانیم، اما [اگر] مسئولیت‌تان این چنین است، پس فقط آن را انجام دهید، و مشکلی نخواهد بود. اما ما می‌توانیم در رویکردمان نسبت به چیزها مهربان باشیم. به نظرم، شما باید، تا جایی که مناسب است، بروید و آن را انجام دهید به خاطر اینکه سبب ایجاد مشکلاتی برای شرکت نشوید. در هر حال، در مورد این مسائل خاص، به شما می‌گویم که همگی می‌توانید در مورد آنها خوب عمل کنید. اما نکته‌ای وجود دارد: مطلقاً نمی‌توانید از اصول یک تمرین‌کننده پا فراتر بگذارید، و نمی‌توانید مرتکب کارهای بد شوید.

پرسش: در آمریکا ما می‌توانیم برای چیزهای بخصوصی خواستار عدالت باشیم، اما وقتی درباره چن، شن، رن فکر می‌کنیم، پرونده‌های دادخواهی تشکیل نخواهیم داد. آیا آن رویکرد درستی است؟

استاد: برای هر چیز صرفاً کوچکی پلیس را خبر نکنید. برخی تضادها ممکن است مبنی بر تزکیه‌تان، بازپرداخت کارما، رشد و بهبودتان، و عناصر دیگر باشند. پس وقتی مشکلات ظاهر می‌شوند، تا وقتی به صورت جدی شما را به‌خطر نیندازد، نمی‌تواند به شما آسیبی برساند، و آن طور که من می‌بینم، هیچ‌یک از این‌ها تصادفی نیستند. اگر چیزهای بزرگ [بیابند، مانند] اینکه اگر یک شخص واقعاً برای کشتن‌تان بیاید، تا خانه‌تان را به آتش بکشد، یا به شما آسیب برساند، پس آن را به پلیس گزارش دهید، و شما نیز می‌توانید یک دادخواست تشکیل دهید. اگر آن طور نیست، پس می‌گویم آن را به آن شکل اداره نکنید.

به‌عنوان تزکیه‌کنندگان، شما به تزکیه شخصی خود می‌پردازید، و بنابراین در روند بهبود درک‌تان، اجازه نخواهم داد با چیزهایی مواجه شوید که ارتباطی با تزکیه‌تان ندارند. از آنجاکه مسیر شخصی تزکیه و رشدتان که در مقابل شما قرار دارد، به‌دقت توسط من نظم و ترتیب داده شده است، چیزهای غیرضروری را برای شما ترتیب نخواهم داد. (تشویق) بدون توجه به اینکه قوانین چقدر مؤثر و کامل هستند، نمی‌توانند قلب بشری را اداره کنند، و وقتی نمی‌توانید مردم را ببینید هنوز مرتکب کارهای بد می‌شوند. هر چه قوانین بیشتری نوشته شوند، آسیب بزرگتری بر مردم اعمال می‌کند؛ قوانین آن قدر زیاد می‌شوند که مردم نمی‌توانند همگی آن‌ها را به یاد آورند، و شاید وقتی مردم هر کاری انجام می‌دهند در حال ارتکاب جرمی باشند. آن‌هایی که قوانین را می‌نویسند می‌خواهند از این قوانین برای حکومت بر دیگران استفاده کنند، اما درواقع به‌محض اینکه نوشته می‌شوند، قوانین بر خود آن افراد نیز حکومت خواهد کرد. مردم در حال حاضر در حال تحمل کردن همه چیزهایی هستند که خودشان به بار آورده‌اند. همان‌طور که قوانین سخت‌تر و سخت‌تر می‌شوند، مردم را حتی بیشتر محدود می‌کنند، و در آینده به شیوه مشابه

حکومت بر حیوانات، بر آن‌ها حکومت خواهند کرد. مردم به این شکل خوشحال نخواهند بود. اما این چیزی است که آنها برای خودشان بوجود آورده‌اند، پس باید تحملش کنند. مردم امروز در حال تحمل تمام چیزی هستند که خودشان به بار آورده‌اند، و تمام این به‌طور مداوم در حال مهر و موم کردن بشریت است.

خدایان قوانین بشری را به رسمیت نمی‌شناسند. خدایان باور دارند که [قوانین] ابزاری هستند که انسان‌ها وقتی پس از اینکه فاسد شدند هیچ انتخاب دیگری نداشتند، آنها را تصویب کردند. خدایان فقط قانون قلب و اخلاقیات را به رسمیت می‌شناسند. با اخلاقیات، حتی اگر قانونی وجود نداشت، مردم مرتکب کارهای بد نمی‌شدند، درست؟

پرسش: خدا چیست؟

استاد: قومیت‌های مختلف توسط خدایان مختلفی خلق شدند. خدایی که یک موجود بشری بخصوص را خلق کرد خدای اوست. من به [خلقت] بدن بشری اشاره می‌کنم. در واقع، روح یک شخص سرمنشأهای دیگری دارد.

پرسش: فالون‌گونگی که در آمریکا تزکیه می‌شود چه تفاوت‌هایی با فالون‌گونگی دارد که در سرزمین اصلی چین تزکیه می‌شود؟

استاد: تفاوتی نیست. در کشورهای غربی، مانند مردم زردپوست اهل مشرق، مردم واقعاً سیستم‌های متفاوتی در بُدهای متناظرشان دارند، و این سیستم‌ها با سیستم‌های متفاوت کیهانی در بُدهای حتی بزرگتر جهان تناظر دارند. این سیستم‌های بُدی مختلف همگی عناصر مادی خاص بُدهای خود را دارند. مردم مشرق‌زمین نیز عناصر مادی مخصوص به خود را دارند. بسیاری از مردم، هنگام رسیدن به آمریکا، نه تنها یک تفاوت زمانی پیدا می‌کنند، بلکه یک روند سازگار شدن نیز دارند. همیشه احساس می‌کنند چیزهایی هم درونی هم بیرونی وجود دارند که به آن‌ها عادت ندارند. به این دلیل که عناصر مادی شبیه هم نیستند و محیط‌های زندگی متفاوت هستند. در گذشته مردم می‌گفتند زمین و آب یک مکان معین، نوع معینی از مردم را رشد می‌دهد. آن این‌گونه است. از آنجاکه برای مردم عادی آن عناصر مهم و اساسی هستند، معانی درونی فرهنگی مردم شرقی متفاوت از غربی‌ها است. به‌عنوان مثال: چینی‌ها به علم اعداد و تلفظ توجه می‌کنند، برای مثال چگونگی نمایش کلمه «با» (八-هشت) نمادی از «فا» (發-کسب ثروت) است، یا آن «سی» (死-مرگ) از کلمه «سی» (四-چهار) اشاره می‌گیرد. تلفظ خوب بر بد ترجیح داده می‌شود. سپس در میان این محیط مادی شرق واقعاً این نوع از عنصر مادی وجود دارد، و می‌تواند تأثیر کوچکی روی مردم عادی بگذارد. اما در غرب این وجود ندارد. آن‌ها، در هر حال، عناصر این محیط مادی خودشان را دارند. به‌عنوان مثال: مردم مشرق درباره جغرافیا و جهت‌ها در فِنگ‌شویی صحبت می‌کنند، اما برای غربی‌ها آن عمل نمی‌کند. قطعاً عمل نمی‌کند. در خصوص فِنگ‌شویی، اگر آن را برای سفیدپوستان یا سیاه‌پوستان آمریکا انجام دهید، یا اگر آن را برای مردمی از قومیت‌های دیگر انجام دهید، به‌هیچ وجه عمل نخواهد کرد. عدد سیزده که غربی‌ها سعی دارند از آن اجتناب کنند یا صورفلکی که درباره‌اش صحبت می‌کنند به همان شکل برای مردم شرق عمل نمی‌کند، و برایشان دشوار است که عمل کنند. بنابراین، عدد سیزده واقعاً هیچ معنای حقیقی برای شرقی‌ها ندارد. محیط‌های بُدی اجزایی دارند که موادشان را تشکیل می‌دهند. آن موضوع ساده‌ای نیست. هیچ چیز پابرجا نیست مگر آن که محیط مادی خود را به‌عنوان پایه و بنیان داشته باشد.

پرسش: چگونه بین مدخلات و دشواری‌هایی که توسط استاد ترتیب داده شده‌اند می‌توان تمایز قائل شد؟

استاد: نمی‌توانید خودِ خودِ نظم و ترتیبات مرا دشواری بنامید. در واقع، من هیچ چیزی برای تان ایجاد نکرده‌ام؛ من از چیزهایی که شما پیشاپیش دارید استفاده می‌کنم تا نظم و ترتیب بدهم، و من در حال از بین بردن بخشی از کارمای تان هستم. آنچه باقی‌مانده آن مقدار اندکی است که آزمون‌های هستند که باید هنگام رشد شین‌شینگ تان بگذرانید، و در طول روند تزکیه تان در موقعیت‌های مناسب قرار خواهند گرفت. وقتی زمان فرا برسد و وقتی شما باید رشد کنید، آن به‌عنوان آزمون‌هایی بکار می‌رود

که بگذرانید. پس وقتی با مشکلاتی مواجه می‌شوید باید به درستی آنها را درک کنید. آن چیزی است که برایتان ترتیب دادم. تا وقتی نتوانید واقعاً مانند تزکیه‌کننده باشید می‌توانید همگی آن‌ها را بگذرانید.

پرسش: چگونه می‌توانیم بدانیم معلم اجازه می‌دهند چه کاری را انجام دهیم و چه کاری را انجام ندهیم؟

استاد: تا وقتی فا را مطالعه کنید، قادر خواهید بود بین کارهایی که باید انجام دهید و کارهایی که نباید انجام دهید برای خودتان تمایز قائل شوید. در نظر من، بعضی کارها وجود دارند که خطرناک یا بد هستند، و شما نباید آن کارها را انجام دهید. با این حال اگر بر انجام آن‌ها پافشاری کنید، شاید هرگز قادر نباشید آن‌ها را با موفقیت کامل کنید. وقتی بر انجام آن‌ها پافشاری کنید با دردسرهایی مواجه خواهید شد. می‌توانید این چیزها را تشخیص دهید و خودتان می‌توانید به چیزها روشن و آگاه شوید. اگر هر چیزی به شما گفته شود، چگونه تزکیه خواهید کرد؟

یک شوخی تزکیه‌ای خواهم گفت. در چین شاگردی هست که یک برق کار است. یک بار، در حالی که هنوز برق جریان داشت در حال تعمیر یک ترانسفورماتور بود. بالاترین ظرفیت ترانسفورماتور سی هزار ولت بود. اگر شخصی با آن تماس می‌داشت، فوراً از میان بدنش گذر می‌کرد و او را می‌سوزاند. او خواست به سمت دیگر ترانسفورماتور برود تا یک پیچ را ببندد. در آن زمان نمی‌توانست هیچ چیزی ببیند که مانع او می‌شود، بلکه فقط نمی‌توانست به طرف دیگر قدم بگذارد. این در حال هشدار به او بود که آن طرف نرود، زیرا خطری وجود داشت. اما او لجوج بود و همچنان می‌خواست به آن طرف برود. چون برق هنوز جریان داشت، به محض این که آن پیچ را لمس کرد، «بَنگ!» - یک شوک دریافت کرد. پس، گاهی اوقات چیزهایی وجود دارند که نباید انجام دهید یا خطر، دردسر و غیره را پیش می‌آورد. و اشاراتی به شما داده می‌شود. یک فرد عادی در آن ماجرا تا حد یک خمیر می‌سوخد، اما چون آن شخص دافا را تزکیه می‌کند زندگی‌اش در خطر نبود. او احساس کرد منفجر شد. تمام بدنش «صدای جرنج‌جنگ» کرد! سپس فوراً آرام شد. افراد حاضر در صحنه تا حد مرگ ترسیده بودند. دیدند که او گلوله بزرگ آتشی بود - و به ناگهان صدای مهیب! جریان الکتریسیته از طریق دستش وارد شده بود و سوراخی را میان کف پایش ایجاد کرده بود. در آن زمان، فکر کرد: «من یک تزکیه‌کننده هستم و مشکلی نخواهم داشت.» او هیچ ترسی نداشت و آزادانه حرکت کرد، گویی هیچ چیزی رخ نداده بود. بعداً رئیس اداره صنعت برق آمد، و به او گفت باید به بیمارستان برود تا معاینه شود. او انتخابی نداشت جز آن که به بیمارستان برود. دکتر مبهوت شده بود: «چه عجیب! چنین ولتاژ بالایی معمولاً شخص را تا حد یک چیپس برشته می‌کند. او باید می‌مرد. [جریان برق] از بالای بدن تا پایین رفت و یک سوراخ کف پایش ایجاد کرد. او چگونه نجات یافت؟» حتی خونریزی نداشت، چون هر چیزی درونش سوخته بود. دکتر فکر کرد این عجیب‌ترین چیز بود.

بدن تمرین‌کنندگان دافا توسط ماده انرژی بالا تبدیل شده است؛ در مقایسه، الکتریسیته‌ای که فردی عادی می‌شناسد چیزی نیست. اما سطحی‌ترین پوست این تمرین‌کننده کاملاً تزکیه نشده بود، و بنابراین آن لایه سوراخ شده بود. فقط یک لایه سوراخ شده بود، و در کل آسیبی نبود. من این ماجرا را برای این با شما به اشتراک می‌گذارم که بگویم آن‌هایی که دافا را تمرین می‌کنند با تهدید مواجه می‌شوند اما نه با موقعیت‌های خطرناک. اما اگر کسی به این خاطر شروع کند وابستگی‌هایی شکل دهد و عمداً کارهایی که نباید را انجام دهد، آنگاه آن کاملاً خطرناک خواهد بود.

پرسش: چرا چنین ترتیب داده شده که ما برای تزکیه به آمریکا بیاییم؟

استاد: علم و فناوری در آمریکا بسیار پیشرفته هستند، پس شاید احاطه خوبی از این چیزها در آینده مورد نیاز باشد. آن‌هایی که به آمریکا می‌آیند همگی نخبگانی از شرق هستند. (تشویق)

پرسش: وقتی ما در حالت لوتوس مدیتیشن می‌کنیم آیا نیاز داریم وارد سکون شویم؟

استاد: اگر فقط می‌خواهید پاهای تان را تزکیه کنید اشکالی ندارد. برخی افراد می‌گویند: «پاهایم خیلی خوب نیستند پس کمی بیشتر آنها را تمرین می‌دهم.» پس از نظر من، اگر در حال مدیتیشن نبودید، آیا حتی بهتر نبود اگر می‌توانستید همزمان که پاهای تان را تمرین می‌دادید به سکون وارد شوید؟ صرفاً تمرین دادن پاها اشکالی ندارد، اما وقتی تمرین‌ها را انجام می‌دهید باید به سکون وارد شوید.

پرسش: وقتی جوان فالون را می‌خوانم، آیا نشستن با پاهای ضربدری کمک خواهد کرد؟

استاد: کمک خواهد کرد. ضربدری کردن پاهای تان وقتی در حال خواندن جوان فالون هستید، اولاً، شما را قادر می‌سازد ضربدری کردن پاها را بیشتر تمرین کنید، و ثانیاً، به منزلهٔ انجام تمرین [مدیتیشن] است. این بسیار خوب است.

پرسش: فرزند یک دوست از زمان تولد ناشنوا بوده است. آیا تمرین کردن فالون گونگ به او کمک خواهد کرد؟

استاد: منظور تان این است که برسید آیا او را شفا خواهد داد؟ نمی‌توانم در این مورد به نحو ساده‌ای صحبت کنم، اما می‌توانم بگویم نمی‌توانید تمرین‌ها را بخاطر شفا یافتن انجام دهید. آنچه می‌توانم بگویم این است که آنچه ناشنوا است بدن فیزیکی او است، در حالی که روحش ناشنوا نیست. وقتی مردم به طور واقعی تزکیه می‌کنند، تمام بدن‌شان به طبیعی بودن باز خواهند گشت. تمرین کنندگان باید خودشان را طبق استاندارد یک تمرین‌کننده نگه دارند. اگر کودک واقعاً بخاطر آن بیماری بیاید و این نگرانی را رها نکند، آن‌گاه بهتر نخواهد شد. تزکیه بوداشدن جدی است.

پرسش: شوهرم برای اعتراض به انجام تمرین من اعتصاب غذا کرده است.

استاد: در این مورد، فکر می‌کنم واقعاً بستگی به این دارد که شما چگونه آن را اداره می‌کنید. به طور طبیعی، همه آن‌هایی که با مداخله از طرف اعضای خانواده مواجه می‌شوند [به این خاطر مواجه می‌شوند که]، اولاً، دیده شود محکم تزکیه می‌کنند یا خیر؛ ثانیاً، دیده شود شین‌شینگ تزکیه‌کننده چگونه است؛ و سوم اینکه، باعث شود خانواده [به تزکیه‌کننده] کمک کنند که کارمایش را از بین ببرد. موارد بسیار استثنایی نیز وجود دارند که افراد بطور کامل قادر به پذیرش دافا نیستند.

پرسش: معلم در سخنرانی فای خود، درباره شکل تولد، پیری، بیماری، و مرگ برای خدایان صحبت کردند. معلم، لطفاً در این مورد صحبت کنید.

استاد: جهان گذشته ایجاد، ثبات، فساد، و انهدام داشت، و موجودات در جهان تولد، پیری، بیماری، و مرگ داشتند؛ فقط این طور بود که طول زمان در بُعدهای مختلف تفاوت داشت. تفاوت‌ها بی‌نهایت زیاد بودند، و گاهی اوقات آن قدر زیاد بود که گویی [موجود] هرگز نمی‌میرد، در حالی که دیگران به کوتاهی یک لحظه بودند. در شکل ایجاد، ثبات، فساد، و انهدام، به عنوان مثال، مرحله‌ای از ایجاد در جهان، با دوره زمانی ثبات آن وجود دارد، و سپس به سمت زوال و ویرانی حرکت می‌کند. این شکل پایه‌ای جهان در گذشته است، و قانون حرکت برای تمام گونه‌ها و مواد در جهان بود.

پاسخ‌گویی به تمام برگه‌های پرسش را تمام نکرده‌ام، و هنوز بسیار هستند، اما زمان سخنرانی‌ام درباره فا به پایان رسیده است و سالن کنفرانس به زودی بسته می‌شود. فکر می‌کنم بسیاری از افراد هنوز می‌خواهند توضیح و پاسخ‌گویی مرا به پرسش‌ها بشنوند، اما فقط این طور می‌تواند باشد. فکر می‌کنم وقتی فرصتی باشد می‌توانیم یکدیگر را در شهرهای دیگر ملاقات کنیم، اما این بار بسیار زیاد صحبت کرده‌ام. بسیار قدردان تمرین‌کنندگان محلی در هیوستون هستیم، زیرا بخاطر تدارکات آن‌ها بود که ما فرصت نشستن در اینجا و ملاقات داشتیم. چون ما در اصل برای یک بعدازظهر هماهنگ می‌کنیم، کارمندان این‌جا به زودی از کار فارغ می‌شوند و ما فقط می‌توانیم کارها را به این طریق انجام دهیم. حیف است، چراکه هیچ یک از شما نمی‌خواهید ترک

کنید. فکر می‌کنم برای آن‌هایی که بخاطر ندیدن استاد احساس راحتی نداشتند، باید حالا کمی احساس راحتی کنید چون مرا دیده‌اید. در واقع، به همگی شما خواهم گفت تا وقتی تزکیه می‌کنید، همیشه کنار تان خواهم بود. (تشویق)

امیدوارم هیچ‌یک از افرادی که اینجا نشسته‌اند نگذارند این فرصت از دست برود. کسانی که می‌توانند سخنرانی مرا درباره‌ی فاشنونند زیاد نیستند. فرصت‌هایی نظیر این - فرصت [شنیدن] آموزش فا- در آینده ممکن است کمتر باشد. پس امیدوارم همگی تان دیدار امروزمان را ارج نهید. در تزکیه باید مسئول خودتان باشید. اگر این فا را بدست آورده‌اید، پس تزکیه‌تان را ادامه دهید. آن بر کارتان تأثیر نخواهد گذاشت، و وقتی سرتان خیلی شلوغ است، سعی کنید این را در آن بگنجانید و ببینید چه پیش می‌آید. اگر آن‌طور که گفتم نیست، پس نباید آن را انجام دهید، زیرا هیچ‌چیزی را از دست نمی‌دهید. اگر می‌دانید خوب است، پس به تزکیه ادامه دهید، حقیقت فای بودا به تدریج بر شما نمایان خواهد شد.

امیدوارم همگی شما بتوانید این فرصت تقدیری را ارج نهید. بعداً در تزکیه همگی تان قادر خواهید بود به‌طور پیوسته رو به جلو گام بردارید، واقعاً به‌طور محکم تزکیه کنید، و واقعاً این کتاب، جوآن فالون را بخوانید. باید آن را بسیار زیاد مطالعه کنید و همراه با انجام تمرین‌ها، به‌طور پیوسته رشد و بهبود خواهید یافت. هر بار که کتاب را بخوانید، احساس و پرسش‌های متفاوتی خواهید داشت. هر بار که صعود می‌کنید، تمام پرسش‌هایی که مواجه می‌شوید در دور بعدی خواندن کتاب حل خواهند شد. پرسش‌های جدید خواهید داشت، اما وقتی یکبار دیگر کتاب را بخوانید تضمین خواهد شد که همه پرسش‌ها نیز حل خواهند شد. آنگاه هنوز پرسش‌های جدید دیگری خواهید داشت، و به این روش به‌طور پیوسته تزکیه خواهید کرد، و به‌طور پیوسته پیشرفت‌هایی تدریجی خواهید داشت و صعود می‌کنید.

در ضمن، وقتی با مشکلات و دشواری‌ها، درد و سختی‌ها مواجه می‌شوید- این کلمات را به شاگردان در چین نیز گفته‌ام- اگر به نظر می‌رسد نمی‌توانید آن را انجام دهید، پس امتحان کنید و ببینید آیا می‌توانید آن را انجام دهید. اگر به نظر می‌رسد نمی‌توانید تحمل کنید، امتحان کنید و ببینید آیا می‌توانید تحمل کنید. در آینده، همان‌طور که همگی شما به‌طور مداوم تزکیه و رشد می‌کنید، شاید دفعه بعدی که ملاقات کنیم شبیه این نباشد. همچنین امیدوارم همگی شما بتوانید، در روند تزکیه، تمام مسیر تا کمال، به‌طور مستمر رشد و بهبود یابید و رو به جلو پیش بروید. در تزکیه می‌خواهید مرا ببینید، اما در واقع من درست در کنار تان هستم. (تشویق) برای امروز همین‌جا خاتمه می‌دهم.

^۱ یعنی، انجام‌دادن کارها از طریق ارتباط یا نفوذ داشتن - مترجم.

^۲ کشتن بدون درد فردی که از بیماری و دردی جانکاه در عذاب است یا در نوعی از بیهوشی به سر می‌برد که دیگر احتمال بازگشت او نیست - مترجم.

^۳ اشاره دارد به تصاویر استاد لی هنگجی که ردای رسمی معابد را پوشیده‌اند و معمولاً در وضعیت مدیتیشن نشسته‌اند و برخی از مودرها را نشان می‌دهند - مترجم.

^۴ تلفظ اعداد خاصی، معانی ضمنی، اشارات و دلالت‌های ضمنی یا نتایج خاصی نیز دارند - مترجم.